



اساتید بسیجی پرچم‌داران گفتمان مقاومت

سالروز ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی
حضرت امام خمینی (ره) را تسلیت می‌گوییم

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴ | ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ | ۲ ژوئن ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه

مروزی بر ناترازی مالی بانک‌ها



سد توسعه

حسین چخماقی



راهبرد

رضا صارمی



نگاه

خط قرمز ایران تغییر نمی‌کند!

بازاندیشی در مسیر کادرسازی!



سرمقاله

نگاه نو امام (ره) به توسعه



جهان

همچنان مردمی



دریچه

واکاوی ۶۰ سال تلاش
برای پیشروی و سرآمدی

مسیر نو اندیشی



دیدگاه

مکتب استادانگی

نیم نگاه

خط قرمز ایران
تغییر نمی‌کند!

رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل
بین‌الملل

دور پنجم مذاکرات هسته‌ای که به اتمام رسید از شدت لفاظی‌های آمریکایی‌ها کاسته شده است و خیلی روی غنی‌سازی صفر درصد مانور نمی‌دهند. به‌نظر می‌آید که دولت ترامپ مدل بازی را عوض کرده است. زمانی که ایران اعلام کرد، از خط قرمز غنی‌سازی در داخل خاک ایران کوتاه نمی‌آید و اگر آمریکایی‌ها بر موضوع غنی‌سازی صفر درصد تأکید کنند ایران حاضر به ادامه مذاکرات نخواهد بود.

آمریکا این بازی را شروع کرد به این مضمون که «ترامپ» و «ویتکاف» اعلام کردند که مذاکرات ایران به‌خوبی پیش می‌رود و دسترسی به توافق بسیار نزدیک است. رسانه‌های غربی مانند «رویترز» و «سی‌ان‌ان» حتی بالاتر از این مطلب را بیان کردند و گفتند که در دور بعدی مذاکرات توافق انجام می‌گیرد و ایران موافقت خود را با قطع غنی‌سازی به‌صورت موقت به شرط به رسمیت شناختن غنی‌سازی ایران از سوی آمریکا اعلام کرده است.

این اخبار در حالی منتشر می‌شود که هم سخنگوی وزارت خارجه و هم وزیر خارجه جمهوری اسلامی این مطالب را به‌شدت تکذیب و اعلام کردند هیچ توافقی در هیچ زمینه‌ای نشده است و اساساً آمریکایی‌ها پیشنهادی را ارائه نکردند، بلکه طرف عمانی با ارائه پیشنهادات به دو طرف درخواست کرده است که ایران و آمریکا این پیشنهادات را بررسی کنند و در دور بعدی مذاکرات نظر خود را در این موارد اعلام کنند.

البته با توجه به اینکه ویتکاف در پرونده‌های اوکراین و غزه درگیر است، به‌خصوص در جنگ غزه که آمریکا به‌شدت به‌دنبال برقراری آتش‌بس براساس طرح پیشنهادی خود است، زمان مذاکرات دور ششم به روزهای آینده موکول شود. در کنار این اتفاقات به‌نظر می‌رسد که ترامپ در تلاش است که از ظرفیت اروپا و داستان مکانیسم «ماشه» برای فشار بر ایران استفاده کند.

شاید آخرین مورد این تلاش استقبال سفیر انگلستان در آمریکا از طرح غنی‌سازی صفر درصد باشد. تأکید سه کشور اروپایی مبنی بر اینکه مذاکرات و رسیدن به توافق، آخرین فرصت برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه است، در همین راستا می‌باشد.

«گروسسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم اعلام کرد که ظرف روزهای آینده، آژانس گزارش خود را در مورد همکاری‌های ایران منتشر خواهد کرد. نوع ادبیات گروسسی حاکی از آن است که در این گزارش، کلید شروع فعال شدن مکانیسم ماشه زده خواهد شد. زیرا طبق توافق ایران و گروه ۵+۱ در برجام قاضی و حکم در فعال شدن این مکانیسم آژانس خواهد بود.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که آمریکایی‌ها تلاش همه‌جانبه‌ای را در قالب یک جنگ ترکیبی آغاز کردند تا نتیجه مناسب را از دور ششم مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا به‌دست آورند که البته بعید به‌نظر می‌رسد که در این تلاش خود موفق شوند، زیرا سیاست اعمالی و اعمال جمهوری اسلامی در تمام این ۵ دوره مذاکرات یکسان بوده است.

علی قاسمی

تحلیل‌گر ارشد اقتصادی



با ظهور نظریه‌های توسعه در دهه ۱۹۵۰ و گسترش آن در دهه ۱۹۶۰ در غرب، مفهوم توسعه با مفاهیمی همچون مدرنیته، صنعتی شدن، رشد اقتصادی، مدرنیزاسیون و... گره خورد. توسعه و رشد اقتصادی با افزایش تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه و دسترسی به آموزش و بهداشت تعریف شد. امروزه در ادبیات علوم اجتماعی، واژه توسعه بار معنایی ویژه‌ای را با خودش حمل می‌کند که حاکی از نگاه خاصی به حیات فردی و اجتماعی انسان است. در دهه ۱۹۸۰ با گسترش نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول توسعه در غرب با سیاست‌های نتولیبرال همچون خصوصی‌سازی، تجارت آزاد و کاهش دخالت دولت در اقتصاد پیوند خورد. این نگاه به‌نوعی در کل جهان تسری یافت و برای رسیدن به آرمان‌های توسعه غربی بسیاری از اقدامات مثبت

و منفی حتی کشتارها و جنگ‌ها اتفاق افتاد. در این میان معمار نظام جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره) ضمن طرد نسخه‌های شناخته شده شرقی و غربی جهان معاصر، شاخصه‌های توسعه مطلوب خودش را در بیانات و پیام‌ها به سبکی معرفی کرد که با تعریف توسعه در نگرش‌های اندیشمندان شرقی و غربی بسیار متفاوت بود. در تفکر و بینش امام خمینی (ره)، عنصر کلیدی در تعیین ویژگی‌های توسعه مطلوب، مفهوم عدالت است که هم ناظر به قرار گرفتن انسان در مسیر تعالی روحانی و هم تضمین‌کننده عدالت اجتماعی است و عواملی مانند دنیاجویی و سکولاریزه شدن عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در تضاد با توسعه مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) تحلیل می‌شود؛ مراجعه به کلام و نوشته‌های امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که توسعه مطلوب از پنج ویژگی خاصی شکل گرفته است. این ویژگی‌های اساسی عبارتند از: جهت‌گیری کلی به‌سمت سعادت نهایی، استقلال و خودکفایی، توانمندی، قانونگرایی و تحقق عدالت اجتماعی. از آنجا که امام خمینی (ره)

نگاه نو امام (ره) به توسعه

شناخت خوبی نسبت به مضامین توسعه غربی داشت، به این باور رسیدند باید بیش از هر چیز به فرهنگ توجه کرد و به آن بها داد، به‌گونه‌ای که ایشان مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت را فرهنگ می‌دانستند. بنابراین علاوه بر باورهای عینی به توسعه فراگیر، تأکیدشان بر استقلال و خودکفایی بود. اگر بخواهیم این امر را به بیان الفاظ اقتصادی تعبیر کنیم، ایشان بر استراتژی جایگزینی واردات تا قطع وابستگی کامل به غیر، تأکید بسزایی داشتند و از همین‌رو برای رسیدن به این مرتبه اقتصادی ملت معتقد بودند، باید ابعاد فرهنگی جامعه با تأکید بر فرهنگ اسلامی گسترش یابد. بر همین پایه و اساس اندیشه‌ایی که از امام (ره) در حوزه توسعه گفته شد معظم‌له زیربنای استقلال را استقلال فرهنگی و فکری و پیامد وابستگی فکری را وابستگی اقتصادی، اجتماعی و نهایتاً سیاسی می‌دانند کما اینکه اوضاع ایران را پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را اینچنین ترسیم می‌کنند: «الان در همه چیز... یک نحو وابستگی داریم که بالاتر از همه، وابستگی افکار است. افکار جوان‌های ما، پیرمردهای

ما، تحصیل‌کرده‌های ما، روشنفکرهای ما، بسیاری از این افکار وابسته به غرب است... این وابستگی سرمنشأ همه وابستگی‌هاست که ما داریم. اگر ما وابستگی فرهنگی را داشته باشیم دنبالش وابستگی اقتصادی هم هست، وابستگی اجتماعی هم هست، سیاسی هم هست، همه اینها هست.» (صحیفه، جلد ۱۰، ۳۵۷)

در نهایت باید گفت، در موضوع توسعه و پیشرفت کشور، عنصر «خودکفایی» را نقش تعیین‌کننده می‌داند و برای عملی شدن اصول استقلال شرط لازم تحلیل می‌کند: «ما امروز اگر بخواهیم با این قدرت بزرگ مواجه باشیم و در این میدان شکست نخوریم احتیاج به چند امر داریم، یکی اینکه ما اقتصاد خودمان را طوری کنیم که خودکفا باشیم که اولش قضیه زراعت است... شما می‌دانید که اگر یک مملکتی در اقتصاد... احتیاج به خارج پیدا نکند... این وابستگی اقتصادی آن هم در این رشته موجب این می‌شود که ملت ایران، مملکت ایران تسلیم بشود به دیگران.» (صحیفه، جلد ۱۱، ۴۱۴-۴۱۳)

حاشیه‌سازی در حج!

چرایی ضرورت تدوین و ترویج راهبرد امنیت ملی برای تمام شهروندان

چنین اسنادی صرفاً به معنای انتشار یک متن رسمی نیست، بلکه نیازمند فرآیندی مستمر از آموزش، گفت‌وگو و اقناع نخبگان و توده‌های مردم است تا درک عمیقی از الزامات و اقتضانات امنیت ملی در سطوح مختلف جامعه شکل گیرد. در این صورت، هر شهروند، به‌ویژه افرادی که به واسطه جایگاه اجتماعی، رسانه‌ای یا سیاسی خود از نفوذ کلام بر خوردارند، خود را ملزم به رعایت چارچوب‌های تعیین‌شده دانسته و از اقداماتی که می‌تواند حتی به صورت ناخوسته به امنیت روانی جامعه، روابط خارجی یا منافع اقتصادی کشور آسیب بزند، پرهیز خواهد کرد. اقدام عراق در رونمایی از راهبرد امنیت ملی خود، فارغ از محتوا و جزئیات آن که نیازمند بررسی دقیق‌تر است، یک گام مثبت در جهت نهادینه‌سازی تفکر راهبردی و ایجاد انسجام ملی تلقی می‌شود. این تجربه می‌تواند برای کشورمان نیز یادآور این نکته باشد که تعریف شفاف، ترویج گسترده و اجماع‌سازی حول محور منافع و امنیت ملی، نه تنها مانعی بر سر راه اقدامات نسنجیده و هزنه‌زا خواهد بود، بلکه سرمایه‌ای گران‌بها برای پیشبرد اهداف کلان کشور در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و تضمینی برای حرکت هماهنگ و منسجم آحاد ملت در مسیر تعالی و پیشرفت است.

مخاطره می‌اندازند، پیشگیری کند.

تهیه و تدوین راهبردهای امنیت ملی، در دنیای پیچیده و پر از عدم قطعیت امروز، امری حیاتی برای هر کشوری است که به دنبال حفظ استقلال، تمامیت ارضی و پیشبرد اهداف توسعه‌ای خود می‌باشد. این اسناد، صرفاً مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها برای نهادهای نظامی و امنیتی نیستند، بلکه بازتابی از هویت ملی، ارزش‌های بنیادین، درک از تهدیدات و فرصت‌ها، و در نهایت، تصویری از جایگاه مطلوب یک کشور در نظام بین‌الملل و منطقه هستند

اما اهمیت بنیادین تهیه، اعلام و مهم‌تر از آن، ترویج و نهادینه‌سازی محتوای چنین راهبردهایی، تنها به حوزه سیاست‌گذاری کلان محدود نمی‌شود. این اسناد، زمانی که به‌درستی برای آحاد ملت تبیین و تشریح شوند، به مثابه قطب‌نمایی عمل می‌کنند که جهت‌گیری‌های کلی جامعه را در راستای منافع و مصالح ملی همسو می‌سازند. وقتی شهروندان، نخبگان، فعالان مدنی و حتی چهره‌های تأثیرگذار اجتماعی و رسانه‌ای، درک روشنی از اولویت‌ها، خطوط قرمز و اهداف استراتژیک کشور خود داشته باشند، احتمال بروز اقدامات فردی یا گروهی که برآمده از تحلیل‌های شخصی و بدون در نظر گرفتن پیامدهای گسترده‌تر برای امنیت و منافع ملی است، به شدت کاهش می‌یابد. در

غیاب چنین درک مشترک و چارچوب معینی از منافع ملی، هر فرد یا گروهی ممکن است از ظن خود، منافع و مصالح ملی را تحلیل و تعریف کرده و حتی ناخوسته، در بزنگاه‌های حساس، برای کشور و هموطنان چالش‌آفرینی کند. نمونه‌ای از این مخاطرات را می‌توان در حواشی پیش‌آمده در موسم حج اخیر مشاهده کرد؛ جایی که یک چهره رسانه‌ای شناخته‌شده، با اقدامی فردی و انتشار محتوایی خاص در مکانی حساس و زمانی نامناسب، نه تنها زمینه بازداشت خود توسط کشور میزبان را فراهم آورد، بلکه فضایی را ایجاد کرد که ترمیم آن نیازمند صرف هزینه‌های دیپلماتیک و سیاسی بود. چنین اقداماتی، فارغ از نیت عاملان آن، نشان می‌دهد که چگونه عدم پایبندی به یک چارچوب ملی تعریف‌شده و اولویت دادن به برداشت‌های شخصی بر مصالح عمومی، می‌تواند به راحتی منافع یک ملت را به مخاطره اندازد.

اینجاست که اهمیت یک راهبرد امنیت ملی مدون و تبیین‌شده برای عموم مردم صدچندان می‌شود. وقتی خطوط کلی حرکت، اولویت‌ها، و ملاحظات کشور در تعاملات بین‌المللی و مسائل داخلی برای همگان روشن باشد، دیگر فضا برای تفسیرهای شخصی و اقدامات خودسرانه‌ای که می‌تواند هزینه‌های گزافی بر کشور تحمیل کند، به حداقل می‌رسد. ترویج

جوانگرایی دستگاه قضا

«حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای» در سخنانی بر ضرورت کوتاه‌سازی فرآیندهای قضایی برای تسریع در تحقق عدالت تأکید کرد و در ادامه گفت: «بخشی از این اصلاحات نیازمند قانون‌گذاری است، اما بسیاری با تدبیر قابل انجام است.» رئیس دستگاه قضا همچنین اظهار کرد: «ما در ساختار قضایی به صورت صددرصدی فضا را باز می‌کنیم تا افراد خوش فکر، جوان، پرنرژی و آگاه به مقتضیات زمان به روی کار بیایند. ما این اعتقاد را داریم که لزوماً فردی که در یک سمت بالاتر قضایی است از درک و فهم قضایی و حقوقی بیشتری نسبت به همکاران خود بر خوردار نیست.»



خط قرمز

«علی نیکزاد»، نایب‌رئیس مجلس تصادف فرزندش با تکذیب شایعات نوشت: بر خود لازم می‌دانم تأکید کنم قانون برای همه لازم الاجراست و استثنا ندارد و اقتدار فراجا برای همه خط قرمز است و از آنجا که خنثان خارجی در موج رسانه‌ای این موضوع را مستمسک قرار داده اند، تأکید می‌کنم جان، مال و آبروی خود را برای حفظ این انقلاب فدا خواهم کرد و باور و یقین قلبی اینجانب است که ما باید خرج انقلاب شویم نه اینکه انقلاب را خرج خودمان و خانواده‌مان کنیم. عذرخواهی از مردم عزیزی که ممکن است تحت تأثیر روایت‌های دستکاری شده، احساس تبعیض کرده باشند، بر خود فرض می‌دانم.



نفی سلطه

«سید عباس عراقچی»، در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه «زیربنای سیاست خارجی از نگاه امام خمینی (ره) مبتنی بر نفی سلطه خارجی است.» افزود: «سیاست خارجی (نه شرقی و نه غربی) و تأکید بر موضوع استقلال مبتنی بر همین تفکر است» وزیر امور خارجه دولت چهاردهم با اشاره بر اینکه «حق ایران مبنی بر داشتن غنی‌سازی» گفت: این که طرف‌های مقابل می‌گویند ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد، یک جور تحمیل است و آنها نمی‌توانند با سلطه‌گری خواسته خود را به مردم ایران تحمیل کنند و این چیزی نیست که مردم ایران زیر بار آن بروند.



روز نه

عملکرد جزیره‌ای بلای جان تجارت

احسان قمری

کارشناس اقتصادی

بسا توجه به اهمیت روزافزون موضوع تجارت و تبادلات خارجی هر کشور با دیگر کشورهای دنیا آنچه از سازمان‌ها و نهادهایی مانند «سازمان توسعه تجارت» انتظار می‌رود، این است که این سازمان باید به مرکزیت تجارت خارجی کشور تبدیل شود. مرکزیت به این معنا که وقتی از اواسط دهه ۸۰ با تأکیدی که بر حوزه تجارت خارجی وجود داشت، چند سالی شاهد بودیم که کشور با جهش‌های صادراتی خیلی خوبی مواجه‌شدو موضوع صادرات و جهش صادرات در آن مقطع خیلی مطرح بود، حتی بیشترین تأکیدی که رهبر معظم انقلاب از همان سال‌ها داشتند موضوعات اقتصادی با تأکید و توجه بر حوزه تجارت خارجی بود. البته قبل از دهه ۸۰ مجموعه‌ای با عنوان مرکز توسعه صادرات ایران وجود داشت که آنجا مرکزیت صادرات کشور را داشت و وظایفش هم به چند مسئله کوچک در حد برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی متمرکز بود. با دیدگاه‌های جدیدی که از اوایل دهه ۸۰ در ایران به‌وجود آمد و البته دیدگاه‌هایی که در اقتصاد جهانی ایجاد شد موضوع تجارت نیز وارد فاز تازه‌ای در اقتصادهای دنیا شد. از این‌رو، این بخش می‌تواند بر بخش‌های دیگر مانند تولید و حتی معیشت مردم نیز تأثیر داشته باشد. بر همین مبنا بود که در دهه ۸۰ تصمیم گرفته شد سازمانی با عنوان سازمان توسعه تجارت ایجاد شود که محدوده فعالیت‌هایش نه فقط در حوزه صادرات، بلکه در حوزه تجارت خارجی نیز باشد.

با توجه به عملکرد حدود دو دهه‌ای این سازمان، آسیب‌شناسی آن باید از چند وجه صورت گیرد، یکی آسیب‌شناسی مدیریتی که متأسفانه از ابتدای تأسیس این سازمان تاکنون ثبات مدیریتی در آن وجود نداشته است وقتی ثبات مدیریتی نباشد، ثبات سیاست‌گذاری و ثبات حکمرانی نیز نخواهد بود، به‌نحوی که تا امروز ۷ یا ۸ رئیس در سازمان تغییر کرده که نشان‌دهنده میانگین کمتر از دو‌سال برای هر مدیر است، یعنی تغییرات مدیریتی در این سازمان فوری و سریع بوده و این معضلی است که از زمان تأسیس وجود داشته است. مسئله و چالش بعدی این است که ما هیچ وقت سیاست واحدی در حوزه تجارت خارجی نداشته‌ایم. برای نمونه در دوره‌ای بر روی حوزه ارز، در دوره‌ای موضوع مقررات صادرات و دوره‌ای واردات خودرو یا پیمان‌های منطقه‌ای و... تمرکز شده، یعنی سیاست واحدی وجود نداشته و عملکردها به‌صورت جزیره‌ای بوده است. اگر چه همه اینها جزو وظایف سازمان بوده است. اما هر رتیزی که وارد سازمان شده براساس نظرات و دیدگاه‌های خود فعالیت کرده و نتیجه هم این شده که چون اقدامات صورت گرفته عمقی نبوده و همه برنامه‌ها تنها براساس تکلیف بوده به نتیجه مطلوب نرسیده است. برای نمونه ما سال‌هاست روز ملی صادرات را برگزار می‌کنیم و صادرکننده نمونه‌کشوری معرفی می‌شود و... اما خروجی آن تا به امروز چه بوده است؟ با اینکه همین مراسم روز ملی صادرات، فرصتی است که مسئولان ارشد کشور از نزدیک با مشکلات صادراتی کشور آشنا شوند. اما در نهایت تصمیمات گرفته شده مشکلی را حل نمی‌کند. چون کار کارشناسی و عمیق روی آنها انجام نشده و جزیره‌ای بوده است.

نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری در همایش بصیرتی فرماندهان و کارکنان ستاد فرماندهی کل سپاه مطرح کرد

مکتب ایستادگی

آیت‌الله حسینی بوشهری در ادامه به تشریح ویژگی‌های اصلی مکتب سیاسی امامین انقلاب پرداخت و گفت: اولین ویژگی مبتنی بودن بر جهان‌بینی توحیدی است که در آن، عالم وابسته به قدرت بی‌انتهای الهی دیده می‌شود.

وی اسلام ناب محمدی را دومین اصل این مکتب برشمرد و با اشاره به اهمیت آرای مردم در این مکتب، بیان کرد: امام راحل (ره) بلافاصله پس از انقلاب، فرمان همه‌پرسی برای تعیین نظام اسلامی را صادر کردند، چرا که معتقد بودند مردم باید آرای خود را به صندوق‌ها بریزند و این نشان‌دهنده احترام به اراده مردم است.

این عضو مجلس خبرگان نگاه بین‌المللی و جهانی را ویژگی دیگر این مکتب عنوان کرد و افزود: مخاطب این مکتب تنها مردم ایران یا امت اسلامی نیست، بلکه کل بشریت است و این نگاه از طریق جلب قلوب و نه با زور و لشکرکشی محقق می‌شود. به عنوان نمونه به حمایت‌های مردمی از شخصیت‌هایی چون شیخ زکرائی در آفریقا می‌توان اشاره کرد.

وی پاسداری از ارزش‌ها را که منجر به

آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری، در همایش بصیرتی فرماندهان و کارکنان ستاد فرماندهی کل سپاه با بیان اینکه سخن گفتن پیرامون ابعاد شخصیتی امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب، به ویژه مکتب سیاسی ایشان، نیازمند زمان بسیار و تفصیل است، اظهار کرد: ایسن همایش که در قالب بصیرتی و با بُعد جهاد تبیینی برگزار شده، فرصتی برای روشن شدن این مکتب است. وی سپس به تعریف مکتب سیاسی پرداخت و گفت: مکتب سیاسی مجموعه‌ای از ایده‌ها، نظریه‌ها و عقاید مرتبط با سیاست است که درباره چگونگی اداره کشور، ساختار حکومت و حقوق شهروندان و سایر مسائل سیاسی بحث می‌کند.

رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با تأکید بر پیوستگی مکتب امام راحل (ره) و رهبر معظم انقلاب، تصریح کرد: برای شناخت شخصیت امام خامنه‌ای، ابتدا باید شخصیت امام (ره) را شناخت.

اصول مکتب سیاسی امامین انقلاب

رویای اشغال یا تکرار شکست؟

یادداشتی درباره نگاه دوباره آمریکا بر جنوب لبنان

تلاش است تا از تمدید مأموریت یونیفل جلوگیری کند. هم‌زمان، رژیم صهیونیستی با هدف تسلط بر پایگاه‌های راهبردی یونیفل در مرز، برنامه‌ریزی برای اشغال این مواضع را آغاز کرده است. در سوی دیگر، آمریکا به دنبال واگذاری پایگاه‌های باقی‌مانده در جنوب لبنان به نیروهای فرماندهی مرکزی خود (سنتکام) است. این تحرکات، زنگ خطری برای بازگشت ایالات متحده به منطقه‌ای است که خاطرات تلخی از آن در حافظه یادآور شکست بازگشت به لبنان برای آمریکا یادآور شکست

تحقیق‌آمیز سال ۱۹۸۳ است؛ زمانی که نیروهای تفنگدار دریایی این کشور پس از متحمل شدن سنگین‌ترین تلفات پس از جنگ جهانی دوم، مجبور به ترک خاک لبنان شدند. انفجار یادگان تفنگداران دریایی در بیروت، که به کشته شدن ۲۴۱ نظامی آمریکایی منجر شد، نه‌تنها یک فاجعه نظامی، بلکه نمادی از ناکامی استراتژیک واشنگتن در برابر

مقاومت لبنان بود. اکنون، به نظر می‌رسد کاخ سفید بار دیگر در پی احیای نفوذ خود در این منطقه است، اما این بار با تکیه بر سنتکام و همکاری نزدیک‌تر با رژیم صهیونیستی.

سؤال اصلی اینجاست که آیا آمریکا و متحد منطقه‌ای‌اش قادر به تحقق این هدف هستند؟ جنوب لبنان، با تاریخچه‌ای از مقاومت در برابر اشغالگری، بارها نشان داده که خاکی آسان برای تسلط نیست. نیروهای مقاومت لبنان، که در دهه ۱۹۸۰ تفنگداران آمریکایی را به «جهنم مارینز» فرستادند، امروز به مراتب سازمان‌یافته‌تر و مجهزتر هستند. هرگونه تحرک نظامی در ایسن منطقه می‌تواند به رویارویی گسترده‌ای منجر شود که هزینه‌های آن برای آمریکا و رژیم صهیونیستی به مراتب سنگین‌تر از گذشته خواهد بود.

از سوی دیگر، تلاش برای کنار زدن یونیفل و جایگزینی آن با نیروهای آمریکایی یا صهیونیستی،

ماموریت نیروهای پاسبان صلح سازمان ملل (یونیفل) در جنوب لبنان رو به پایان است. وظیفه یونیفل بر اساس قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت استقرار در امتداد «خط آبی» (مرز لبنان و فلسطین اشغالی) است تا مانع از ورود نیروهای صهیونی به جنوب لبنان و همچنین بازگرداندن ثبات و امنیت در منطقه، و حمایت از دولت لبنان در اعمال حاکمیت خود در جنوب کشور است. با نزدیک شدن به پایان ماموریت این نیروها، تحرکات دیپلماتیک و نظامی ایالات متحده برای تغییر معادلات منطقه‌ای شدت گرفته است. یونیفل، با حدود ۱۰ هزار نیرو از بیش از ۵۰ کشور و ستون فقراتی از نیروهای ناتو، سال‌هاست که به‌عنوان سبری برای حفظ ثبات در این منطقه حساس عمل کرده است اما به نظر می‌رسد این نیروها دیگر با منافع استراتژیک آمریکا و رژیم صهیونیستی همخوانی ندارند.

گزارش‌ها حاکی از آن است که واشنگتن در

عکس و مکت



سد راه آقایی دلار، روسیه نشان داد که تحریم بی‌اثر شدنی است. آمارها نشان می‌دهند که بعد از ۳ ماه جنگ و تحریم علیه روسیه، ارزش روبل نه‌تنها نسبت به دلار نسبت به قبل از جنگ اوکراین تغییری نکرده بلکه تقریباً ثابت هم مانده است!



کف‌گرگی، وقتی در هواییماریاستجمهوری فرانسه در ویتنام باز شد، به یک‌باره یک کف‌گرگی به‌صورت «امانوئل مکرون» از پشت در برخورد کرد. لحظاتی بعد که مکرون از هواپیما بیرون آمد، مشخص شد آن دست متعلق به همسر کهنسال مکرون بوده است.



شهیدان سرباز، جمعه گذشته چهار تن از عوامل گروهان دره نخی هنگ مرزی «مریوان» در حال پایش منطقه مرزی بودند که دچار انفجار مین شدند و ۲ نفر به‌نام‌های «محمدرفا حریت پسند» و «مصیب عزیزی» به شهادت رسیدند و ۲ نفر دیگر نیز مجروح شده و حال آنها مساعد است.



دستور تخلیه شمال غزه، سکوت کشورهای بین‌المللی موجب شده تا رژیم صهیونی در بیانیه‌ای دستور تخلیه مناطق شمالی غزه را صادر کند آن هم به سبب مقاومت جانانه نیروهای مقاومت از خاکشان!



بی‌خانمانی آمریکایی‌ها، میزان بی‌خانمانی در ایالات متحده در سال ۲۰۲۴ با بیش از ۷۷۰ هزار نفر رکورد خود را شکست، به‌طور کلی به ازای هر فرد بی‌خانمان در آمریکا تقریباً ۲۱ خانه خالی وجود دارد؛ افزایش بیش از ۳۰ درصد اجاره مسکن یکی از دلایل این معضل است.



هلاکت ده نیروی ویژه مهبیونی، «سرایا القدس» اعلام کرد که رزمندگان این گردان جمعه گذشته توانستند یک گروه ۱۰ نفره از نیروهای ویژه رژیم صهیونی مستقر درون یک ساختمان در شرق «خان یونس» را با راکت TBG هدف بگیرند که به هلاکت و جراحت این نیروها منجر شد.

دیگران

آتش‌بیار رقابت تسلیحاتی!

جولیا کور نویر

اندیشکده چتم هاوس

طرح ۱۷۵ میلیارد دلاری «گنبد طلایی» دونالد ترامپ، سپری دفاعی برای محافظت آمریکا از سلاح‌های مافوق صوت، بالستیک و فضایی، به جای تقویت امنیت ملی، خطر تشدید بی‌ثباتی جهانی و تسریع رقابت‌های استراتژیک را دارد. این مفهوم جاه‌طلبانه، معماری دفاعی چندلایه‌ای شامل هزاران ماهواره مجهز به حسگرهای پیشرفته و رهگیرهای فضایی را برای شناسایی و خنثی‌سازی تهدیدات متصور می‌شود. این طرح، یادآور «اینکار دفاع استراتژیک» (SDI) رونالد ریگان است که با وجود سرمایه‌گذاری‌های کلان، هرگز به سیستمی کارآمد نرسید و شکاف بین جاه‌طلبی و توانایی راه، که همچنان پابرجاست، آشکار ساخت. مقایسه آن با «گنبد آهنین» اسرائیل نیز گمراه‌کننده است؛ زیرا «گنبد آهنین» از اسرائیل کوچک در برابر راکت‌های نه چندان پیشرفته فلسطینیان دفاع می‌کند، حال آنکه «گنبد طلایی» هدفش دفاع از کل آمریکا در برابر تهدیدات بسیار پیشرفته‌تر با پیچیدگی فنی کاملاً متفاوتی است.

علیرغم برآورد ۱۷۵ میلیارد دلاری ترامپ و ادعای ساخت سه‌ساله، دفتر بودجه کنگره هشدار می‌دهد که تنها اجزای فضایی ممکن است تا ۵۴۲ میلیارد دلار طی ۲۰ سال هزینه داشته باشند، و پرسش‌های اساسی پیرامون سیستم بی‌پاسخ مانده‌اند. پیگیری «گنبد طلایی» خطر اولویت‌دهی به سیستمی گران و اثبات‌نشده را بر قابلیت‌های فوری‌تر مانند بهبود دفاع منطقه‌ای و تاب‌آوری سایبری به همراه دارد، به‌ویژه که آمریکا فاقد فناوری کامل رهگیری دقیق موشک‌های پیشرفته در فضا است. از منظر استراتژیک، سیستمی که آمریکا را آسیب‌ناپذیر جلوه دهد، از سوی رقبای تلاشی برای تضعیف بازدارندگی هسته‌ای تلقی شده و می‌تواند به مسابقه تسلیحاتی خطرناکی بیانجامد. واکنش پکن و مسکو، که پروژه را «عمیقاً بی‌ثبات‌کننده» خوانده‌اند، ممکن است شامل گسترش زرادخانه‌های تهاجمی و تشویق استقرار سلاح‌های فضایی باشند، که امنیت جهانی و آمریکا را تضعیف می‌کند.

با توجه به این مخاطرات، ایالات متحده باید از «گنبد طلایی» به عنوان اهرمی برای آغاز دیپلماسی کنترل تسلیحات استفاده کرده و با قدرت‌های بزرگ چون روسیه و چین، درباره خویشتن‌داری، شفافیت و حاکمیت بر فناوری‌های نوظهور موشکی و فضایی گفتگو کند. این ضرورت با وخامت چارچوب‌های کنترل تسلیحات، نظیر تعلیق «استارت جدید» و توقف مذاکرات با چین، و پیشی گرفتن فناوری از قوانین در بحبوحه تنش‌های فرانبد، تشدید می‌شود. عناصر فضایی «گنبد طلایی»، علیرغم بدبینی‌ها، می‌توانند فرصتی برای گفت‌وگوی مجدد پیرامون امنیت فضایی، با تمرکز بر نگرانی‌های مشترک فوری‌تر، فراهم آورند؛ زیرا با افزایش انکای قدرت‌ها به سیستم‌های فضایی، خطرات اشتباه محاسباتی در مدار نیز روبه افزایش است.

بنابراین، اعلام «گنبد طلایی» باید فرصتی استراتژیک برای بحث پیرامون امنیت فضایی و تدوین هنجارهای رفتاری در آن، نظیر اجتناب از نزدیکی بـه ماهواره‌ها و بهبود شفافیت، تلقی شود. حتی اقدامات کوچک مانند اشتراک اعلان‌های پرتاب ماهواره می‌تواند به اعتمادسازی کمک کند. باید از تکرار اشتباهات «ابتکار دفاع استراتژیک» ریگان، که با هدر دادن منابع و تشدید تنش‌ها به مسابقه تسلیحاتی دامن زد، اجتناب کرد؛ «گنبد طلایی» با بازنگران بیشتر و فناوری‌های پیشرفته‌تر، خطر تکرار این اشتباهات را دارد. در زمان فروپاشی چارچوب‌های کنترل تسلیحات، ارائه این پیشنهاد به عنوان نقطه شروعی برای گفتگو، نه نمایش جاه‌طلبی یکجانبه، می‌تواند به تثبیت این لحظه خطرناک کمک کند، وگر نه پروژه جهان را به سوی آینده‌ای پر تنش‌تر، نظامی‌تر و ناامن‌تر سوق خواهد داد.

نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

چرخه حیات ملت‌ها و پویایی نظام‌های سیاسی، همواره با ضرورت بازنگری و نوسازی درآمیخته است. هیچ ساختاری، هرچند مستحکم و ریشه‌دار، نمی‌تواند بدون تزریق اندیشه‌های نو و بهره‌گیری از توانمندی‌های نسل‌های جدید، در برابر تندباد چالش‌های زمانه و پیچیدگی‌های فزاینده جهان معاصر، دوام و قوام خود را تضمین کند. در این میان، «کادرسازی» و تربیت راهبردی کارگزاران و حکمرانان آینده، نه یک انتخاب، بلکه یک الزام حیاتی برای هر کشوری است که سودای پیشرفت، ثبات و تعالی دارد. اینجاست که تجربه ملت‌های دیگر، به‌ویژه آنانی که از بحران‌های عمیق تاریخی با موفقیت عبور کرده و به بازسازی سیاسی و اجتماعی دست یافته‌اند، می‌تواند چون چراغی فرا راه آینده قرار گیرد و درس‌آموخته‌های گران‌بهای را برای کشورمان عرصه است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش اخیر خود و تحت عنوان «از ساختار حکمرانی تا تربیت حکمران (۱): آلمان» این تجربه را به تفصیل تشریح کرده است که با توجه به اهمیت موضوع و اقتضای مخاطبان صفحه راهبرد نشریه به بررسی بخش‌های کلیدی آن می‌پردازیم. آلمان پس از جامعه جنگ و فروپاشی حکومت نازی در سال ۱۹۴۹، با چالشی بنیادین روبرو شد: چگونه می‌توان نظام سیاسی ویران‌شده را بازسازی کرد و مهم‌تر از آن، نسلی از حکمرانان را پرورش داد که بتوانند کشور را از ویرانه‌ها به سوی آینده‌ای باثبات و پیشرفته رهنمون شوند؟ این پرسش، تنها به پر کردن کرسی‌های خالی قدرت محدود نمی‌شد، بلکه نیازمند یک دگرگونی عمیق در فرهنگ سیاسی و ایجاد سازوکارهای نوین برای شناسایی، تربیت و ارتقای نخبگان بود. پاسخ آلمان به این چالش، طراحی و اجرای یک سیستم جامع، چندلایه و هدفمند برای تربیت سیاستمداران حرفه‌ای بود؛ سیستمی که نه فقط بر انتقال دانش و مهارت‌های فنی، بلکه بر نهادینه‌سازی ارزش‌های دموکراتیک، تعهد به نظم نوین سیاسی و مسئولیت‌پذیری در برابر منافع ملی تأکید داشت. این تجربه غنی، که طی دهه‌ها آزمون و خطا تکامل یافته، می‌تواند برای کشورمان که در مقاطع مختلف تاریخی، نیازمند همگام‌سازی خود با تحولات و تقویت بنیان‌های حکمرانی بوده و هست، الهام‌بخش باشد.

ترویج مشارکت عمومی در سطوح محلی

بررسی دقیق فرایند کادرسازی در آلمان، سه مسیر اصلی و مکمل را آشکار می‌سازد که در تعامل با یکدیگر، به شکل‌دهی مدیران سیاسی کارآمد منجر می‌شوند. نخستین مسیر، «مشارکت در سطوح محلی» است. این رویکرد، که ریشه در سنت‌های دموکراسی محلی آلمان دارد، بر این باور استوار است که سیاستمداران آینده باید پیش از آنکه ردای مسئولیت‌های کلان را بر تن کنند، با چالش‌ها و نیازهای واقعی جامعه در سطح خرد آشنا شوند. فعالیت در شوراهای محلی، انجمن‌های شهروندی و مشارکت در پروژه‌های اجتماعی، به افراد این امکان را می‌دهد که مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری و تعامل تجربه مستقیم، درک عمیقی از واقعیت‌های

تأملاتی بر تجربه کادرسازی نسل جدید کارگزاران آلمان برای ساختن فردای بهتر کشورمان

بازاندیشی در مسیر کادرسازی!



اجرائی و اجتماعی ایجاد می‌کند و زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های واقع‌بینانه‌تر در سطوح بالاتر فراهم می‌آورد. چنین مسیری، از ورود ناگهانی و غیرحرفه‌ای افراد به عرصه‌های حساس مدیریتی جلوگیری کرده و بر اهمیت تجربه عملی و ارتباط با بطن جامعه تأکید می‌ورزد! نکته جالب توجه اینجاست که همان چالشی است که اغلب دولت‌ها در کشور ما با آن روبه‌رو هستند و عمده کارگزاران ملی اغلب اولین مسئولیت دوران حرفه‌ای خود را در سمت‌هایی مانند وزیر یا معاون وزیر تجربه می‌کنند.

ترویج حکمرانی حزبی

مسیر دوم و شاید محوری‌ترین رکن در نظام کادرسازی آلمان، «فعالیت حزبی» است. هرچند در کشورمان ساختار حزب‌بنیان به معنای رایج در آلمان تکوین نیافته و فرهنگ و زیرساخت‌های لازم برای فعالیت احزاب قدرتمند و فراگیر هنوز به طور کامل شکل نگرفته است، اما بررسی نقش احزاب در آلمان می‌تواند اصول کلی و کارکردهای مهمی را برای ما روشن سازد. احزاب سیاسی در آلمان، نه تنها ابزاری برای رقابت انتخاباتی، بلکه مهم‌ترین نهاد برای شناسایی، تربیت و پرورش سیاستمداران حرفه‌ای به‌شمار می‌روند. عضویت در شاخه‌های جوانان احزاب، پذیرش تدریجی مسئولیت‌های کلیدی در ساختار حزبی از سطوح خرد تا کلان، شرکت در برنامه‌های آموزشی حزبی، کارگاه‌های تخصصی و بهره‌مندی از فرصت‌های مربی‌گری (منتورینگ)، بخش‌های اساسی این مسیر را تشکیل می‌دهند. بنیادهای سیاسی وابسته به احزاب، مانند بنیاد «کنراد آدنauer» یا «فریدریش ایبرت»، نقش بسیار مهمی در ارائه آموزش‌های راهبردی، مهارت‌افزایی و انتقال دانش سیاسی به

سیاستمداران آینده باید پیش از آنکه ردای مسئولیت‌های کلان را بر تن کنند، با چالش‌ها و نیازهای واقعی جامعه در سطح خرد آشنا شوند. فعالیت در شوراهای محلی، انجمن‌های شهروندی و مشارکت در پروژه‌های اجتماعی، به افراد این امکان را می‌دهد که مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری و تعامل با اقشار مختلف مردم را در عمل بیاموزند

بررسی نقش احزاب در آلمان می‌تواند اصول کلی و کارکردهای مهمی را برای ما روشن سازد. احزاب سیاسی در آلمان، نه تنها ابزاری برای رقابت انتخاباتی، بلکه مهم‌ترین نهاد برای شناسایی، تربیت و پرورش سیاستمداران حرفه‌ای به‌شمار می‌روند.

مشارکت محلی، فعالیت حزبی (یا در کشورمان، فعالیت در تشک‌های هدفمند و ساختارهای مشابه) و آموزش دانشگاهی با کیفیت، به‌طور همزمان و در تعامل با یکدیگر، فرایند تربیت حکمرانان در آلمان را شکل می‌دهند و مانع از ورود ناگهانی و غیرحرفه‌ای افراد به عرصه‌های حساس مدیریتی می‌شوند

بازسازی سیاسی و تربیت نسلی نوین از رهبران، امری ممکن و دست‌یافتنی است، مشروط بر آنکه با اراده‌ای قوی، برنامه‌ریزی دقیق و تعهدی پایدار همراه باشد.

محلی، فعالیت حزبی (یا در کشورمان، فعالیت در تشک‌ل‌های هدفمند و ساختارهای مشابه) و آموزش دانشگاهی با کیفیت، به‌طور همزمان و در تعامل با یکدیگر، فرایند تربیت حکمرانان در آلمان را شکل می‌دهند و مانع از ورود ناگهانی و غیرحرفه‌ای افراد به عرصه‌های حساس مدیریتی می‌شوند و اینگونه حاکمیت با نیروهای دارای صلاحیت و شایستگی حرفه‌ای امورات خود را به پیش می‌برد.

درس‌آموخته‌هایی برای ما

حال، با تأمل بر این تجربه غنی، چه درس‌آموخته‌هایی را می‌توان برای بهبود فرایندهای کادرسازی در کشورمان استخراج کرد؟ نخست، اهمیت «تقویت مشارکت محلی» و ایجاد بسترهایی برای درگیر شدن فعال شهروندان و به‌ویژه جوانان مستعد، در امور محلی و پروژه‌های اجتماعی است. این امر می‌تواند به شناسایی و پرورش استعدادهای مدیریتی در سطح خرد کمک کرده و آنان را با واقعیت‌های اجرایی آشنا سازد. دوم، ضرورت «ایجاد یا تقویت نهادهای آموزشی سیاسی» مشابه بنیادهای آلمانی، اما متناسب با ساختار و ارزش‌های کشورمان است. چنین نهادهایی می‌توانند با ارائه آموزش‌های راهبردی، مهارت‌افزایی و انتقال دانش تخصصی، به تربیت نسلی از مدیران توانمند و متعهد کمک کنند.

این امر می‌تواند از طریق دوره‌های آموزشی، تشک‌ل‌های علمی، سیاسی و دانشجویی رسمی و یا اندیشکده‌های تخصصی پیگیری شود. سوم، هرچند نظام حزبی در کشورمان وجود ندارد و جریانات سیاسی عمدتاً با کم و کیفی عشیره‌ای و طایفه‌ای فعالیت می‌کنند، اما می‌توان بر «حمایت بتوانند به‌عنوان بستری برای تربیت سیاستمداران حرفه‌ای عمل کنند، تأکید ورزید. برنامه‌های آموزشی داخلی، فرصت‌های مربی‌گری و کارآموزی در این تشک‌ل‌ها می‌تواند به توسعه سیاستمداران آینده‌نگر و توانمند یاری رساند. چهارم، «توسعه آموزش‌های دانشگاهی مرتبط» و بازنگری در سرفصل‌ها و کیفیت رشته‌های علوم

سیاسی، حقوق، مدیریت دولتی و سایر حوزه‌های مرتبط در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، برای آماده‌سازی بهتر سیاستمداران آینده امری ضروری است. این امر نیازمند آسیب‌شناسی دقیق، بازنگری کارکردی و توان‌افزایی مستمر در نظام آموزشی کشورمان است. و پنجم، «طراحی و اجرای برنامه‌های مربی‌گری (منتورینگ) و حمایت از استعدادها» در درون نهادهای دولتی، تشک‌ل‌های علمی و سیاسی و اندیشکده‌ها، می‌تواند مسیر پیشرفت افراد بااستعداد را هموار کرده و به انتقال تجربیات و دانش از نسل‌های پیشین به نسل‌های جدید کمک شایانی نماید.

با عنایت به آنچه بیان شد، باید اذعان داشت که کادرسازی و تربیت حکمران، یک سرمایه‌گذاری راهبردی برای آینده هر ملتی است. این فرایند، اگر به‌درستی و با نگاهی جامع و آینده‌نگر طراحی و اجرا شود، می‌تواند به بهبود کیفیت حکمرانی، افزایش کارآمدی نظام تصمیم‌گیری، تقویت ثبات سیاسی، تضمین توسعه پایدار و افزایش مشارکت شهروندان در سرنوشت خود منجر گردد. تجربه آلمان نشان می‌دهد که بازسازی سیاسی و تربیت نسلی نوین از رهبران، امری ممکن و دست‌یافتنی است، مشروط بر آنکه با اراده‌ای قوی، برنامه‌ریزی دقیق و تعهدی پایدار همراه باشد. کشورمان نیز با بهره‌گیری از تجارب موفق جهانی و انطباق هوشمندانه آن با مقتضیات بومی و ارزش‌های بنیادین خود، می‌تواند گام‌های بلندی در مسیر بهسازی و بازسازی سیاسی و تقویت نسل آینده‌ساز کارگزاران و حکمرانان بردارد و از این رهگذر، دوام و قوام سیاسی خود را در مواجهه با چالش‌های نوپدید داخلی و بین‌المللی تضمین نماید.

همچنان مردمی

تحلیلی بر پیروزی حزب‌الله در انتخابات شهرداری‌های لبنان

انتخابات اخیر شهرداری‌های لبنان، به‌ویژه در شهرهای کلیدی مانند «بیروت»، «بعلبک» و مناطق جنوبی این کشور، بار دیگر حزب‌الله را به‌عنوان نیرویی محوری در صحنه سیاسی لبنان تثبیت کرد. برخلاف پیش‌بینی‌ها و تبلیغات گسترده‌ای که کاهش نفوذ حزب‌الله را نوید می‌دادند، نتایج این انتخابات نشان‌دهنده عمق رابطه این جنبش با پایگاه مردمی‌اش بود. این پیروزی نه‌تنها به‌معنای تداوم اقتدار سیاسی حزب‌الله، بلکه نشانه‌ای از شکست تلاش‌های داخلی و خارجی برای تضعیف این جنبش است. در بیروت، ائتلاف «حزب‌الله» و جنبش «امل» در قالب فهرست «بیروت ما را متحد می‌کند» با کسب اکثریت قاطع آراء، نشان داد که پایگاه اجتماعی این دو جریان همچنان قدرتمند است. مشارکت گسترده رأی‌دهندگان در پایتخت، حتی در محله‌های تحت فشار رسانه‌ای و سیاسی، بیانگر اعتماد راسخ مردم به این ائتلاف بود. این نتیجه در شرایطی به‌دست آمد که مخالفان حزب‌الله، از جمله برخی چهره‌های سیاسی مانند «ندیم جمیل» از حزب «کتاب»، سال‌ها تلاش کرده بودند این جنبش را به انزوای سیاسی و اجتماعی متهم کنند. بااین حال، حتی حمایت غیرمنتظره جمیل از نامزدهای موردحمایت حزب‌الله در بیروت، نشان‌دهنده پذیرش ناگزیر واقعیت نفوذ این جنبش در میان مردم است. در بعلبک و مناطق جنوبی لبنان، از جمله نبطیه،



سیاسی فراگیر است. برخلاف ادعاهای مخالفان که حزب‌الله را به تلاش برای سلطه بر ساختار سیاسی لبنان متهم می‌کردند، حضور این جنبش در فهرست‌های مشترک با دیگر گروه‌ها، از جمله جنبش امل، نشان‌دهنده رویکردی عمل‌گرایانه برای حفظ توازن سیاسی است. این استراتژی نه‌تنها به حفظ ثبات در مناطق کلیدی مانند بیروت کمک کرده، بلکه اعتماد دیگر گروه‌های سیاسی را نیز جلب کرده است. شکست نیروهای به‌اصطلاح «تغییر» در این انتخابات نیز قابل تأمل است. ایسن نیروها که با وعده‌های اصلاحات و تغییر نظام سیاسی وارد کارزار انتخاباتی شده بودند، نتوانستند جایگزینی معتبر برای حزب‌الله و متحدانش ارائه کنند. ناتوانی آنها در جلب اعتماد رأی‌دهندگان، به‌ویژه در مناطق شیعه‌نشین، نشان‌دهنده فقدان برنامه‌ای منسجم و عدم درک نیازهای واقعی مردم بود. در مقابل، حزب‌الله با تکیه بر سابقه طولانی خود در دفاع از لبنان در برابر تجاوزات خارجی و ارائه خدمات اجتماعی در مناطق محروم، بار دیگر به‌منزله نیرویی قابل اعتماد در نزد مردم ظاهر شد.

پنجره

سریوش ۹۰ هزار یورویی

افشاگری علیه جنایات هسته‌ای فرانسه؟

اسنادی که به‌دست وب‌سایت تحقیقاتی «دیسکلوز» رسیده و توسط روزنامه‌های «لوموند» و «گاردین» رویت شدند، حاکی از آن هستند کمیسیون انرژی اتمی فرانسه کارزاری هماهنگ‌شده به‌راه انداخته تا افشاگری‌ها درباره تبعات مخرب آزمایشات هسته‌ای این کشور را بی‌اعتبار سازد. کتابی که با عنوان «توکسیک» (Toxique) در سال ۲۰۲۱ منتشر شده، با بررسی نزدیک به دو هزار صفحه محتوای غیرمحرمانه و ده‌ها مصاحبه، به بررسی تبعات تنها ۶ آزمایش از مجموع ۱۹۳ آزمایش هسته‌ای می‌پردازد که فرانسه در فاصله ۱۹۶۶ تا ۱۹۹۶ در جزایر «مورورا» و «فانگاتوفا» در مجموع الجزایر پولینزی انجام داده است. این کتاب در نهایت نتیجه‌گیری کرد که فرانسه با این آزمایشات هسته‌ای خیلی بیشتر از آنچه که قبلاً قبول کرده، سبب آلوده شدن مردم شده است. اسناد جدید نشان می‌دهند یک‌سال بعد از انتشار این کتاب، کمیسیون انرژی اتمی فرانسه ۵ هزار کپی از کتابچه خود با عنوان «آزمایشات هسته‌ای در پولینزی فرانسه: چرا، چگونه و با چه تبعاتی؟» را منتشر و در سراسر جزایر پولینزی توزیع کرد. این کمیسیون بیش از ۹۰ هزار یورو برای کارزار مقابله با افشای تبعات

چالش بزرگ آمریکا

«جان بولتون» مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا، در انتقاد از نبود انسجام، ناآگاهی و ناکارآمدی در تیم سیاست خارجی آمریکا گفت: «ما در مورد دو موضوع از حساس‌ترین موضوعات امنیتی، یعنی ایران و اوکراین، هیچ تیم تخصصی در میدان نداریم.» وی به شکل‌گیری همکاری راهبردی ایران با روسیه و چین اشاره کرد و افزود: «ایران یکی از اضلاع بیرونی محور در حال شکل‌گیری میان پکن و مسکو است. اگر ما از منطقه عقب‌نشینی کنیم، چین جای آن را پر می‌کند. ایران و چین در حال تقویت همکاری اقتصادی، فناوریانه و ژئوپلیتیکی هستند که برای آمریکا در قرن پیش‌رو یک چالش بزرگ خواهد بود.»



نگ مطلق

«ماکسیم پروت» وزیر خارجه بلژیک گفت: «به‌عنوان وزیر امور خارجه بلژیک نمی‌توانم چنین چیزی بگویم، اما نظر شخصی من این است که تحولات غزه بسیار نزدیک به نسل‌کشی است. نمی‌دانم چه اتفاقات وحشتناک دیگری باید رخ دهد تا بتوان از این کلمه استفاده کرد.» وی افزود: «محاصره بشردوستانه یک نگ مطلق است. گرسنگی دادن عمدی به یک جمعیت، یک جنایت جنگی است. هم‌دولت بلژیک و هم‌دولت‌های اروپایی باید فشار بر (رژیم) اسرائیل را افزایش دهند. دیگر تنها محکوم کردن این وضعیت از سوی دولت بلژیک کافی نیست؛ برای وادار کردن (رژیم) اسرائیل به اقدام، باید وارد عمل شد.»



نابودشدنی نیست

«وندی شرمن» مذاکره‌کننده ارشد پیشین آمریکا در برجام، با بیان اینکه «ایران حتی در صورت حمله به تأسیسات فعلی نیز برنامه هسته‌ای خود را ادامه خواهد داد»، تصریح کرد: «حتی اگر ما تلاش کنیم مراکز فعلی را بمباران کنیم، در یک‌سال، شاید سه‌سال، آنها مجدداً این مسیر را طی خواهند کرد.» وی از چین به‌منزله «چالش اصلی راهبردی» آمریکا نام برد و افزود: «ما در حال رقابت با چین بر سر سر آینده فناوری هستیم. ما بر سر امنیت‌مان نیز در رقابت هستیم. هم دولت «ترامپ»، هم «بایدن» و حتی «اوپاما»، منطقه هند و اقیانوس آرام را به‌عنوان اولویت راهبردی دیده‌اند.»



۵

جهان

شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

صداقت

پیشخوان

شکایت بومیان!



روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: «دوقبيله بومی آمریکا به‌دلیل نقش دولت فدرال این کشور در اداره مدارس شبانه‌روزی بومیان که بیش از یک قرن، کودکان بومی را از خانواده‌هایشان جدا می‌کرد تا زبان و فرهنگ آنها را از بین ببر، علیه دولت ایالات متحده یک شکایت جمعی تنظیم کردند.» به نوشته این روزنامه، این قبایل در این شکایت، که یکی از معهود دعای بزرگی‌ست که از سوی خود ملت‌های بومی برای پاسخگو کردن قانونی دولت فدرال درباره مدارس شبانه‌روزی مطرح شده است، می‌گویند که دولت فدرال به تعهدات خود در معاهدات با بومیان پایبند نبوده است؛ طبق این معاهدات، در ازای واگذاری زمین، دولت موظف به فراهم کردن آموزش برای کودکان بومی آمریکا بود، اما از پول حاصل از تصرف زمین‌های بومی برای راه‌اندازی شبکه‌ای از ۴۰۰ مدرسه شبانه‌روزی بومی در ۳۷ ایالت استفاده کرد که هزاران کودک در این مدارس جان خود را از دست دادند. تحقیقات روزنامه «واشنگتن‌پست» بیشتر نشان داده که بیش از هزار کودک بومی آمریکا در ده‌ها مدرسه شبانه‌روزی تحت اداره کلیسای کاتولیک توسط کشیش‌ها، راهب‌ها و برادران مذهبی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. همچنین ۳۱۰۰ کودک در این مدارس جان باخته‌اند که سه برابر بیشتر از آمار رسمی اعلام شده ازسوی دولت آمریکاست.

سربازان از نسل زد!



روزنامه «وال استریت ژورنال» از برنامه اوکراین برای جذب سربازان جوان با وعده پاداش‌های گزاف خبر داد و نوشت: «آنچه هوربنکسوی ۱۸ ساله را از هزاران سرباز باتجربه اوکراینی که به‌زودی کنارشان خدمت خواهد کرد متمایز می‌کند، این است که هنگام ثبت‌نام، به او وعده وام مسکن بدون بهره، فرصت نادری برای تعطیلات در خارج از کشور و اولین قسط از پاداش ثبت‌نام به مبلغ یک میلیون گریونا اوکراین (معادل حدود ۲۴ هزار دلار) داده شد، مبلغی که بیشتر از حقوق سالانه بسیاری از سربازان پیشین کشور اوکراین است.» این روزنامه افزود: «این تازه‌نفس یکی از صدها نفری است که از فوریه سال ۲۰۲۵ تاکنون از طریق برنامه جدید و سخاوتمندانه دولت اوکراین برای جذب جوانان اوکراین به نیروهای مسلح به‌شدت کاهش یافته این کشور ثبت‌نام کرده‌اند.

هر چند تعداد ثبت‌نام‌کنندگان تاکنون کم است،» به نوشته این روزنامه، جذب جوانان اوکراینی با وعده امکانات و پاداش نقدی، نشان‌دهنده شدت کمبود نیروی انسانی این کشور در بخش نظامی است. بسیاری از مردان واجد شرایط، یعنی کسانی که بین ۱۸ تا ۶۰ سال سن دارند و اجازه ترک کشور را ندارند، یا در مخفیگاه به‌سر می‌برند یا رشوه داده‌اند تا به‌طور غیرقانونی از کشور فرار کرده و از خدمت سربازی بگریزند.»



سفر «شهbaz شریف» نخست‌وزیر پاکستان به تهران و هدف‌گذاری برای افزایش سطح تجارت دو کشور به رقم ۱۰ میلیارد دلار در سال‌های آینده یکی از دستاوردهای بالقوه این دیدار تحلیل می‌شود. این هدف‌گذاری نشان‌دهنده عزم دو کشور برای گسترش روابط اقتصادی است، اما برای رسیدن به این سطح از تجارت نیازمند رفع یک‌سری از موانع در داخل دو کشور است. با وجود پتانسیل های فراوان در روابط اقتصادی ایران و پاکستان، حجم تجارت رسمی بین ایران و پاکستان در سال‌های اخیر بین ۱/۵ تا ۳ میلیارد دلار بوده است. در حجم تجارت فعلی محصولات صادراتی و وارداتی بین دو کشور عمدتاً در این بخش‌ها است.صادرات ایران به پاکستان: شامل؛ نفت، گاز، محصولات پتروشیمی، مواد غذایی (مانند میوه و خشکبار)، سیمان، و فولاد است. صادرات پاکستان به ایران: عمدتاً شامل برنج، منسوجات، محصولات کشاورزی (مانند نارنگی و انبه)، و برخی کالاهای صنعتی است. مضاف بر تجارت رسمی به‌دلیل نزدیکی مرزها، تجارت غیررسمی (قاچاق) در مناطق مرزی بلوچستان

قابل توجه است. این تجارت شامل سوخت، کالاهای مصرفی و مواد غذایی است که به‌دلیل تفاوت قیمت‌ها در دو کشور انجام می‌شود. ایران و پاکستان به‌دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی، از روابط عمیقی برخوردارند. موقعیت جغرافیایی ایران و پاکستان، به‌عنوان دو همسایه با مرز مشترک طولانی (حدود ۹۵۹ کیلومتر)، نقش مهمی در روابط آنها ایفا می‌کند. این مرز در منطقه بلوچستان قرار دارد که از نظر امنیتی و قومی حساس است. روابط ایران و پاکستان تحت تأثیر رقابت‌های منطقه‌ای، به‌ویژه بین ایران و عربستان سعودی، قرار دارد. پاکستان به‌دلیل روابط نزدیک با عربستان (به‌ویژه در زمینه اقتصادی و نظامی) گاهی در موقعیت دشواری برای حفظ تعادل بین تهران و ریاض قرار گرفته است.از طرفی روابط نزدیک ایران با هند، یکی از عوامل کلیدی در روابط با ایران است. ایران در سال‌های گذشته تلاش کرده روابط متعادلی با هند و پاکستان داشته باشد، اما پروژه‌هایی مانند بندر چابهار (که ایران با همکاری هند توسعه داده) گاهی به‌منزله رقیبی برای بندر گوادر پاکستان (تحت حمایت

چین) دیده شده است. این موضوع سبب ایجاد حساسیت‌هایی در روابط دوجانبه شده است. با این حال روابط اقتصادی ایران و پاکستان پتانسیل بالایی دارد، اما به‌دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و مسائل داخلی پاکستان و بعضاً اتفاقات منطقه‌ای موجب شده این ظرفیت مهم و اساسی به‌طور کامل محقق نشود. یکی از پروژه‌های کلیدی در روابط اقتصادی، خط لوله گاز (معروف به خط لوله صلح) است که قرار بود گاز ایران را به پاکستان و سپس هند منتقل کند. این پروژه به‌دلیل فشارهای آمریکا و مشکلات مالی پاکستان متوقف شد. اما همچنان موضوعی برای مذاکرات دوجانبه است که با عملی شدن آن یک بهم تنیدگی سیاسی و امنیتی در بین سه کشور ایجاد خواهد که در توازن بخشی به معادلات بسیار تأثیرگذار است. گفتنی است؛ ایران بخش مربوط به خود (تا مرز پاکستان) را تکمیل کرده، اما پاکستان به‌دلیل فشارهای سیاسی و اقتصادی، به‌ویژه تحریم‌های آمریکا، از تکمیل بخش خود (حدود ۷۰ کیلومتر از مرز تا بندر گوادر) بازمانده است. این تأخیر موجب شده پروژه عملاً متوقف شود.

موضوع مهم بعدی بندر چابهار ایران و گوادر پاکستان به‌منزله دو پروژه استراتژیک، هم می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. ایران از چابهار به‌عنوان دروازه‌ای برای دسترسی به آسیای میانه و افغانستان استفاده می‌کند، درحالی‌که گوادر بخشی از کریدور اقتصادی چین– پاکستان است. همکاری بین این دو بندر می‌تواند به توسعه منطقه‌ای کمک کند و تا سطحی رقابت‌های ژئوپلیتیکی را کاهش دهد. علاوه بر موضوعات اقتصادی هر دو کشور با تهدیدات مشترکی مانند تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جدایی‌طلبی مواجه‌اند که ارتقاء سطح روابط دو کشور می‌تواند منافع مشترک دو کشور در این حوزه‌ها بهتر تأمین کند. در این میان تحریم‌های آمریکا علیه ایران، همکاری‌های اقتصادی و بانکی بین دو کشور را محدود کرده است. پاکستان به‌دلیل وابستگی اقتصادی به آمریکا و نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول، در تعامل با ایران محتاط عمل می‌کند. ناگفته نماند چین به‌منزله شریک استراتژیک هر دو کشور می‌تواند به‌عنوان میانجی برای تقویت روابط دو کشور هم عمل کند.

چرخش به سمت همسایگان!



باشد. به همین منظور سفر نخست‌وزیر پاکستان به تهران، حلقه‌ای از زنجیره تحولات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود که نشان می‌دهد جهان چندقطبی در حال شکل‌گیری است. جمهوری اسلامی ایران نیز با درک این تحولات، از ظرفیت‌های این همکاری برای تقویت گفتمان مقاومت در برابر یكجانبه‌گرایی آمریکا و ایجاد قطب اقتصادی جدید در غرب آسیا همراه با پاکستان و سایر همسایگان می‌تواند استفاده کند. گفتنی است؛ موفقیت این همکاری‌ها نه‌تنها امنیت مرزهای دو کشور را از حیث تهدیدات تروریسم تضمین می‌کند، بلکه می‌تواند حافظ تأمین صلح و ثبات منطقه‌ای باشد.

به رقابت تسلیحاتی مجدد میان این دو بازیگر منجر شده و همچنین به‌نوعی یک زورآزمایی تسلیحاتی میان دو قدرت هسته‌ای در جنوب آسیا بود که عملاً قابلیت‌ها و کارآمدی تسلیحات شرقی را به رخ ادوات و تجهیزات نظامی غربی کشاند.

برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها و اشتعال مجدد آتش جنگ میان این دو بازیگر به‌نظر می‌رسد که همکاری‌های راهبردی شرق محور و تقویت روابط با همسایگان و تشکیل پیمان‌نامه‌ها و ائتلاف‌های اقتصادی و تجاری و امنیتی میان پاکستان با همسایگان، می‌تواند تضمینی برای جلوگیری از وقوع هرگونه آتش جنگ دیگری میان هند و پاکستان

با تروریسم و تعمیق نفوذ آمریکا در افغانستان تصور می‌شود. اما در دوره بعدی و با حضور «ترامپ»، پاکستان متهم ردیف اول جریان حمایت‌کننده تروریسم قلمداد شد. تا جایی که ترامپ در یک پیام توییتری در سال ۲۰۱۶ پاکستان را به‌دلیل عدم صداقت در مبارزه با تروریسم و همکاری با ایالات متحده در مسئله افغانستان تهدید به حمله نظامی کرده بود.

این پیشینه تاریخی ناگزیر سبب شده است تا شاهد زوال روابط میان آمریکا و پاکستان باشیم. به‌ویژه آنکه بار دیگر ترامپ با آن سابقه دشمنی‌اش با پاکستان در کاخ سفید بر سر کار آمده است. در این میان البته تداوم تحریم‌های تسلیحاتی علیه اسلام‌آباد و خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و همچنین حمایت‌های آشکار آمریکا از دهلی نو موجب شده است که بی‌اعتمادی تاریخی میان پاکستان و آمریکا عمیق‌تر شود. بر همین اساس میزان کمک‌های دریافتی پاکستان از آمریکا طبق فرمان اجرایی ترامپ کاملاً قطع شده و همچنین میزان مبادلات تجاری میان آمریکا و پاکستان که در سال ۲۰۲۲ معادل ۶/۷ میلیارد دلار بوده در سال جدید به ۴/۹ میلیارد دلار کاهش داشته است.

از سوی دیگر پیوستن پاکستان به سازمان همکاری‌های شانگهای (SCO) در سال ۲۰۲۳ و امضای توافقنامه ترانزیت با روسیه در آوریل سال ۲۰۲۵، عملاً نشانه اقداماتی برای کاهش



پاکستان، همیشه برای آمریکا متحدی غیر قابل اعتماد بوده که همیشه دشمنی‌اش برای آمریکا بدون تردید بوده است، این کشور در میانه بحران‌های امنیتی منطقه‌ای در حال تغییر و چرخشی تاکتیکی برای کاهش وابستگی‌ها به غرب و آمریکا و افزایش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی با همسایگان است. مؤید این چرخش هم آغاز تور دیپلماتیک نخست‌وزیر پاکستان «شهbaz شریف» به چهار کشور ایران، ترکیه، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان است. به بهانه این سفر در این یادداشت نگاهی داریم به روابط پاکستان و آمریکا.

روابط پاکستان و آمریکا پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. نیاز دو سویه دو بازیگر به یکدیگر و در عین حال تضاد ماهوی دو طرف نسبت به یکدیگر سبب شده است که همکاری‌های دو طرف در برخی مباحث اجتناب‌ناپذیر باشد. اما همچنان بی‌اعتمادی و تعارض منافع در بسیاری دیگر از مباحث میان ایشان برقرار باشد. همچنین روابط پاکستان و آمریکا بسیار متأثر از نوع نگاه‌های حاکم بر کاخ سفید است. زمانی با حضور «اوباما» در کاخ سفید، پاکستان شریکی استراتژیک در مبارزه



سفر «محمد شهbaz شریف» نخست‌وزیر پاکستان، به تهران و دیدار وی با مقامات ارشد کشورمان، نقطه عطفی در تحکیم روابط دوجانبه و تثبیت جایگاه ایران به‌منزله یک قدرت صلح‌محور و تأثیرگذار در منطقه بود. این سفر، که دومین دیدار رسمی شهbaz شریف از ایران در یک‌سال اخیر محسوب می‌شود، در بسترى از تحولات پیچیده ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و جهانی انجام شد و از منظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی دارای اهمیتی راهبردی است. در ادامه سعی کردیم، ابعاد این سفر و تأثیرات آن بر تقویت دیپلماسی منطقه‌ای، توسعه اقتصادی و امنیت مشترک را مورد بررسی قرار دهیم.

نقش ایران در دیپلماسی صلح‌محور

سفر نخست‌وزیر پاکستان به ایران در موقعیتی انجام شد که منطقه با چالش‌های متعددی، ازجمله تنش‌های اخیر میان پاکستان و هند و نسل کشی غزه، مواجه است. ایران با اتخاذ رویکردی صلح‌جویانه

نشان داد و جایگاه تهران را در معادلات جهانی تقویت کرد.

از منظر ژئوپلیتیکی، تقویت روابط ایران و پاکستان پیامی روشن به قدرت‌های غربی، به‌ویژه آمریکا، ارسال کرد. نزدیکی تهران و اسلام‌آباد می‌تواند معادلات قدرت در منطقه را به‌نفع کشورهای مستقل تغییر دهد و وابستگی پاکستان به قدرت‌های غربی را کاهش دهد. ایران با موقعیت استراتژیک خود و منابع انرژی غنی، به‌عنوان شریکی راهبردی برای پاکستان، می‌تواند نقشی محوری در متوازن‌سازی نفوذ خارجی در جنوب آسیا ایفا کند و با تکیه بر اصول دیپلماسی مستقل و صلح‌محور، قادر است به‌منزله یک محور ثبات‌ساز در منطقه عمل کند.

در این زمینه، دستگاه دیپلماسی ما با بهره‌گیری از رویکرد فعال خود، نه‌تنها به کاهش تنش‌های میان دو همسایه شرقی خود کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز تقویت همکاری در مسائل جهان اسلام شد. در این سفر همچنین، حمایت مشترک ایران و پاکستان از آرمان فلسطین و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی در غزه به‌منزله یکی از محورهای اصلی مذاکرات مطرح شد. شهbaz شریف خواستار اقدام فوری جامعه بین‌المللی برای توقف این فجایع شد، و البته ایران هم با تأکید بر لزوم تشکیل جبهه‌ای واحد در برابر تجاوزات صهیونیستی، نقش خود را به‌عنوان پیشگام وحدت جهان اسلام برجسته کرد. این همسویی، پتانسیل کشورمان را برای رهبری ائتلاف‌های منطقه‌ای در حمایت از مسائل اسلامی

دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از رویکرد فعال خود، نه‌تنها به کاهش تنش‌های میان دو همسایه شرقی خود کمک کرد، بلکه زمینه‌ساز تقویت همکاری در مسائل جهان اسلام شد.

ایران با ارائه ظرفیت‌های عظیم خود در بخش انرژی و ترانزیت، نقش کلیدی در تقویت همکاری‌های دوجانبه با پاکستان ایفا می‌کند. دو کشور هدف‌گذاری مشترکی برای افزایش حجم تجارت دوجانبه از ۳ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار تعیین کرده‌اند.

ایران با توسعه بندر «چابهار» و پیشنهاد همکاری با بندر «گوادر» پاکستان، نقشی محوری در ایجاد کریدورهای اقتصادی منطقه‌ای ایفا می‌کند. این همکاری‌ها می‌توانند مناطق مرزی مانند بلوچستان را به مراکز توسعه اقتصادی تبدیل کنند

نقش ایران در توسعه اقتصادی منطقه

در حوزه اقتصادی، ایران با ارائه ظرفیت‌های عظیم خود در بخش انرژی و ترانزیت، نقش کلیدی در تقویت همکاری‌های دوجانبه با پاکستان ایفا می‌کند. دو کشور هدف‌گذاری مشترکی برای افزایش حجم تجارت دوجانبه از ۳ میلیارد دلار به ۱۰ میلیارد دلار تعیین کرده‌اند. پروژه خط لوله گاز ایران-پاکستان (خط لوله صلح) یکی از مهم‌ترین ابتکارات در این زمینه است. این پروژه، با سرمایه‌گذاری ۷/۵ میلیارد دلار، قرار است روزانه ۷۵۰ میلیون فوت مکعب گاز از میدان پارس جنوبی به پاکستان منتقل کند. ایران، با تکمیل زیرساخت‌های خود در این پروژه، آمادگی خود را برای تأمین انرژی پایدار پاکستان نشان داده است، در حالی که اسلام‌آباد به‌دنبال معافیت از تحریم‌های آمریکا برای پیشبرد این پروژه است. تکمیل این خط لوله نه‌تنها نیازهای انرژی پاکستان را برآورده می‌کند، بلکه اقتصاد کشورمان را نیز از طریق صادرات گاز تقویت خواهد کرد.

ایران همچنین با توسعه بندر «چابهار» و پیشنهاد همکاری با بندر «گوادر» پاکستان، نقشی محوری در ایجاد کریدورهای اقتصادی منطقه‌ای ایفا می‌کند. این همکاری‌ها می‌توانند مناطق مرزی مانند بلوچستان را به مراکز توسعه اقتصادی تبدیل کنند و از طریق ایجاد اشتغال و زیرساخت، به کاهش فقر و افزایش ثبات کمک کنند.

رویای بازگشت

گزارشی از وداع مادر و خواهر شهید علی زکائی پس از ۳۶ سال گمنامی



بالمکین، بدون شک معراج به یمن قدم شهدا و خانواده‌هایشان با شرافت شده و همیشه برای من که به‌واسطه کار و دلم به آن قدم گذاشتم‌ام طور دیگری عزیز است.

از تأسیسات جدید و ساختمان‌سازی‌های تازه حسینیّه که بگذریم، معراج همان معراج قدیمی است. دسته‌ای تابوت شهید در میانه حسینیّه محل همیشگی زیارت زائران قرار دارد. چند نفری درون حسینیّه نشسته‌اند و منتظر ند خانواده‌نیز از راه برسند. دوستی که کنارم نشسته می‌گوید اطلاع‌رسانی کم است، وگرنه نباید اقتدر خلوت باشد، به ظاهر تأیید می‌کنم ولی در دلم وداع‌های نیمه خصوصی را ترجیح می‌دهم، برای خانواده شهید و اندک زائرانی که حتم دارم مهمان ویژه شهید هستند و به دعوت او آمده‌اند این خلوتی شیرین‌تر است. در قسمتی از معراج شهدا دسته‌ای از نیروهای ارتشی هم با همان نظم و ترتیبی که از ارتش سراغ داریم نشسته‌اند. همه جوانند و مشخص است سن زیادی ندارند. جمعی از راه می‌رسند با گل‌های قرمزی در دست، مطمئن می‌شوم که از بستگان شهید هستند، به تعدادشان اضافه می‌شود و در میان آنان زنی به‌خوش آمدگویی از مهمانان غریبه و آشنا مشغول می‌شود. می‌پرسم نسبتی با شهید دارید؟ می‌گوید خواهرش هستم. این استقبال خواهر شهید عجیب به دلم می‌نشیند.

مادر شهید هم وارد حسینیّه می‌شود، می‌توانم تشخیص بدهم احتمالا جوان شهیدش در سن کم به شهادت رسیده و خودش هم در آن زمان سن زیادی نداشته، از پدر شهید خبر می‌گیرم که می‌گوید خیلی سال است از دنیا رفته. همه دور تا دور حسینیّه می‌نشینند، وقت غنیمت است برای صحبت کردن، طبق تجربه می‌دانم بعد از آمدن پیکر دیگر خانواده حال و حوصله مصاحبه ندارند. مریسم، خواهر شهید سنن زیادی نداشت که برادرش شهید شد، او کودک بود و برادر نوجوانی که عشق به جبهه او را به سرزمین‌های جنوب کشاند. می‌گوید اواخر جنگ

بود و علی هم به سن سربازی رسیده بود، قبیش هم خیلی دوست داشت برود جبهه تا اینکه ماند و به سن سربازی رسید. فکرش را نمی‌کردیم شهید شود، سنش کم بود، حرفی از شهادت هم نه می‌زد و نه ما شنیده بودیم، اتفاقا برعکس حرف از ازدواجش بود که رفت و شهید شد.

همه چیز عین خواب است

از مادرش درباره چشم انتظاری این سال‌ها می‌پرسم. می‌گوید، هنوز برایم عین خواب است که علی برگشته، ۳۶ سسال بی‌خبری زمان کمی نیست، آن اوایل که منتظر بودیم برگردد، یکی به ما گفته بود در بین اسرا او را دیده، اما اسرا آمدند و او نیامد، حتی با آمدن گروهی از اسرا وقتی شنیده بودیم ممکن است علی در بین آنها باشد گوسفند قربانی خریدیم و منتظر شدیم که بیاید. اما گفتند اشتباه شده.

از خواهر هم می‌پرسم این سال‌ها چه گذشت و چه کردید؟ می‌گوید دلتنگی و بی‌خبری خیلی سخت است، بارها مادرم برای پیدا کردن علی به معراج آمد و درون کانتینرهایی که شهید می‌آوردند گشته اما خبری از علی نیامد. مادر می‌گوید: «آخرین باری که آمدم از همین شهدا خواستم خبری از علی بدهند. برای ما این سال‌ها خیلی سخت گذشت و این چند ماه که خبر رسید علی پیدا شده دوباره سختی ۳۶‌ساله تکرار شد.»

از اینکه چطور خبردار شده‌اند می‌پرسم، مادر جواب می‌دهد که قبل از عید آزمایش دی‌ان‌ای دادم، گویا کاملاً قطع امید کرده بودند که پسرشان برگردد، این را از حالات مادر هم می‌توانسم بفهمم. مادر تعریف می‌کند: «آخرین‌بار یادم هست صبح زود بود، بیدار شدیم و آماده شد که برود جبهه، پشت سرش آب ریختم و بدرقه‌اش کردم. خواهرش حرف مادر را این‌طور ادامه می‌دهد: چندباری که از جبهه برگشت یادم هست که شب بود، بالای سرم می‌نشست و سرم را می‌بوسید. هر زمان دوستانش شهید می‌شدند

گریه می‌کرد و می‌گفت خوش به حالشان که شهید شدند.»

به نیمه‌های صحبت رسیده‌ایم که برق‌ها می‌رود! دست‌اندرکاران مراسم فرش به دست می‌روند سمت حیاط معراج، برنامه ساعتی بعد در حیاط معراج برگزار می‌شود. مادر و خواهر و عمومی شهید می‌نشینند و تابو مزین شده به پرچم سه رنگ ایران اسلامی با اداب و تشریفات وارد حیاط معراج شهدا می‌شود. یکباره آن آرامش سکوت جایش را به گریه می‌دهد. بستگان شهید، خواهر و مادرش بعد از ۳۶ سال انتظار یکبار دیگر فرصت در آغوش کشیدن عزیزشان را پیدا می‌کنند. امیر عباسی روضه می‌خواند و اشک‌ها از صورت‌ها روان می‌شود. شاخه گل‌های در دست بستگان جایش را روی پیکر کفن پیچ شده شهید پیدا می‌کند. خواهر بی‌تاب برادر ناله می‌کند و مادر او را آرام می‌کند. مادر شهید، صبرش و دل‌داریش دیدنی است.

هرچه داریم از شهداست

آسمان گرفته عصر بهاری، انگار همراه با خواهر و مادر شهید، قصد باریدن کرده است، تاییکی از سربازان قصد نوحه خواندن می‌کند، چند جمله نخوانده که باران شروع به باریدن می‌کند، شاید یکی از زیباترین وداع‌هایی باشد که در معراج دیده‌ام، مسئولان معراج تصمیم می‌گیرند که ادامه مراسم را به داخل حسینیّه ببرند. «امیر فولادی» رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران هم از راه می‌رسد و در این بزم زبیا حاضر می‌شود. او چند جمله‌ای در وصف شهید شهدا صحبت می‌کند و می‌گوید: «ما ۲۰ هزار گلزار شهدا داریم و در بهشت زهرا بالغ بر ۳۰ هزار شهید مدفون هستند. در زیارتنامه شهدا بعد از درود و سلام می‌گوییم «بابی انت و امی، یعنی پدر و مادرم به فدای شما»، این نشان از جایگاه شهید دارد. اگر امنیت و سربلندی و هویت و پیشرفت و توسعه داریم، همه به برکت خون شهید است.»

وی ادامه می‌دهد: «شهدا مایه ابرو و عزت ما هستند و به وجودشان می‌بالیم. کسانی که داغ‌فرزند را تحمل کردند و خم به ابرو نیاوردند و وقتی می‌پرسیم برای چه رفت می‌گویند جوان ما راه امام‌حسین(ع) را دنبال کرد. خود کاری زینب‌گونه کردند و دنبال‌رو شهدایشان شدند. اینها بر داغ‌فرزند صبر کردند.»

امیر فولادی با اشاره به تلاش کمیته جست‌وجوی مفقودین برای تفحص پیکرهای شهدا در خارج از مرزها این شهدا را ارزشمند و وجودشان را برای مردم و اسلام و کشور مبارک دانست. وی به‌عملیات «بیت‌المقدس» و فتح خرمشهر نیز اشاره کرد که با چه توانی رزمندگان اسلام توانستند خاکی که دشمن با جنگ و ندانان قصد نگه داشتن آن را داشت آزاد کردند. وی همچنین با گر امیدداشت یاد و خاطره شش هزار و ۶۶۸ شهید لشکر ۲۱ حمزه که شهید «علی زکائی» نیز متعلق به این لشکر بود، گفت: «اگر امروز سربلند و الهام‌بخش ملت‌های دیگر هستیم، همه از برکت خون شهدا و کاری است که آنان کردند.»

کوله بار

حمام جنگی

راکت‌انداز جدیدی به مقر آورده شد. دوست عزیزی که عاشق فناوری بود، راکت‌انداز را برداشت و گفت: «خب، وقتشه یه تست بزنیم ببینیم چطور کار می‌کنه!» ما که تازه صبحانه خورده بودیم و هنوز خواب از سرمان نریده بود، گفتیم: صبر کن، اول راهنماشو بخون. قبل از اینکه کسی بتواند جلوش را بگیرد، راکت شلیک شد. اما نه به‌سمت دشمن، بلکه صاف رفت داخل گودال آب وسط مقر. یک لحظه سکوت، سپس بووووم! این بنده خدا که خودش هم غافلگیر شده بود، برای جبران خرابکاری خود، با افتخار دست‌هایش را بالا برد و گفت: «به‌سلامتی اولین تست موفق ما!»



۷

جبهه

شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

صداقت

قبیله عشق

مرد پرواز



«محسن دریانوش»، اولین فرزند مختار بهارلویسی و ناهید سورانی، در ۲۲ مهر سال ۱۳۵۹ به‌دنيا آمد. خانواده‌ای مذهبی و ریشه‌دار که اهل روستای «یانچشمه» از توابع شهرستان پَن‌هستند و برای زندگی به شهر نجف‌آباد اصفهان نقل مکان کردند. پدر، نام خانوادگی خود را از بهارلویی به دریانوش تغییر داد، نامی که حکایت از عشق به دریا و آسمان داشت.

محسن دریانوش که از کودکی رویای پرواز در آسمان‌ها را در سر می‌پروراند، با عزمی راسخ و اراده‌ای آهنین، به رویای خود جامه عمل پوشاند. او همواره در صدر جدول تحصیلی قرار داشت، پس از اتمام تحصیلات، در سال ۱۳۷۸ وارد خدمت نیروی هوایی ارتش شد. او که شاگرد اول دوره خلبانی بود به‌دلیل توانایی و مهارت چشمگیر در پرواز، در جمع خلبانان آتشیانه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و در طول خدمت خود ۱۴۵۰ ساعت پرواز را به ثبت رساند.

امیر خلبان محسن دریانوش، پدری جانباز دارد و همسرش فرزند شهید است. عموی او، شهید سیف‌الله بهارلویی، نیز در زمان جنگ تحمیلی به شهادت رسید.

تولد پوریسا و پویا دوقلوهای شهید دریانوش در سال ۱۳۸۹ از شیرین‌ترین اتفاقات زندگی‌اش بود. نوجوانانی کلاس هفتمی که حالا در اوج بهت و نابوری پرواز ابدی پسر در نظاره می‌کنند. او پس از مدتی خدمت در شیراز به تهران رفت. محسن دریانوش، نمادی از اراده، پشتکار، مهربانی و شجاعت بود. «مریم رضایی» همسرش تعریف می‌کند: «شهید دریانوش بسیار خوش‌برخورد، مؤمن و صبور بود و با همه انسان‌ها از موضع انسانیت برخورد می‌کرد. همیشه به فرزندان توصیه می‌کرد که به‌گونه‌ای درس بخوانید و رفتار کنید که پرچم پدر بالا باشد و هر کاری می‌کنید برای خدا باشد.» او درباره علاقه همسرش به خلبانی گفت: «محسن از کودکی به هواپیما علاقمند بود و طبق تعریف خانواده، همیشه به هواپیماها و هلی‌کوپترهایی که در آسمان بودند نگاه می‌کرد و دوست داشت خلبان شود. پس از پایان دوران دبیرستان و امتحان کنکور، در دو رشته پزشکی و خلبانی پذیرفته شد و طبق علاقه، خلبانی را انتخاب و وارد ارتش شده بود.»

او جزو برترین خلبانان ارتش جمهوری اسلامی بود و از وی به‌منزله کمک خلبان در پرواز رئیس‌جمهور استفاده شده بود. در نهایت، این شهید بزرگوار پس از سال‌ها خدمت، در سانحه سقوط بالگرد رئیس‌جمهور به شهادت رسید. و سرانجام ۳ خرداد سال ۱۴۰۳ پیکر پاک او پس از تشییع در پایگاه هشتم شکاری اصفهان در جنت شهدای نجف‌آباد اصفهان، روی دستان مردم قدرشناس این شهر از میدان امام (باغ ملی) به‌سمت جنت‌الشهدای نجف‌آباد با شکوه خاصی تشییع شد و در کنار دیگر شهدای راه خدمت آرام گرفت و برای همیشه پرواز کرد و آسمانی شد.

۸
پرونده
شماره ۱۱۹۰ / دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۰۳
مسابقات سابق

سد
توسعه

مروری بر ناترازی مالی بانک‌ها

و تبعات آن برای اقتصاد ایران

پاشنه آشیل اقتصاد ایران

نظام بانکی ایران، رگ حیاتی اقتصاد کشور، سال‌هاست که با معضلی بنام «ناترازی» دست‌وپنجه نرم می‌کند. ناترازی بانکی، یعنی شکاف عمیق بین دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها، که مانند‌خوره به جان ثبات مالی افتاده و اقتصاد را با خطراتی مانند تورم لجام‌بسته، کاهش رشد اقتصادی و بی‌اعتمادی عمومی تهدید می‌کند. وقتی بانک‌های ایران جبران کسری‌هایشان را به «استقراض» از بانک مرکزی روی می‌آورند، پایه پولی رشد می‌کند و تورم، زندگی مردم را سخت‌تر می‌کند. این چرخه معیوب، اصلاح نظام مالی ایران را به یک ضرورت فوری تبدیل کرده است. چسرا اصلاح نظام بانکی حیاتی است؟ بیش از ۸۰ درصد تأمین اصلی اقتصاد ایران وابسته به بانک‌ها است. اما این سیستم، زیر فشار سیاست‌های ناکارآمد، دخالت‌های دولتی و میزان سود غیرقانونی، نفس‌هایش به شماره افتاده است. بانک‌ها مجبورند تسهیلات تکلیفی بدهند، وام‌هایی که گاهی بازپرداخت نمی‌شوند و ترازنامه‌ایشان را به‌هم می‌ریزند. اما راه اصلاح، مسیری پرریسک‌است. مقاومت ذی‌نفعان قدرتمند، کمبود منابع مالی در شرایط تحریم و کسری بودجه، و ضعف نظارت بانکی، مانند‌بوسه‌وری مقابیل اصلاحات قدلم کرده‌اند. شفافیت کم، هماهنگی ضعیف بین نهادهای پولسی و مالی، و بی‌اعتمادی عمومی هم کار را سخت‌تر کرده است. ناترازی بانکی ریشه‌های عمیقی دارد؛ وام‌های پرریسک، بدهی‌های معوق، و مدیریت ناکارآمد دارایی‌ها و بدهی‌ها. برای نمونه بدهی‌های معوق بانک آینده به بیش از ۱۸۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد که حدود ۸۰ درصد این بدهی‌ها به شرکت‌های وابسته به این بانک پرداخت شده است. اعطای بی‌حساب و کتاب تسهیلات در بانک آینده و سایر بانک‌ها درحالی اتفاق می‌افتد که شبکه بانکی از اعطای وام ازدواج شانه خالی می‌کند؛ صف این وام‌هر روز طولانی‌تر می‌شود. از طرفی هم بانک‌های ایرانی جذب سپرده، واردقائت نامال شده‌اند و یا وعده سوده‌ای بالا، هزینه‌ایشان را افزایش داده‌اند. نتیجه؟ ناترازی عمیق‌تر و تورمی که معشیت مردم را مختل کرده است. نتیجه این استناداردهای ضعیف حسابداران و نبود ارزیابی دقیق ریسک، چرکین‌کردن تورن زخم‌ها نیست. راه‌برورفت چیست؟ بانک مرکزی باید با نظارت مدرن و قاطع، سلامت بانک‌ها راپایش کند. تزریق سرمایه به بانک‌های ناتاز، مدیریت بدهی‌های معوق از طریق شرکت‌های مدیریت دارایی، و پایان دادن به تسهیلات تکلیفی، قدم‌های اولیه‌اند. تعیین میزان سود واقعی و شفافیت مالی هم می‌تواند اعتمادآزمست‌رفته را برگرداند. اما اینها کافی نیست؛ (اقدامی سه‌ماهه‌گنی بین نهادهای کلید موفقیت است. بانک‌های خصوصی هم که قرار بود ناجی نظام بانکی باشند، گاهی خود به مشکل بدل شده‌اند. وام دادن به شرکت‌های وابسته، سرمایه‌گذاری‌های پرریسک و وزن زدن نظارت، کژکارکردی‌های است که اعتماد به این بانک‌ها را مخدوش کرده است. تقویت حاکمیت شرکی و نظارت دقیق‌تر، تنها راه اصلاح این بخش است. اهمیت این موضوعات، از تهدید تورم و بی‌ثباتی اقتصادی گرفته تا تأثیر مستقیم بر زندگی روزمره مردم، چنان بالاست که پرونده این هفته ما به بررسی عمیق ناترازی بانکی، چالش‌های اصلاح نظام مالی، و راهکارهای بورورفت از این بحران اختصاص یافته است.

دبیر گروه پرونده: سیدحبوب‌یا هاشمی

ناترازی بانکی و ضرورت اصلاح نظام مالی ایران

گزیر بانکی

شفاف‌سازی صورت‌های مالی در سال ۱۳۹۸، زیان‌های خود را پنهان کرده بود. پس از شفاف‌سازی، زیان انباشته این بانک به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسید و بدهی آن به بانک مرکزی از ۵ همت به بیش از ۲۶۷۰ همت افزایش یافت.

- عوامل کلیدی ایجاد زیان انباشته عبارتند از:**

مطالبات غیرقابل وصول: بخش عمده تسهیلات بانکی بدهیل عدم بازپرداخت، به مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل شده است. خلق پول بی‌رویه: بانک‌ها با اعطای وام‌های بدون پشتوانه، خلق پول کرده‌اند که به تورم و ناترازی منجر شده است. ناکارآمدی مدیریت: تصمیم‌گیری‌های غیر حرفه‌ای و گاهی فساد مالی، منابع بانک‌ها را به هدر داده است.

این زیان‌ها نه‌تنها بانک‌ها را از نظر مالی تضعیف کرده، بلکه با افزایش وابستگی به استقراض از بانک مرکزی، فشار تومری بر اقتصاد را تشدید کرده است. **پایه‌های ناترازی: از تورم تا بی‌اعتمادی عمومی**
تورم فراینده: انقراض بانک‌ها از بانک مرکزی برای جبران سودهای بانک‌ها و کاهش کفایت سرمایه‌ای اثرات مخربی بر اقتصاد ایران داشته است.
تورم فراینده: انقراض بانک‌ها از بانک مرکزی برای جبران زیان‌ها و پرداخت سود سپرده‌ها، نقدینگی را افزایش داده و تورم را به سطح بالایی رسانده است.

بی‌اعتمادی به نظام بانکی: ناتوانی بانک‌ها در ایفای تعهدات خود، مانند پرداخت سود یا اصل سپرده‌ها، اعتماد عمومی را تضعیف کرده و خطر برداشت‌های ناگهانی سپرده‌ها را افزایش داده است.

آنها بازپرداخت نشده‌اند. سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده: منابع بانک‌ها به‌جای بخش‌های مولد، در بازارهایی مانند املاک لوکس یا پروژه‌های سوداگرانه هزینه شده است. تورم فراینده: انقراض بانک‌های ناتاز به دلیل کمبود منابع، نمی‌توانند تسهیلات کافی به بخش‌های مولد مانند صنعت و کشاورزی ارائه دهند، که مانع رشد اقتصادی می‌شود. نابرابری اقتصادی: تخصیص منابع به پروژه‌های غیر مولد و افراد خاص، ثروت را در دست اقلیت متمرکز کرده و نابرابری را تشدید کرده است.

- گزیر بانکی: راه حل**

گزیر بانکی (Bank Resolution) فرآیندی است که برای مدیریت بانک‌های مشکل‌دار و جلوگیری از سرایت مشکل به کل نظام مالی طراحی شده است. این فرآیند در ایران، با توجه به اعتماد سپرده‌گذاران در با خطر انداخته است.

- زیان انباشته: زخمی عمیق بر پیکره بانک‌ها**

زیان انباشته، که در برخی بانک‌ها به ارقام نجومی رسیده، یکی از اصلی‌ترین عوامل ناترازی نظام بانکی است. این زیان‌ها نتیجه سال‌ها سوءمدیریت، تخلفات مالی، و نبود نظارت مؤثر است. بانک آینده نمونه‌ای بارز از این مشکل است که تا پیش از این اقدام از گسترش مشکل جلوگیری کرده و منابع را برای

بانک‌های سالم آزاد می‌کند.

ادغام بانک‌های کوچک: بانک‌های کوچک و ناتراز می‌توانند با بانک‌های بزرگتر و پایدار ادغام شوند تا هزینه‌های عملیاتی کاهش یابد و مدیریت منابع بهبود پیدا کند.

بازسازی مالی: برای بانک‌هایی که امکان احیا دارند، تزریق سرمایه، فروش دارایی‌های غیر ضروری، و پیگیری مطالبات معوق می‌تواند راهگشا باشد.

حفاظت از سپرده‌گذاران: در فرآیند گزیر، اولویت باید با حفاظت از سپرده‌های مردم باشد. ایجاد صندوق تضمین سپرده یا انتقال سپرده‌ها به بانک‌های سالم، اعتماد عمومی را حفظ می‌کند.

نظارت سخت‌گیرانه: بانک مرکزی باید نظارت خود را تقویت کرده و با تخلفات به‌صورت قاطع برخورد کند. این شامل الزام بانک‌ها به رعایت استانداردهای کفایت سرمایه است.

- ریشه‌های ناترازی بانک‌ها در ایران**

ناترازی بانکی در ایران نتیجه ترکیبی از عوامل ساختاری، مدیریتی، و نظارتی است. یکی از مهم‌ترین علل، پرداخت سودهای غیر معارف به سپرده‌گذاران برای جذب منابع مالی است. برخی بانک‌ها، به‌ویژه در بخش خصوصی، با ارائه میزان سود ۱۷ تا ۲۰ درصد بالاتر از میانگین نظام بانک، سپرده‌های کلانی جذب کردند. این منابع بیشتر به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد، صرف پروژه‌های غیر اقتصادی مانند املاک و مستغلات یا وام‌های کلان به افراد خاص شد که بسیاری از آنها به مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل شدند.

علاوه بر این، ضعف نظارت بانگ مرکزی نقش مهمی در تشدید ناترازی ایفا کرده است. نبود مکانیزم‌های نظارتی مؤثر سبب شد تخلفات بانکی، از جمله خلق پول غیرقانونی و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک، بدون برخورد قاطع ادامه یابد. شفافیت مالی: از ازا بانک‌ها به ارائه گزارش‌های مالی شفاف و استاندارد، از پنهان‌کاری زیان‌ها جلوگیری می‌کند. آکاسازی عمومی: آموزش به مشتریان برای انتخاب بانک‌های معتبر و پرهیز از میزان‌های سود غیر واقعی، می‌تواند ریسک‌های مالی را کاهش دهد. کاهش تأثیرات ناکارآمدی و انباشت زیان‌های کلان: نظام بانکی ایران را در معرض آسیب قرار داده است. بانک‌هایی مانند بانک آینده با زیان انباشته ۳۰۰ همتی و بدهی ۲۶۷۰ همتی به بانک مرکزی، نمونه‌ای از این چالش هستند. اجرای گزیر بانکی، از طریق انحلال ادغام، یا بازسازی مالی، همراه با اصلاحات ساختاری مانند تقویت نظارت، محدود کردن فعالیت‌های خصوصی، و حمایت از بخش‌های مولد، می‌تواند نظام بانکی را از این وضع نجات دهد. این اقدامات نه‌تنها ثبات مالی را بازی می‌گرداند، بلکه اعتماد عمومی را تقویت کرده و اقتصاد ایران را به‌سمت توسعه پایدار هدایت می‌کند.

ناترازی بانک‌ها یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر بوده که به‌دلیل مدیریت ناکارآمد، تخلفات مالی، و نبود نظارت مؤثر تشدید شده است. بانک‌های ناتراز با زیان‌های انباشته کلان، بدهی‌های سنگین به بانک مرکزی، و تخصیص غیرمولد منابع، نه‌تنها به اقتصاد واقعی آسیب می‌رسانند، بلکه اعتماد عمومی به نظام بانکی را نیز خدش‌دهنده کرده‌اند. این گزارش به بررسی علل ناترازی بانک‌ها، پیامدهای آن، و راهکارهای پیشنهادی برای رفع این موضوع می‌پردازد. با توجه به تجربه بانک‌هایی مانند «بانک آینده»، که نمونه‌ای سازز از کژکارکردی بانک‌های مرکزی، و ضرورت اصلاحات ساختاری در نظام بانکی بیش از پیش آشکار شده است.

- ریشه‌های ناترازی بانک‌ها در ایران**

ناترازی بانکی در ایران نتیجه ترکیبی از عوامل ساختاری، مدیریتی، و نظارتی است. یکی از مهم‌ترین علل، پرداخت سودهای غیر معارف به سپرده‌گذاران برای جذب منابع مالی است. برخی بانک‌ها، به‌ویژه در بخش خصوصی، با ارائه میزان سود ۱۷ تا ۲۰ درصد بالاتر از میانگین نظام بانک، سپرده‌های کلانی جذب کردند. این منابع بیشتر به‌جای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد اقتصاد، صرف پروژه‌های غیر اقتصادی مانند املاک و مستغلات یا وام‌های کلان به افراد خاص شد که بسیاری از آنها به مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل شدند.

علاوه بر این، ضعف نظارت بانگ مرکزی نقش مهمی در تشدید ناترازی ایفا کرده است. نبود مکانیزم‌های نظارتی مؤثر سبب شد تخلفات بانکی، از جمله خلق پول غیرقانونی و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک، بدون برخورد قاطع ادامه یابد. شفافیت مالی: از ازا بانک‌ها به ارائه گزارش‌های مالی شفاف و استاندارد، از پنهان‌کاری زیان‌ها جلوگیری می‌کند. آکاسازی عمومی: آموزش به مشتریان برای انتخاب بانک‌های معتبر و پرهیز از میزان‌های سود غیر واقعی، می‌تواند ریسک‌های مالی را کاهش دهد. کاهش تأثیرات ناکارآمدی و انباشت زیان‌های کلان: نظام بانکی ایران را در معرض آسیب قرار داده است. بانک‌هایی مانند بانک آینده با زیان انباشته ۳۰۰ همتی و بدهی ۲۶۷۰ همتی به بانک مرکزی، نمونه‌ای از این چالش هستند. اجرای گزیر بانکی، از طریق انحلال ادغام، یا بازسازی مالی، همراه با اصلاحات ساختاری مانند تقویت نظارت، محدود کردن فعالیت‌های خصوصی، و حمایت از بخش‌های مولد، می‌تواند نظام بانکی را از این وضع نجات دهد. این اقدامات نه‌تنها ثبات مالی را بازی می‌گرداند، بلکه اعتماد عمومی را تقویت کرده و اقتصاد ایران را به‌سمت توسعه پایدار هدایت می‌کند.

کاهش تأثیرات ناکارآمدی و انباشت زیان‌های کلان: نظام بانکی ایران را در معرض آسیب قرار داده است. بانک‌هایی مانند بانک آینده با زیان انباشته ۳۰۰ همتی و بدهی ۲۶۷۰ همتی به بانک مرکزی، نمونه‌ای از این چالش هستند. اجرای گزیر بانکی، از طریق انحلال ادغام، یا بازسازی مالی، همراه با اصلاحات ساختاری مانند تقویت نظارت، محدود کردن فعالیت‌های خصوصی، و حمایت از بخش‌های مولد، می‌تواند نظام بانکی را از این وضع نجات دهد. این اقدامات نه‌تنها ثبات مالی را بازی می‌گرداند، بلکه اعتماد عمومی را تقویت کرده و اقتصاد ایران را به‌سمت توسعه پایدار هدایت می‌کند.

- پیامدهای ناترازی بانکی بر اقتصاد ایران**

ناترازی بانک‌ها تأثیرات مخربی بر اقتصاد کلان ایران داشته است. اولین پیامد، افزایش نقدینگی و تورم است. بانک‌های

چالش‌های ناترازی بانکی و راهکارهای اصلاح نظام بانکی

تهدید ثبات اقتصاد

ناتراز برای جبران کمبود منابع خود به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورند. این استقراض، که در واقع خلق پول است، حجم نقدینگی را افزایش داده و به تورم دامن می‌زند.

برای نمونه، بدهی بانک آینده به بانک مرکزی از ۵ همت در سال‌های گذشته به بیش از ۲۶۷۰ همت در سال ۱۴۰۲ رسید که بخش قابل‌توجهی از آن به‌دلیل پرداخت سود سپرده‌ها و جبران زیان‌های انباشته بود.

دومین پیامد، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی است. وقتی سپرده‌گذاران شاهد ناتوانی بانک‌ها در پرداخت سود یا اصل سپرده‌ها هستند، اعتماد آنها به سیستم بانکی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به برداشت‌های ناگهانی سپرده‌ها و ایجاد اختلال‌های بانکی بینجامد.

سومین پیامد، تخصیص غیربهره‌به منابع است. بانک‌های ناتراز به‌جای هدایت منابع به بخش‌های مولد مانند صنعت و کشاورزی، آنها را در پروژه‌های غیرمولد مانند املاک لوکس یا سوداگری هزینه می‌کنند. این امر سبب کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری در توزیع ثروت می‌شود. طبق تحلیل‌های اقتصاد اسلامی، مانند آنچه در آثار «شهید صدر» آمده، تمرکز ثروت در دست اقلیت از طریق خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، یکی از معضلات اصلی نظام‌های بانکی غیر مولد است.

- راهکارهای کوتاه‌مدت برای مدیریت ناترازی**

برای مدیریت ناترازی بانکی، راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت ضروری است. در کوتاه‌مدت، اقدامات زیر می‌تواند مؤثر باشد:

شفاف‌سازی صورت‌های مالی: بانک‌ها باید ملزم به ارائه گزارش‌های مالی شفاف و استاندارد شوند. تجربه بانک آینده نشان داد که شفاف‌سازی صورت‌های مالی، اگرچه در ابتدا زیان‌ها را نمایان می‌کند، اما برای شناسایی مشکلات و برنامه‌ریزی اصلاحات ضروری است.

تقویت نظارت بانک مرکزی: بانک مرکزی باید نظارت خود بر فعالیت بانک‌ها تشدید کند و با تخلفات به‌صورت قاطع برخورد کند. این شامل جریمه‌های سنگین، توقیف دارایی‌های مدیران متخلف، و حتی انحلال بانک‌های غیرقابل اصلاح است.

کاهش استقراض از بانک مرکزی: برای جلوگیری از افزایش نقدینگی، بانک مرکزی باید سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای برای محدود کردن استقراض بانک‌های ناتراز اعمال کند. این وضعیت تأمین مالی این بانک‌ها، باید آنها را به‌سمت اصلاح ساختار مالی هدایت کرد. مدیریت مطالبات مشکوک‌الوصول: بانک‌ها باید برنامه‌ای

واقع‌محور، باید بانک‌های توسعه‌ای را به‌هدف حمایت از بخش‌های مولد اقتصاد تقویت شوند. این بانک‌ها می‌توانند منابع را به‌سمت تولید، صنعت و کشاورزی هدایت کنند.

اصلاح قوانین بانکی: قوانین باید به‌گونه‌ای بازنگری شوند که از پرداخت سودهای غیرمعتارف، خلق پول بی‌رویه، و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک جلوگیری شود. این شامل تعیین سقف برای میزان سود و الزام بانک‌ها به رعایت استانداردهای بین‌المللی است.

آموزش و فرهنگ‌سازی: بانک‌ها و مشتریان باید آموزش ببینند تا از رفتارهای پرریسک مالی اجتناب کنند. این شامل آگاسازی سپرده‌گذاران از مخاطرات میزان‌های سود غیر واقعی و تشویق آنها به سپرده‌گذاری در بخش‌های مولد است.

ناترازی بانک‌های یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران است که با پیامدهایی مانند تورم، کاهش اعتماد عمومی، و تخصیص غیربهره‌به منابع همراه بوده‌است. تجربه بانک آینده به‌منزله نمونه‌ای از کژکارکردی بانک‌های خصوصی، ضرورت اصلاحات ساختاری در نظام بانکی را نشان می‌دهد. در کوتاه‌مدت، شفاف‌سازی صورت‌های مالی، تقویت نظارت بانک مرکزی، و مدیریت مطالبات معوق می‌تواند از تشدید ناترازی جلوگیری کند. در بلندمدت، بازنگری در فعالیت‌های خصوصی، تقویت بانک‌های توسعه‌ای، اصلاح قوانین، و انحلال بانک‌های متخلف ضروری است. با اجرای این راهکارها، نظام بانکی ایران می‌تواند به‌سمت ثبات و حمایت از اقتصاد واقعی حرکت کند و اعتماد عمومی را بازیازد کند.

ناتراز برای جبران کمبود منابع خود به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آورند. این استقراض، که در واقع خلق پول است، حجم نقدینگی را افزایش داده و به تورم دامن می‌زند.

برای نمونه، بدهی بانک آینده به بانک مرکزی از ۵ همت در سال‌های گذشته به بیش از ۲۶۷۰ همت در سال ۱۴۰۲ رسید که بخش قابل‌توجهی از آن به‌دلیل پرداخت سود سپرده‌ها و جبران زیان‌های انباشته بود. دومین پیامد، کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی است. وقتی سپرده‌گذاران شاهد ناتوانی بانک‌ها در پرداخت سود یا اصل سپرده‌ها هستند، اعتماد آنها به سیستم بانکی کاهش می‌یابد. این موضوع می‌تواند به برداشت‌های ناگهانی سپرده‌ها و ایجاد اختلال‌های بانکی بینجامد.

سومین پیامد، تخصیص غیربهره‌به منابع است. بانک‌های ناتراز به‌جای هدایت منابع به بخش‌های مولد مانند صنعت و کشاورزی، آنها را در پروژه‌های غیرمولد مانند املاک لوکس یا سوداگری هزینه می‌کنند. این امر سبب کاهش رشد اقتصادی و افزایش نابرابری در توزیع ثروت می‌شود. طبق تحلیل‌های اقتصاد اسلامی، مانند آنچه در آثار «شهید صدر» آمده، تمرکز ثروت در دست اقلیت از طریق خلق پول توسط بانک‌های خصوصی، یکی از معضلات اصلی نظام‌های بانکی غیر مولد است.

کاهش تأثیرات ناکارآمدی و انباشت زیان‌های کلان: نظام بانکی ایران را در معرض آسیب قرار داده است. بانک‌هایی مانند بانک آینده با زیان انباشته ۳۰۰ همتی و بدهی ۲۶۷۰ همتی به بانک مرکزی، نمونه‌ای از این چالش هستند. اجرای گزیر بانکی، از طریق انحلال ادغام، یا بازسازی مالی، همراه با اصلاحات ساختاری مانند تقویت نظارت، محدود کردن فعالیت‌های خصوصی، و حمایت از بخش‌های مولد، می‌تواند نظام بانکی را از این وضع نجات دهد. این اقدامات نه‌تنها ثبات مالی را بازی می‌گرداند، بلکه اعتماد عمومی را تقویت کرده و اقتصاد ایران را به‌سمت توسعه پایدار هدایت می‌کند.

در گفت‌وگوی حسین مصمصای عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با صبح صادق مطرح شد

کژکارکردی بانک‌های خصوصی



ناترازی بانک‌ها یکی از معضلات اصلی اقتصاد ایران در سال‌های اخیر بوده است. بانک آینده به‌منزله یکی از بانک‌های خصوصی کشور، به‌دلیل عملکرد بحث‌برانگیز و تخلفات گسترده، مورد توجه کارشناسان و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. در این مصاحبه، «حسین مصمصای» عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، به بررسی ابعاد گوناگون عملکرد بانک آینده، دلایل ناترازی آن و راهکارهای پیشنهادی برای حل این بحران می‌پردازد. او با اشاره به تخلفات گسترده، زیان انباشته و افزایش بدهی این بانک به بانک مرکزی، به ضرورت انحلال «بانک آینده» و بازنگری در فعالیت بانک‌های خصوصی تأکید می‌کند.

- لطفاً درباره وضعیت بانک آینده و دلایل ناترازی آن توضیح دهید.**

بانک آینده در سال‌های گذشته به‌دلیل مدیریت ناکارآمد و تخلفات گسترده دچار مشکلات جدی شده است. اگر بخواهیم عملکرد این بانک را بررسی کنیم، می‌توانیم آن را به دو دوره تقسیم کنیم: دوره قبل از تغییر مدیریت در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹ و دوره پس از آن. در دوره اول، بانک آینده با پرداخت سودهای بالا، حدود ۷ تا ۸ درصد بیشتر از میانگین نظام بانکی، اقدام به جذب سپرده‌های کلان کرد. تا سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸، حدود ۷/۶ درصد از کل سپرده‌های نظام بانکی در اختیار بانک آینده بود. در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹، بانک آینده به جذب سپرده‌های کلان به‌صورت غیرقانونی و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک در سرمایه‌گذاری‌های متخلف ادامه می‌داد. این کار باعث شد که بسیاری از آنها به‌دلیل عدم بازگشت، به مطالبات مشکوک‌الوصول تبدیل شدند. در این زمان، زیان انباشته بانک آینده به اندازه امروز نبود و بدهی این بانک به بانک مرکزی در حد ۴ تا ۵ هزار میلیارد تومان (همت) بود. اما عدم نظارت مؤثر بانک مرکزی و نبود برخورد قاطع با تخلفات، زمینه را برای تشدید مشکلات فراهم کرد. بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر باید دوشتر وارد عمل می‌شد و جلوی این تخلفات را می‌گرفت.

سؤال: پس از تغییر مدیریت بانک آینده چه اتفاقی افتاد که وضعیت این بانک بدتر شد؟
پس از تغییر مدیریت در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۳۹۹، صورت‌های مالی بانک آینده شفاف‌تر شد. این شفافیت سبب شد زیان‌های انباشته و مطلمات مشکوک‌الوصول بانک به‌صورت واضح نمایان شود. در نتیجه، زیان انباشته بانک از سال ۱۳۹۸ به بعد به‌شدت افزایش یافت و تا سال ۱۴۰۲ به بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان رسید. بخش زیادی از سپرده‌های مردم به وام‌هایی تبدیل شد بود که امکان بازگشت آنها وجود نداشت. در این دوره، بانک مرکزی به بانک آینده دستور داد که سپرده‌پذیری را کاهش دهد. این تصمیم موجب شد سهم سپرده‌های بانک آینده از کل نظام بانکی از ۷/۶ درصد به حدود ۲ درصد کاهش یابد. اما از سوی دیگر، بانک برای تأمین سود سپرده‌گذاران و ادامه فعالیت، به استقراض گسترده از بانک مرکزی روی آورد. این استقراض از حدود ۵ همت در دوره قبل به بیش از ۲۶۷۰ همت افزایش یافت که رقم بسیار قابل توجهی است.

به نظر شما، بانک مرکزی در مدیریت بحران بانک آینده چه اشتباهاتی مرتکب شد؟
بانک مرکزی به‌جای برخورد قاطع با تخلفات بانک آینده، تصمیماتی گرفت که وضعیت را بدتر کرد. به‌جای انحلال بانک یا اعمال جریمه‌های سنگین، صرفاً مدیریت بانک را تغییر داد و به آن دستور داد سپرده کمتری جذب کند. این تصمیم مانند این است که راننده‌ای که مرتباً از چراغ قرمز عبور می‌کند، به‌جای جریمه یا توقیف خودرو، فقط با تعویض راننده آزاد گذاشته شود. این رویکرد نه‌تنها مشکل را حل نکرد، بلکه با افزایش استقراض بانک آینده از بانک مرکزی، بحران را عمیق‌تر کرد. بانک مرکزی باید از ابتدا نظارت دقیق‌تری اعمال می‌کرد و اجازه نمی‌داد تخلفات به این سطح برسد. وقتی بدهی بانک آینده به بانک مرکزی به ۵ همت رسیده بود، باید اقدامات جدی‌تری انجام می‌شد. اما حالا که این بدهی به بیش از ۲۶۷۰ همت رسیده، عملاً مدیریت این بحران بسیار دشوار شده است.

شما به انحلال بانک آینده اشاره کردید. چرا این راهکار را پیشنهاد می‌کنید؟
بانک آینده به‌نمادی از کژکارکردی بانک‌های خصوصی در ایران تبدیل شده است. فعالیت این بانک نه‌تنها به‌نفع اقتصاد کشور نبوده، بلکه با خلق پول و تخصیص منابع به پروژه‌های غیرمولد، سبب تمرکز ثروت در دست اقلیت و افزایش نابرابری شده است. طبق تحلیل‌های اقتصاد اسلامی، مانند آنچه در آثار شهید صدر آمده، تمرکز ثروت در دست اقلیت از طریق خلق پول، می‌تواند منابع اقتصادی را به‌نفع خود مصادره کند و این دقیقاً همان اتفاقی است که در بانک آینده رخ داده است. برای بازگرداندن اعتبار به نظام بانکی، انحلال بانک آینده ضروری است. این بانک با زیان انباشته ۳۰۰ همتی و بدهی کلان به بانک مرکزی، عملاً نمی‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد. ادامه فعالیت آن تنها به افزایش بدهی‌ها و فشار بر اقتصاد کشور منجر خواهد شد.

- با توجه به تجربه بانک آینده، نظر شما درباره فعالیت بانک‌های خصوصی در ایران چیست؟**

تجربه بانک آینده نشان داد که بانک‌های خصوصی در ایران، بدون نظارت دقیق و قوی، می‌توانند به اقتصاد واقعی آسیب بزنند. در اقتصاد اسلامی، مفهومی به نام بانک خصوصی وجود ندارد. زیرا خلق پول ازسوی نهادهای خصوصی می‌تواند به‌تمرکز ثروت و نابرابری منجر شود. بانک‌های خصوصی باید تحت نظارت شدید بانک مرکزی فعالیت کنند و فعالیت آنها باید به‌گونه‌ای باشد که منابع به‌سمت تولید و اشتغال‌زایی مولد هدایت شوند. نکته مهم این است که ما باید از درآمدهای نقدی به‌صورت قاطع و امکانات مردمان طراشی استفاده کنیم. اگر مذاکرات به نتیجه برسد و تحریم‌ها برداشته شوند، علاوه با بر نامه‌ریزی دقیق استفاده کنیم. اگر مذاکرات به نتیجه برسد و تحریم‌ها برداشته شوند، می‌توانیم با افزایش درآمدهای نقدی، بدون فشار به بودجه خاوار، ناترازی‌ها را کاهش دهیم. اما اگر این درآمدها به‌دسترسی مدیریت نشوند، حتی رفع تحریم‌ها هم مشکلات را حل نخواهد کرد.

جمع‌بندی
حسین مصمصای در این مصاحبه با اشاره به تخلفات گسترده بانک آینده، از جمله پرداخت سودهای غیرمعتارف، سرمایه‌گذاری‌های غیرمولد و افزایش زیان انباشته، بر ضرورت انحلال این بانک تأکید کرد. او معتقد است که بانک مرکزی در مدیریت بحران این بانک اشتباهات جدی مرتکب شده و به‌جای برخورد قاطع، با تصمیمات نادرست، زمینه‌ساز تشدید بحران شده است. مصمصای همچنین با استناد به اصول اقتصاد اسلامی، فعالیت بانک‌های خصوصی را بدون نظارت دقیق، تهدیدی برای اقتصاد واقعی دانست و خواستار بازنگری در سیاست‌های بانکی کشور شد. انحلال بانک آینده و محدود کردن فعالیت بانک‌های خصوصی می‌تواند گامی در جهت اصلاح نظام بانک و بازگرداندن اعتماد به این بخش باشد.

تقویم انقلاب

ضربه نفوذی‌ها

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



تقویم تاریخی انقلاب شاهد است که جریان انقلاب اسلامی، حفظ ارتش و نیروهای مسلح را از اهداف اصلی خود قرار داده بود و همچنان به آن اهداف پایبند بوده و هست. در مقابل جریانات متعددی در تاریخ معاصر ایران تلاش می‌کردند ارتش ایران را به هر طریق ممکن نابود کنند و قدرت ملی ایران را از بین ببرند. نمونه بارز آن، جریان تشکیلات نفوذی حزب منحلۀ توده بود؛ در این مختصر به چند روش که اتخاذ و اقدام کرده بودند، اشاره می‌شود.

۱- اولین عنوانی که در این رابطه می‌توان ذکر کرد، تشکیلات بسیار پیچیده شبکه افسران بود که به‌منزله ستون پنجم، می‌توانست ایفای نقش بکند و از پشت خنجر بزند که البته در این هدف ناکام بودند و سیستم پیچیده آنها افشا شد و سرشان به سنگ خورد.

۲- اینـ تشکیلات نفوذی تا آنجا که توانستند در نقاط مهم و حساس به‌طور مرموز و منافقانه تبلیغات توده‌ای انجام بدهند و بین افسران و درجه‌داران، شایعات و شبهات در بدنه ارتش و نیروهای نظامی ترویج کنند.

۳- این جریان نفوذی مصمم بود حس بدبینی و نفاق را ارواج دهد و به خصومت و اختلاف دامن بزنند و به‌این طریق حس انضباط را در داخل ارتش و قوای نظامی متزلزل‌سازد.

۴- شکل دیگر ضربه زدن به ارتش از طریق جاسوسی و به‌دست آوردن اطلاعات محرمانه و نظامی، از قبیل؛ آمار افراد مؤثر واحدهای مهم تسلیحات و مهمات و نقشه‌های جنگی و عملیاتی با سرقت به دشمن و بیگانگان تسلیم کند و در دوران جنگ تحمیلی نمونه‌هایی از آن را تجربه کردیم.

۵- اینـ جریان نفوذی به‌طور شبکه‌ای به مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی بسیار منافقانه مرتبط شده بودند و سوژه‌هایی که برای کوییدن ارتش و نیروهای مسلح مناسب بود را به آنها سرویس می‌دادند تا به روحیه ملی ضربه وارد کنند و یأس و ناامیدی را تبلیغ کنند. عـسازمان موسوم افسران حزب توده با استفاده از نفوذهایی که داشتند و طبق برنامه سازمانی‌شان اقدام به سرقت و غارت اموال و تجهیزات، مهمات، مواد منفجره و غیره کرده و آنها را به بیرون انتقال دادند و آشوب‌های مهندسی شده دشمن در داخل را تأمین کردند.

۷- یا به همین شگرذ بر اساس برنامه‌هایشان تصمیم داشتند تأسیسات مهم ارتش مانند هواپیماها و ناویرها، انبارهای مهمات و تسلیحات را منفجر کنند یا مراکز مهم اقتصادی و سیاسی کشور را به‌نفع متجاوزین به‌کارگیری کنند و در مواردی هم در این زمینه ورود کردند.

۸- توطئه‌های متعدد دیگری هم در دستور کارشان بود یا از دشمن خارجی دستور می‌گرفتند در شرایط لزوم شبکه‌های نفوذی‌ها را در ارتش یا دیگر سازمان‌ها و ادارات به‌نفع این حزب وابسته به بیگانه مانند کودتاها و غیره در ارتش یا دیگر سازمان‌ها نقش بازی کنند.

۹- در مواردی با استفاده از لباس و حیثیت نظامی و مقام و درجه خود، کمک شایانی برای انجام کارهای غیرقانونی مانند فراری دادن زندانی‌ها، یا با فراری دادن کادر مؤثر به خارج از کشور با صدور برگه معافیت از خدمت نظام وظیفه و غیره کمک‌کننده جریان‌های مخرب باشند.

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

با اوج گرفتن مبارزات حضرت امام خمینی (ره) با رژیم پهلوی، جریان اسلامی شکل گرفته با محوریت حضرت امام(ره) خط تقابل خود با حرکت انحرافی رژیم پهلوی را تقویت کرد و کار را بر آنان تنگ کرد.

قم، مرکز روحانیت ایران با سوابقی که داشت اجتماعات محرر آن پرازدحام بود، رهبری نهضت نیز در آنجا اقامت داشت و بنابر این امام(ره) قرار گذاشته بودند که هر شب به یکی از محلات قم برود و در اجتماعات عزاداری آنها شرکت کنند و سخنگوی این مجامع هم اوضاع سیاسی کشور و نظرات‌شان را برای مردم بازگو می‌کردند. استقبال از حضور امام(ره) بی‌سابقه بود و غالباً هر شب از منزل اسام(ره) تا محل اجتماع چراغانی بود و در مسیر راه ده‌ها قربانی گوسفند انجام می‌گرفت. همین وضع هیئت حاکمه را بیش از پیش وحشت‌زده می‌ساخت چراکه کسی روشنگری و افشگری می‌کند که در قلب توده‌های مردم قرار دارد و به همین لحاظ مأموران درجه اول حکومت سعی می‌کردند به‌نحوی باسخنگویان اسلامی مذاکره کنند و جلو تبلیغات ضد رژیم را بگیرند یا برای آن حدی قائل

باشند اما این کوشش مؤثر واقع نشد.

آیت‌الله العظمی خمینی(ره) با علمای طراز اول قم به مشورت نشست تا هر چه بیشتر عاشورا را نقطه اوج نهضت رسانند و پیشنهاد کردند روز عاشورا علما به مدرسه فیضیه بروند و برای مردم که از اکتاف و اطراف کشور به قم می‌آیند، سخنرانی کنند. این پیشنهاد را همه پذیرفتند و گویندگان مذهبی هم آن را به‌منزله یک خبر دست اول در شهرهای ایران به مردم رساندند و بنابرین سیل جمعیت به‌سوی قم روان شد و ازدحام بی‌سابقه‌ای را در این شهر ایجاد کرد.

دستگاه امنیتی وارد عمل شده و اولاً، شایعه‌پر اکنی کردند که به فرمان شاه روز عاشورا قم وسیله ارتش همانند مسجد گوهرشاد به آتش و خون کشیده می‌شود و ثانیاً، اشخاصی وابسته به دربار به قم رفتند تا علما را وادار کنند تا از تصمیم خود عدول کنند گرچه تلاش کردند. اما چیزی دستگیرشان نشد و آیت‌الله خمینی(ره) با کمال صراحت و استقامت گفتند: «وظیفه خود را چنین تشخیص داده‌ام که حقایق را برای مردم بازگو کنم و دستگاه هر چه می‌خواهد بکند» و می‌گفتند: «من تصمیم نهایی را گرفته‌ام و با این شایعه‌پراکنی‌ها و تهدیدات رژیم نمی‌توانم از تصمیم خود برگردم.» رژیم حاکم چون انصراف امام(ره) را به وسایل غیر مستقیم به‌دست نیاورد مستقیماً وارد عمل شد.

دهلیز

تولد به خرج ملت!

مروری بر ریخت و پاش‌های دربار دیکتاتور پهلوی

حکومت پهلوی ۹۰ درصد بود، اما در این سال، تعداد روستاهای بر خوردار از برق ۴۳۲۷ روستا بود که فقط ۱۴ درصد از روستاهای کشور را شامل می‌شد.

مسکن که یکی از نیازهای اولیه انسان در کنار خوراک و پوشاک است، در سال‌های پایانی حکومت پهلوی در بدترین شرایط کیفی و کمی بود، چنان‌که بر اساس آمارها، از مجموع ۳۳ میلیون و ۷۴۷ هزار نفر جمعیت کشور در سرشماری سال ۱۳۵۵ تعداد یک میلیون و ۷۷ هزار نفر در کپر زندگی می‌کردند. همچنین از مجموع ۶ میلیون و ۷۰۰ هزار خانوار سرشماری شده در کل کشور، محل سکونت بیش از یک میلیون و ۹۰۰ هزار خانوار (جمعیتی بالغ بر ۹ میلیون و ۵۹۰ هزار نفر) فقط دارای یک اتاق بود؛ که عبارت ساده‌تر، ۲۸/۴۵ درصد از جمعیت کشور در واحدهای مسکونی زندگی می‌کردند که تنها یک اتاق داشت. در سال ۱۳۵۵ حدود ۷۸/۴۷ درصد از مناطق روستایی و ۱۰/۷۴ درصد از مناطق شهری کشور فاقد آب لوله‌کشی بود. »



صبح عاشورا در حالی‌که هزاران نفر در مراسم عزاداری منزل امام(ره) شرکت داشتند رئیس ساواک قم خود را به ایشان رساند و اظهار داشت: «من از طرف اعلی حضرت مأموم به شما ابلاغ کنم که اگر امروز بخواهید در مدرسه فیضیه سخنرانی کنید کماندو‌ها را به مدرسه می‌ریزیم و آنجا را به آتش و خون می‌کشیم.» و پاسخ امام(ره) این بود که ما هم به کماندوهای خود دستور می‌دهیم که فرستادگان اعلی حضرت را تأذیب کنند! این مکالمه آخرین تلاش دولت برای بازداشتن امام(ره) از سخنرانی نبود و تا ساعت ۴ بعد از ظهر به طرق گوناگون کوشش انجام می‌گرفت.

عصر عاشورا برابر با سیزدهم خرداد سال ۱۳۴۲ حضرت امام خمینی(ره) با حضور در مدرسه فیضیه، طی سخنان کوبنده‌ای، ضمن انتقاد شدید از رژیم پهلوی و اربابان آمریکایی و اسرائیلی شوا ایران، پرده از جنایات طاغوت برداشتند. حضور مردم در سخنرانی به اندازه‌ای بود که تمام صحن فیضیه و دارالشفاء، صحن حرم حضرت معصومه(س)، میدان آستانه و اطراف، مملو از جمعیت بود.

حضرت امام(ره) در آن مجلس محمدرضا پهلوی را چنین نصیحت کردند: «ای آقای شاه! ای جناب شاه! من به تو نصیحت می‌کنم؛ دست بردار

حافظه

غارت اموال!

نگاهی به جنایات استعمارگران در آفریقا

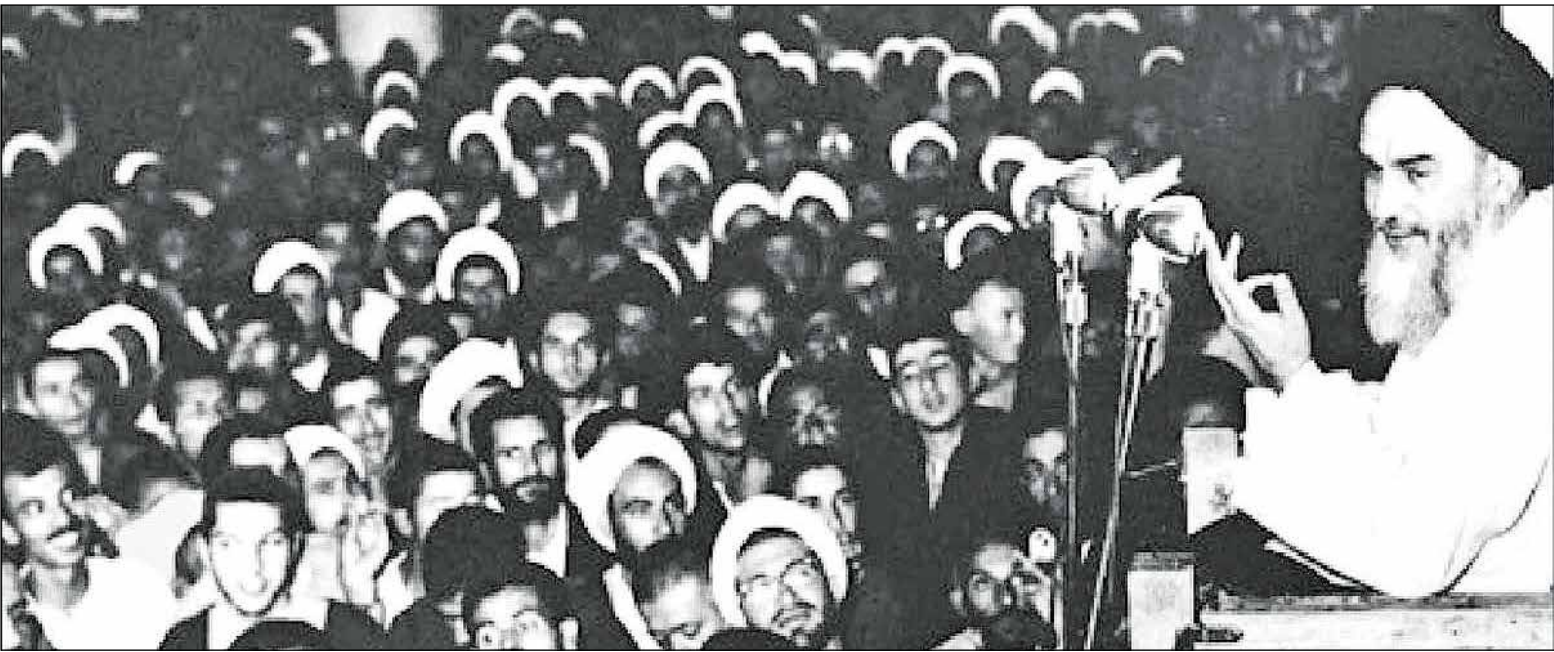


استعمار اروپایی‌ها در آفریقای جنوبی رواج داشت.

کوچ‌های اجباری، زندگی و هویت ساکنین سیاه‌پوست آفریقای جنوبی را تباه کرد. تنها در یک نمونه، تخریب و نابودسازی ۱۳۰ دهکده، در یک استان آفریقای جنوبی در «رانامو» در سال ۱۹۸۲، سبب از بین رفتن ملک ۱۰۰ هزار دهقان شد.

نویسنده کتاب «آفریقای جنوبی راه‌دشوار آزادی»، فقط بخشی از آمار جنایات سفیدپوستان از ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۵، را چنین اعلام می‌کند: تخریب و انهدام ۱۴۳ مدرسه سیاهان، تخریب ۶ کلیسا، تخریب ۹ درمائه‌گاه، آتش زدن ۶۶ خانه متعلق به نمایندگان سیاه، آتش زدن ۵۱۶ ماشین و ۱۰۸۰ اتوبوس سیاهان، مجبور به استعفا کردن ۱۴۷ نماینده سیاه، قتل ۵ نماینده، قتل ۴ پلیس سیاه، ضرب و جرح ۱۰۹ نماینده سیاه، مجروح شدن ۵۶ افسر پلیس سیاه.

این آمار به‌خوبی حکایت از آن دارد که چه‌طور سیاهان در این سال‌ها از حداقل امنیت برای داشتن زندگی عادی، محروم بودند و به‌سادگی جان و مال‌شان در معرض تعرض زیاده‌خواهان سفید پوست قرار داشت.



آقای شاه! من به تو نصیحت می‌کنم!

واکاوی ۶۰ سال تلاش برای پیشروی و سرآمدی

مسیر نواندیشی



♦ مطهری به‌دنبال نوآوری فقهی و سازمانی

شهید مطهری در این کتاب به‌دنبال این است که در دوره‌نوسازی جهان و پدید آمدن علوم نوین، چگونه می‌توان مرجعیت را به یک نهاد متحول و نواندیش تبدیل کرد که هم مسائل روز را به‌درستی بداند و هم فتاوایی بدهد که با شرایط روز همخوان باشد. شهید مطهری شاید برای اولین‌بار در این کتاب روی همفکری و هم‌اندیشی فقه‌ها برای رسیدن به یک نظر واحد تأکید می‌کند و به‌نوعی شورای فقهی و اجتهادی را چاره کار می‌داند. مرحوم طالقانی نیز بر نگاه شهید مطهری صحه می‌گذارد و همفکری و تضارب آرای فقهی را چاره کار می‌داند. اما شهید مطهری در اینجا باز نمی‌ماند و به‌دنبال این است که چگونه می‌توان ساختارهای حوزوی را هم نو کرد. در ذهن شهید بزرگوار این اندیشه نمایان است که چگونه می‌توان در یک دوراهی پیچیده اولاً روحانیت را از اندک هزینه سهم امام جدا کرد و ثانیاً این ساختار منحصربه‌فرد شیعی را از حیث مالی به‌نحوی ارتقا داد که بتواند مطالعه کند و از علمش مردم را راهنمایی کند. سؤالی پیچیده که شاید مسئله امروز هم باشد؛ اینکه چگونه می‌توان ساختار طلاب و روحانیت را برای جامعه درمأنده در زنگارهای مدرنیته هم توانایی مالی داد و هم به‌سمت حل مسائل نو سوق داد.

♦ پاسخی به مقتضیات زمانه

سایر نویسندگان به‌دنبال این موضوع می‌روند که چگونه می‌توان مسیر نواندیشی را گشود و



یعقوب ربیعی

کارشناس سیاسی

از ویژگی‌های اردیبهشت ۱۴۰۴ تلافی پیام رهبر معظم انقلاب درباره پیشرو و سرآمد بودن حوزه علمیه با نمایشگاه کتاب بود. ایده‌ای که می‌تواند نقشه‌راه آینده حوزه و اصلاح برخی سازکارهای پیشین باشد. حدوداً ۶۰ سال پیش، یعنی پس از رحلت «آیت‌الله بروجردی»، جمعی از نواندیشان حوزوی و دینی بر آن شدند تا در کتابی به راهکارهای نوسازی حوزه علمیه بپردازند. در این کتاب با عنوان بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، بزرگانی همچون مرحوم علامه طباطبایی، شهید مطهری، شهید بهشتی، مرحوم آیت‌الله طالقانی و... مطلب نگاشته‌اند. «اجتهاد و تقلید در اسلام و شیعه»، «شرایط و وظایف مرجع»، «اجتهاد در اسلام»، «ولایت و زعامت»، «انتظارات مردم از مراجع»، «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، «مشکل اساسی در سازمان روحانیت»، «تمرکز و عدم تمرکز در مرجعیت و فتوای تقلید اعلم یا شورای فتوا» و «مزایا و خدمات مرحوم آیت‌الله بروجردی»، فهرست مطالب کتاب را تشکیل می‌دهند که شاید مروری بر آن هم‌زمان با پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به‌مناسبت یکصدمین سالگشت‌تأسیس حوزه علمیه قم خالی از لطف نباشد.

♦ پیشگیری از انحراف

در این کتاب «شهید بهشتی» و «علامه طباطبایی» به این رویکرد می‌پردازند که روحانیت شیعی جایگاه بزرگی در جامعه دارد، ولی آیا می‌شود کسی از لباس روحانیت و جایگاه آن سوءاستفاده کند؟ شهید بهشتی این سؤال را مثبت جواب داده و معتقد است باید در ساختارهای حوزه علمیه روانی اندیشیده شود که علم نافع علمای شیعی از سوی افرادی به اوهام و پندارهای باطل و غیر نافع برای جامعه بدل نشود. دغدغه شهید بهشتی بر این مترتب می‌شود که چگونه می‌توان مانع از فساد فکری و رفتاری در ساختار روحانیت شیعی شد.

تبیین

جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین -۱۳۴

حلاوت تحلیل استاد

امیر قلی‌زاده

کارشناس سیاسی

«سیری در سیره نبوی» و «جاذبه و دافعه علی(ع)»؛ این دو کتاب برای شناخت زندگی و زمانه پیامبر اسلام(ص) و حضرت علی(ع) بسیار مهم و راه‌گشاست. البته کتاب‌های بسیاری در بازار هست، ولی ایسن دو اثر شهید مطهری با وجود حجم کم، اما روان، خوشخوان و آکنده از داستان‌های خواندنی و پر مضمون تاریخی‌اند که به‌انضمام تحلیل‌های قوی و جاندار استاد شهید، به کتاب‌هایی تبدیل شده‌اند که حلاوت ملاقات با پیامبر اسلام(ص) و جانشین برحقش را به مخاطب خود هدیه می‌دهند. این دو کتاب را در درجه اول می‌شود به برداران و خواهران عزیز اهل سنت پیشنهاد داد که می‌تواند شناخت آن‌ها از حضرت رسول(ص) و حضرت علی(ع) را بیشتر و دقیق‌تر کند؛ و در درجه بعد به هر کسی که دوست دارد این دو بزرگمرد تاریخ را بهتر و عمیق‌تر بشناسد.

«مسئله حجاب»، این روزها که پیرامون نحوه مواجهه با ابلاغیه حجاب و عفاف در کشور بحث می‌شود، و برخی از جوان‌ها سؤالات و شبهاتی درباره ایسن ضروری دین دارند، مطالعه کتاب «مسئله حجاب» می‌تواند افق اندیشه و نگاه‌ها را تغییر دهد؛ زیرا این کتاب حاصل سلسله بحث‌ها و درس‌هایی بوده که توسط استاد شهید در جلسات انجمن اسلامی پزشکان به شیوه

باشد؛ تهذب، مردمی بودن، راهنمای جوانان بودن و... بر همین اساس است که رهبر معظم انقلاب در پیام‌شان تأکید می‌کنند: «آنچه مهم است، آشنایی با فضای فکر و فرهنگ جامعه و ایجاد تناسب میان آورده‌های تبلیغی با واقعیت‌های فکری و فرهنگی در میان مردم به‌ویژه جوانان است. در این بخش حوزه دچار مشکل است. این صدها مقاله و مجله و گفتارهای مجلسی و تلویزیونی و مانند آن، در برابر سیل القانات مغالطه‌آمیز، نمی‌تواند وظیفه بلاغ مبین را چنانکه نیاز و شایسته است، به انجام رساند. جای دو عنصر کلیدی برای این بخش در حوزه خالی است: «تعلیم» و «تهذب» در این نگاه شکل‌گیری یک عالم مذهب و نواندیش دینی و مردمی ملاک کار قرار می‌گیرد.

۳- دشمن فراموش نشود؛ مسیر حق همیشه دشمن داشته است. این دشمن گاه در انحرافات داخلی از تحجر و مقدس‌نمایی جلوه می‌کند و گاه ممکن است دشمن به‌مثابه اجنبی‌ای باشد که به‌دنبال تسلیم جامعه است. پیام رهبر معظم انقلاب برای مواجهه با این پدیده‌های شوم است و بر این تأکید می‌کند که چگونه می‌توان در مقابل «کسروی»های نوین، جریان تحجرنما و مقدس مآب، نفوذ دشمن خارجی و... ایستاد.

۴- نظاماتی برای تمدن نوین اسلامی؛ بخش آخر پیام رهبر معظم انقلاب بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. اینکه این تمدن در خلا شکل نمی‌گیرد یک اصل بدیهی است؛ به همین دلیل رهبر معظم انقلاب قبل از موضع‌تمدن‌سازی به طراحی و تنظیم نظامات بر پایه حوزه علمیه و شکل‌گیری مشارکت اجتماعی می‌پردازند و مشخص می‌کنند که حوزه باید سرمنشأ مشارکت شکل‌گیری نظامات باشد، البته این نظامات خود مختصاتی دارد و به‌این‌گونه است که «حوزه برای طراحی و تنظیم نظامات اجتماعی نیاز دارد که با یافته‌های امروز جهان درباره این نظامات به اندازه لازم آشنایی داشته باشد. این آشنایی، فقیه را قادر خواهد ساخت که با بهره‌برداری از درست و نادرست این یافته‌ها، حضور ذهن لازم برای استفاده از تصریحات و اشارات کتاب و سنت بیابد و شکله نظامات اجتماعی را برای اداره جامع و کامل جامعه بر اساس اندیشه اسلامی طراحی کند.»

آفاق

تفکر انقلابی و ریشه‌های آن در قرآن کریم-۲

روایت اصیل برابر دوروایت جعلی!



محمدرضا ملایی

پژوهشگر اندیشه سیاسی

آیا همه قرائت‌هایی که به‌نام اسلام عرضه می‌شوند، ریشه در قرآن دارند؟ بررسی تطبیقی میان اسلام انقلابی با اسلام‌های جعلی چون اسلام متحجر و سکولار، ما را به پاسخ روشنی می‌رساند. در طرف مقابل تفکر انقلابی، اسلام سکولار قرار دارد؛ جریانی که یا به‌کلی دست از قیام می‌کشد و با ظالمان مماشات می‌کند یا آنکه به ظاهر اسلامی است. اما در عمل، نظم سیاسی و اجتماعی آن سکولار و بیگانه با آموزه‌های اصیل قرآنی است. چنین اسلامی، نه به نفی طاغوت می‌اندیشد و نه دغدغه‌ای برای اجرای احکام الهی در عرصه حکومت‌داری دارد. نتیجه آنکه ساختارهای مبتنی بر منافع شخصی، خانوادگی و قبیله‌ای بر دین سایه می‌اندازند و اسلام، در حد ابزاری برای تثبیت قدرت فروکاسته می‌شود.

در کنار اسلام سکولار، اسلام متحجر نیز از دیگر بدیل‌های قلابی در برابر اسلام ناب محمدی است. اسلام متحجر، اسلام خشونت بی‌هدف و قشری‌گری جاهلانه است. داعیه‌داران این نوع اسلام، چهره‌ای خشن و بی‌رحم از دین ارائه می‌دهند که نه‌تنها بویی از رحمت اسلامی نبرده، بلکه در عمل، بهترین خدمت را به دشمنان

و دشمنان را به خود جلب می‌کند.

۱۱

خرد

شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

صداقت

سیاست‌نامه

سیدمحمدباقر صدر-۴۳

دفاع از انقلاب!

مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه اسلامی

مردم موقعی برای تقلید به «شهید صدر» مراجعه کردند که هنوز رساله‌اش منتشر نشده بود و این نکته‌ای است که کمتر در بین مراجع یافت می‌شود. هیچ چیز بیش از این شهید صدر را آزرده نمی‌کرد که کسی خدمت ایشان برسد و بگوید من مقلد شما هستم. ایشان به مرور و پس از اینکه مردم بسیاری از کاستی‌ها، چه از لحاظ تولید فکر و پاسخگویی به شبهات، و چه از لحاظ نگاه جهانی و تصدی بر شئون اجتماعی احساس کردند، به مرور، بیشتر به او مراجعه کردند و ایشان از این نظر تحت فشار قرار گرفتند. مردم نزد ایشان می‌آمدند و می‌گفتند که ما به هر حال از شما تقلید می‌کنیم و این از کنترل شما خارج است. کتاب یا رساله مانندی را به ما معرفی کنید که ما به آن مراجعه کنیم. شهید صدر خلاصه‌ای از «منهاج‌الصالحین» آقای حکیم را گرفت و بر آن شرح نوشت و با تقسیم‌کار بین تعدادی از شاگردانش هر کدام چند نسخه از روی شرح شهید صدر دستنویس کردند تا در اختیار مردم بگذارند. مرجعت شهید صدر بیشتر از طرف طیف‌هایی از طلاب مورد استقبال قرار گرفت، که دارای افکاری باز و روشن و علمی بودند. طرز فکر و اندیشه شهید صدر با بقیه مراجع نجف تفاوت داشت. ایشان از بیش واقعی روشنفکرانه برخوردار بود و اعتقاد داشت که اسلام سیاسی باید بر جهان اسلام حکومت کند. طلاب لبنانی از این جهت از دید سیاسی و فرهنگی بازی بر خوردار بودند. طبیعت لبنانی‌ها این‌گونه است و در کشورشان تمام فرهنگی‌های جهان یافت می‌شود، به همین دلیل شهید صدر امید زیادی به آنها داشت و می‌خواست از طریق آنها، رهبری اسلامی را به جهان معرفی کند. البته ارجاعات شخص امام موسی صدر به شهید صدر هم تأثیر بسیاری در توجه طلاب لبنانی به ایشان داشت. شهید صدر در حمایت از امام خمینی هیچ تردیدی به خود راه نمی‌داد؛ فقط روش حمایت ایشان با امام موسی صدر متفاوت بود که البته موقعیت جغرافیایی و سیاسی و اجتماعی در این امر تأثیر بسزایی داشت و الا شهید صدر بسیار جدی و باورمند از انقلاب اسلامی حمایت می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که بر خسی معتقدند حمایت شهید صدر از انقلاب اسلامی از عوامل مهم، بلکه مهمترین عامل شهادت ایشان بوده است. البته در این میان برخی به غلط هم ادعا می‌کنند که شهید صدر در حمایت از انقلاب، بدون اینکه شرایط عراق و ویژگی‌های آن را مد نظر قرار دهند؛ دچار نوعی بر خورد عاطفی و شتابزده شدند. این در حالی است که کسانی که چنین ادعایی می‌کنند از تاریخچه حمایت آقای صدر از انقلاب اسلامی بی‌اطلاع هستند و تصور می‌کنند که ایشان پس از مشاهده رویداد پیروزی انقلاب یک نوع واکنش عجولانه و عاطفی از خودش نشان داد. در پاسخ هست، این موضع‌گیری سید شهید در دوره پیروزی انقلاب شکل نگرفت، بلکه موضع ایشان موضعی اصولی و ثابت بود که ریشه آن به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب و زمانی که هنوز خبری از انقلاب نبود، بازمی‌گشت. اقداماتی از جمله تشویق شاگردانش برای شرکت در کلاس درس امام هنگام تبعید به عراق یا نگرانی از حضور و نفوذ بعضی از جریانات التقاطی و غیراسلامی مانند «مجاهدین خلق» در انقلاب که می‌گفت برای عبور از این خطر، باید هر ایرانی رساله توضیح‌المسائل امام خمینی را نصب‌العین خود قرار دهد، را در این راستا می‌توان بر شمرد.

چرا تبریک نمی‌گوییم؟

قاعده بر این است که فیلم برگزیده در یک جشنواره، نظر مثبت بیشتر منتقدان را جلب کند. اما «یک تصادف ساده» و اعطای جایزه سیاسی به «جعفر پناهی» در جشنواره کن ۲۰۲۵ به‌قدری مبتذل است که انتقادات زیادی را برانگیخته است. در ادامه، برخی از این نظرات را مرور می‌کنیم:

«مارکوس اوزل» سردبیر نشریه معروف «کایه دو سینما»: «... این فیلم اثری بیش از حد نمادین و فاقد عمق احساسی است که ضمن استفاده نامناسب از ساختار روایی غیر خطی، مکرر از استعاره‌های سیاسی استفاده و اثری تکراری و فاقد نوآوری ساخته شده است...»

منتقد سینمایی وب سایت «اینترنشنال»: «... فیلم از نظر سینمایی مشکلات قبلی فیلم‌های اخیر پناهی را تکرار می‌کند، کماکان نوعی تصنعی بودن صحنه‌ها و دیالوگ‌ها به فیلم آسیب می‌زند. مهم‌ترین مشکل فیلم از صحنه بحث شخصیت‌ها در کنار ون در بیابان آغاز می‌شود. جایی که هر کدام از شخصیت‌ها دیالوگ‌هایی شعاری و گل‌درشت را تکرار می‌کنند. مشکل دیالوگ‌ها زمانی بیشتر به چشم می‌آید که ضعف در اجرا هم اضافه می‌شود. هیچ‌کدام از بازیگران فیلم اجرای درخوری ندارند، باقی شخصیت‌ها هم بیشتر به تیپ شبیه می‌شوند و فیلمساز نمی‌تواند به دل آنها نفوذ کند... تمهیدات کارگردان (مانند نمای بلند و دوربین ایستا) هم که فیلمساز می‌خواهد به مدد آنها به سبکی و سیاقی مستندگونه برسد، کارکرد لازم را ندارند و باور صحنه و موقعیت را حتی مشکل‌تر می‌کند...»

«سعید مستغنی» رئیس‌پیشین انجمن منتقدان: «آنچه جشنواره کن مورد توجه قرار نداده و نمی‌دهد، همانا قابلیت‌های هنری و سینمایی یک فیلم‌بوده‌هست. چنانچه «تی» یه ری فرمو» یکی از مسئولان این جشنواره قبل از آن اعلام کرده بود که همه فیلم‌های جعفر پناهی در این جشنواره پذیرفته خواهند شد و وی برای همیشه داور تمامی جشنواره‌های جهان است! این سخنان به این مفهوم بود که مهم نیست پناهی چه فیلمی بسازد، چگونه بسازد و چه از آب در بیاورد! مهم این است که او پناهی است! مقامی که حتی اساتید تاریخ سینما مانند «جان فورد» و «آلفرد هیچکاک» و «چارلی چاپلین» نیز از آن بی‌بهره بوده‌اند! یعنی در واقع سینما و فیلم در جشنواره فیلم کن، در حد «کَشک» هم نیست!»

«محمد قربانی»، منتقد و مدرس سینما: «جامعه ایران در فیلم‌های پناهی، جامعه‌ای قرون وسطایی است که مستحق بدترین حاکمان و لایق هرگونه تحریم از جانب غرب و انسان بافرهنگ غرب است. پناهی در همه فیلم‌هایش در نقش یک ناظر ظاهر می‌شود و در مملکت خودش هم ترجیح می‌دهد توریست باشد. او تا می‌تواند خودش را از مردم ایران جدا می‌کند. در فیلم‌های این فیلمساز، ایرانی‌ها مثنی بربر هستند بی هیچ نشانی از مناسبات پیچیده تاریخی و فرهنگی شان. بنابراین تبریک گفتن به پناهی و افتخارآمیز خواندن جایزه‌اش برای ایران تأیید بربریت ایرانیان و توجیه بی‌وطنی است. لذا جایزه پناهی هیچ جای تبریکی به مردم ایران ندارد. ضمن اینکه حتی جایزه بگیران آبرودارتر سینمای ایران از «کیارستمی» تا «فرهادی» هم خاصیتی جز آدرس غلط دادن به فیلمسازان جوان ایرانی نداشته‌اند چه برسد به جعفر پناهی که خودش هم می‌داند فیلمساز نیست... او یک دلال فرهنگی است که تصویر سفارشی غرب از ایران را به جشنواره‌ها می‌رساند.



آر ش فهیم

دبیر گروه فرهنگ

جشنواره‌های سینمایی، محلی برای نمایش بخشی از فیلم‌های تولیدی یک یا چند کشور و ظهور و بروز توانایی‌ها و استعدادهای هنری است. معمولاً وقتی یک جشنواره سینمایی، مانند جشنواره فیلم فجر در کشور خودمان برگزار می‌شود، علاقه‌مندان هنر هفتم یا اهالی این هنر درباره کیفیت، محتوا و ساختار فیلم‌های شرکت‌کننده در این جشنواره یا شیوه کار کارگردانان و بازیگران صحبت می‌کنند. اما چندسال است که وقتی آثاری از فیلمسازانی با ملیت ایرانی در جشنواره کن (که ظاهرًا بزرگترین جشنواره سینمایی با رویکرد هنری بوده) شرکت می‌کنند، بارتاب این حضور همه چیز است غیر از فیلم‌ها و سبک و سیاق کارگردانان و بازیگران! آنچه درباره فیلمسازان و بازیگران ایرانی در جشنواره کن بازتاب می‌یابد، یا مدل لباس است و یا شعارهای سیاسی. مصداق این ماجرا هم بر جسته شدن صحبت‌های فیلمسازان ایرانی حاضر در هفتادوهشتمین جشنواره فیلم کن است. «سعید روستایی» در نشست خبری فیلمش در کن ۲۰۲۵ بجای اینکه درباره سبک و سیاقش در ساخت این فیلم صحبت کند، مانند

جشنواره کن چند سالی است که به‌طور مبتذلی به سیاست آلوده شده و بیش از هنر و سینما، درگیر کشمکش‌ها و تبلیغات ایدئولوژیک است. البته جای تردیدی نیست که سینما به‌خاطر ماهیت رسانه‌ای و خاصیت بازتاب و واقعیت‌های جامعه انسانی، ذاتاً ایدئولوژیک است یا حداقل اینکه می‌توان از هر فیلم یا جریان سینمایی، تفسیر سیاسی هم داشت. اما اگر فرآیند عمل سیاسی جشنواره فیلم کن در دوره‌های دورتر پوشیده‌تر اعمال می‌شد، چند سالی است که به‌شدت سطحی و شعارزده شده است. غلبه نگاه ایدئولوژیک و سیاست زده در جشنواره فیلم کن تنها به حواشی این جشنواره محدود نیست، بلکه در متن و محتوای فیلم‌هایی که به این جشنواره راه می‌یابند و همچنین جوایزی که تقسیم می‌شود هم زدوبندهای سیاسی آشکار است. در این گزارش، ۱۲ مصداق از رویکرد سیاسی و تبلیغاتی جشنواره کن، به‌طور خاص در مواجهه با ایران را مرور می‌کنیم.

۱ **نمایش و تقدیر از انیمیشن ضدایرانی «پرسپولیس»:** شصتمین دوره جشنواره فیلم کن در سال ۲۰۰۷ میلادی با اهدای جایزه ویژه هیئت داوران به پویانمایی ضدایرانی پرسپولیس به پایان رسید. این اقدام در حالی صورت گرفت که مدیریت سینمایی ایران با ارسال نامه‌ای به مسئولان فرهنگی فرانسه به نمایش این فیلم در کن اعتراض کرده بود.

۲ **حمایت از یک فیلم ضدایرانی در کن:** فیلم «کسی از گربه‌های ایرانی خبر نداره» سال ۲۰۰۹ در حالی از سوی کن برای شرکت در یکی از بخش‌های حاشیه‌ای آن برگزیده شده که شواهد نشان می‌داد گزینش این فیلم از سوی جشنواره فرانسوی کن بی‌ارتباط به سوابقه و موضع‌گیری حمایت‌آمیز قبادی کارگردان فیلم از «رکسانا صابری» نبود، که چندی قبل از آن به اتهام جاسوسی برای آمریکا در ایران محکوم شده بود. برخی از دولت‌ها و رسانه‌های صهیونیستی و غربی در آن مقطع در دفاع از فرد مذکور، جو سنگینی را علیه کشورمان به راه انداختند و قبادی هم در این میان، خود را دوست و نامزد او معرفی کرد و در مصاحبه با شبکه‌های خبری ضدانقلاب از وی حمایت کرد. نکته قابل توجه این است که نام این متهم به جاسوسی نیز در میان عوامل تولید فیلم انتخاب شده برای جشنواره کن، دیده می‌شود.

یک فعال سیاسی اپوزیسیون یا یک کارشناس سیاسی رسانه‌های ضدایرانی حرف زده و مظلوم‌تر از ایران نیافت! او صراحتاً ایران را کشوری «تلخ» معرفی کرد و گفت: «اگر فیلم [زن و بچه] تلخ است به این دلیل است که از کوزه همان برون تراود که در اوست؛ اگر جامعه شیرین باشد، من هم شیرین می‌سازم؛ وقتی شیرینی نمی‌بینم چی بسازم...» اما روستایی در اصل به ساز جشنواره کن و سیاستگذاران آن رقصیده است، اگر نه کیست که نداند، حداقل برای امثال روستایی، ایران غیر از شیرینی نبوده است، اما این کارگردان و همطیف‌های او، برای اینکه خودشان را برای ساحل‌نشینان جشنواره‌ای شیرین کنند، از مام و وطن‌شان به تلخی یاد می‌کنند! در هیچ جای دنیا و در همه عقاید و مکاتب فکری و نزد هر نژادی در عالم، بدگویی علیه وطن، به خصوص در حضور بیگانگان، یک رفتار کریه و نفرت‌انگیز است. به‌ویژه اینکه این بدگویی باهدف کسب منفعت و جایزه و تشویق انجام شود! اما چرا سعید روستایی و هم‌طیف‌های او برای رسیدن به جایزه و دیده شدن در جشنواره‌های غربی، تن به بدگویی علیه میهن‌شان می‌دهند؟

واقعیت این است که دولت‌های غربی به‌وسیله جوایز جشنواره‌های خود، نوعی مدیریت از راه دور را بر سینمای ایران اعمال می‌کنند. به این صورت که این جشنواره‌ها با انتخاب فیلم‌هایی با مضامین خاص و دادن جایزه به آنها، فیلمسازها

مرد بازنده

را به ساخت آثاری با همان مضامین تشویق و ترغیب می‌کنند. هنوز فراموش نکرده‌ایم که دست‌اندرکاران جشنواره کن، برای کارگردان فیلم «زیر نور ماه» شرط تعیین کردند که فقط در صورتی به این فیلم جایزه می‌دهند که سکانس مربوط به معرفی یک روحانی مسلمان شیعه در نقش منجی را حذف کند!

نکته مهم این است که در ادوار اخیر، جشنواره فیلم کن فقط به خود فیلم‌ها توجه نمی‌کند، بلکه سازندگان این فیلم‌ها نیز باید به‌عنوان یک عامل و بازیگر سیاسی (بخوانید تبلیغاتچی) در جهت اهداف غرب فعالیت کنند. هم از این‌رو است که «جعفر پناهی» فقط به ارانه فیلمی سراسر شعار و نمادهای گل‌درشت سیاسی بسنده نمی‌کند، بلکه خودش هم در این جشنواره، انگار که وسط یک تظاهرات سیاسی قرار گرفته، شعارها سر می‌دهد. این وضعیت درباره سعید روستایی هم صدق می‌کند. روستایی بعد از دو فیلم پراقیال «ابد و یک روز» و «متری شیش و نیم» از سوی برخی از اهالی سینما، منتقدان و جشنواره‌ها، با فیلم «برادران لایلا» دچار یک افت و شکست سنگین در مسیر سینمایی‌اش شد. طوری که علاوه بر اینکه امکان نمایش عمومی برای این فیلم فراهم نشد، انتقادات شدیدی را به‌دلیل فقر هنری و ضعف ساختاری علیه این فیلم برانگیخت. در ادامه این شکست چهارمین فیلم سعید روستایی یعنی «زن و بچه» نیز بر مدار برادران

۹ پرده از تبلیغات ضدایرانی در جشنواره کن

این یک تصادف ساده نیست!

مسابقه این جشنواره پذیرفته‌شد و جایزه نخل طلا را هم دریافت کرد. «اداپ‌گان: ماوریک» روایتگر یک عملیات تروریستی دولتی و تجاوز آشکار ارتش آمریکا در هزاران مایل دورتر از مرزهای خود به کشوری دیگر است که براساس نشانه‌های گوناگونی که در فیلم دیده می‌شود، حتی رسانه‌های زنجیره‌ای غربی هم آن را به ایران شبیه دانسته‌اند!

۵ **در هفتادمین دوره جشنواره کن، چند فیلم ضدایرانی در این جشنواره به نمایش درآمد.** از جمله این آثار، فیلم «لرد»، ساخته «محمد رسول اف» بود. این فیلم بنا به گفته تماشاگران ایرانی حاضر در جشنواره کن، بسیار ضعیف و فاقد ساختار هنری بود. تنها چیزی که موجب شد برگزارکنندگان جشنواره کن در آن دوره چنین اثری را بپذیرند، این است که به‌طور اغراق‌آمیزی شرایط کشور ایران را منفی و بد نمایش داده بود. همچنین یکی از محورهای اصلی این فیلم، حمایت از فرقه ضالّه بهائیت بود.

۶ **اهدای نخل طلا به فیلمی با موضوع عملیات تروریستی علیه ایران:** در هفتادوپنجمین جشنواره کن، فیلم «تاپ‌گان: ماوریک» که فیلمی هالیوودی است در بخش حضور فیلم ضدایرانی و ضداسلامی: در جشنواره کن ۲۰۲۴ چند فیلم از به اصطلاح سینمای زیرزمینی در ایران پذیرفته شد که در صدر آنها «دانه انجیر معابد» بود. این فیلم به کارگردانی محمد رسول اف، که فیلم ضعیف و روایتی چندپاره دارد، اما داستان آن در حال و هوای آشوب‌های سال ۱۴۰۱ اتفاق می‌افتد و غیر از اینکه فیلمی ضدایرانی و علیه نظام جمهوری اسلامی است، فیلمی ضداسلامی هم شناخته می‌شود که به‌طور نمادین و استعاری، علیه دین اسلام و مذهب تشیع، تصویرسازی کرده است.

۹ **اهدای جایزه نخل طلایی به یک فیلم ضدایرانی:** هفتاد و هشتمین جشنواره فیلم کن با حضور دو فیلم از فیلمسازان ایرانی برگزار شد. فیلم «تصادف ساده» به کارگردانی جعفر پناهی به بخش مسابقه آن جشنواره راه یافت و به‌رغم انتقادات منتقدان در ساختار ضعیفش، جایزه نخل طلایی را گرفت. «ژولیت بینوش» رئیس هیئت داوران کن ۲۰۲۵ به صراحت اذعان کرد که این جازه به‌خاطر اهداف سیاسی و وضعیت کارگردان این فیلم (جعفر پناهی) تعیین شد!

گفت‌وگو با مریم عرفانیان، نویسنده ادبیات پایداری و دفاع مقدس

الگو ساز برای دختران ایران

منصوره خداوردی

خبرنگار

ادبیات دفاع مقدس که امروز با عنوان کلی‌تر «ادبیات مقاومت» شناخته می‌شود، یکی از عرصه‌های پویا، زنده و پرتنوع در نظام فرهنگی ما محسوب می‌شود. در بین پرفروش‌ترین کتاب‌های یک ماه، یا یک سال، حتما عنوان آثار مرتبط با شهدا و دفاع مقدس هم دیده می‌شود. برخی از کتاب‌های منسوب به ادبیات مقاومت گاهی ده‌ها بار تجدید چاپ شده‌اند و مخاطبان عام و خاص دارند. با این‌حال، این عرصه هم مانند هر وادی دیگری نیازمند آسیب‌شناسی، به روزرسانی، مخاطب‌یابی و ترمیم است. برای پرداختن به این موضوعات، سراغ یک نویسنده زن که از قضا یکی از فعال‌ترین صاحبان قلم در حوزه ادبیات مقاومت است، رفتیم.

ناگفته پیداست که عرصه مقاومت به‌دلیل عجین شدن با رزم و فعالیت‌های نظامی، حوزه‌ای مردانه و سخت است. اما فرهنگی که از این حوزه تراویده و ظهور کرده (چه در گذشته و دوران دفاع مقدس و چه امروز در قالب جبهه مقاومت) بانوان را هم به خودش معطوف و درگیر کرده است. طوری‌که طی دو دهه‌اخیر، بخش قابل توجهی از کارهای انجام گرفته و آثار خلقی شده در حوزه فرهنگ و هنر مقاومت، توسط نویسندگان و هنرمندان زن اتفاق افتاده است. «مریم عرفانیان» هم یکی از بانوان فعال در حوزه ادبیات پایداری است که هم درباره شهدای دوران دفاع مقدس، هم شهدای مدافع حرم، بیش از ۶۰ عنوان کتاب نوشته است. وی روزنامه‌نگار هم هست و نوشته‌ها و داستان‌هایش در رسانه‌ها منتشر می‌شود. همچنین در زمینه پرورش نویسنده بسیار فعال است و در مشهد، شاگردانی زیر نظر وی مشق می‌کنند. خانم عرفانیان به‌تازگی نیز به‌منزله یکی از زنان تأثیرگذار در استان خراسان رضوی معرفی و تقدیر شد. ایام بزرگداشت مقاومت و پایداری، بهانه‌ای شد تا دیدگاه‌ها و تجربیات مریم عرفانیان درباره چالش‌ها و فرصت‌های ادبیات مقاومت در شرایط امروز را بشنویم.
ماحصل گفت‌وگوی ما با این بانوی نویسنده را می‌خوانید:

♦ خانم عرفانیان، به‌عنوان یکی از نویسندگان برجسته در حوزه ادبیات مقاومت و پایداری، امروز با توجه به تغییرات سریع جامعه و فضای جهانی، به‌نظر شما چه نیازهایی در حوزه ادبیات مقاومت احساس می‌شود؟

یکی از بزرگ‌ترین نیازهایی که امروز در عرصه ادبیات مقاومت به‌ویژه در دوران معاصر حس می‌شود، نگارش آثار واقعی و مستند از زندگی شهدای دفاع مقدس و مدافعان حرم است. اگر چه در سال‌های اخیر آثار بسیاری در این زمینه منتشر

شده، اما هنوز جای روایت‌های دقیق و مستند از شهادت‌ها و عملیات‌ها خالی است. نیاز داریم که این‌ روایت‌ها از زوایای گوناگون، ازجمله دیدگاه‌های همسران، مادران و حتی هم‌زمان شهدا، به‌طور کامل و جامع بیان شود. این نوع نگارش نه‌تنها سبب گسترش فرهنگ مقاومت می‌شود، بلکه موجب می‌شود تا جوانان بیشتر با شخصیت‌های ملی و دینی خود آشنا شوند و از آنان الهام بگیرند.

♦ شما همیشه تأکید می‌کنید که نویسنده باید با پژوهش و تحقیقات دقیق در زمینه‌های گوناگون قلم بزند. در همین راستا، چقدر این موضوع در ادبیات مقاومت مهم است؟

پژوهش در ادبیات مقاومت اهمیت ویژه‌ای دارد. این آثار نه‌تنها باید حقیقت‌گرا و دقیق باشند، بلکه باید به‌گونه‌ای نوشته شوند که روحیه مخاطب را برانگیزند و او را به فکر وادار کنند. برای نمونه، در نگارش کتاب «روزهای لاجوردی» با استفاده از بیش از ۳۰ مصاحبه و اسناد معتبر تلاش کردم تا ابعاد گوناگون زندگی شهید لاجوردی را بررسی کنم. اما این تحقیق تنها به‌معنی جمع‌آوری اطلاعات نبود؛ باید از نگاه‌هایی متفاوت و با دیدگاه‌های مختلف به این زندگی پرداخته می‌شد تا تصویر کاملی از آن در ذهن مخاطب شکل بگیرد.

♦ با توجه به بحران‌های گوناگونی که در منطقه و جهان امروز وجود دارد، فکر می‌کنید که ادبیات مقاومت باید چگونه به نیازهای امروز پاسخ دهد؟

ادبیات مقاومت باید به‌گونه‌ای باشد که هم درک امروزین از مشکلات را نشان دهد و هم یادآور



ارزش‌های از دست رفته‌مان باشد. این ادبیات باید به‌نوعی نگارش شود که توانایی ایجاد یک همدلی عمیق میان خواننده و شخصیت‌های داستان را داشته باشد. در دنیای امروز که فضای مجازی بخش عمده‌ای از وقت افراد را می‌گیرد، این کار نیاز به بهرم‌برداری از ابزارهای جدید دارد. برای نمونه می‌توانیم از رسانه‌های دیجیتال برای گسترش این مفاهیم استفاده کنیم و با ساخت محتوای جذاب، این روایت‌ها را به نسل جدید معرفی کنیم.

♦ اخیرا به‌عنوان یکی از زنان تأثیرگذار استان خراسان رضوی معرفی شده‌اید، همچنین یکی از موضوعات کلیدی که در آثار شما بارها مطرح شده، موضوع الگوسازی برای زنان است. در این زمینه، شما چه توصیه‌هایی به نویسندگان جوان دارید؟

الگوسازی برای زنان در جامعه امروز ضروری است. من همیشه در آشام تلاش کرده‌ام شخصیت‌هایی خلق کنم که از لحاظ اخلاقی و فرهنگی الگو باشند و از نظر اجتماعی هم تأثیرگذار باشند. برای نویسندگان جوان توصیه می‌کنم که به‌جای تمرکز صرف بر داستان‌های سطحی، به عمق شخصیت‌سازی و چگونگی تأثیرگذاری آنها در جامعه توجه کنند. شخصیت‌های قوی و تأثیرگذار می‌توانند در قالب‌های گوناگون ادبی به جامعه منتقل شوند و این مهم، به‌ویژه در موقعیت امروز که آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی زیاد است، می‌تواند نقشی سازنده داشته باشد.

♦ اشاره کردید که در زمان‌های متفاوت

به‌ویژه درمورد شهدای دفاع مقدس،

روایت‌ها همیشه در دسترس نیست و این موضوع به چالش تبدیل شده است. چطور می‌توان این چالش را برطرف کرد؟

یکی از چالش‌های اصلی این است که بسیاری از هم‌زمان شهدا دیگر در قید حیات نیستند و این مسئله کار تحقیقات را دشوار می‌کند. برای حل این مشکل، باید از ظرفیت‌های موجود به‌ویژه منابع مستند، خانواده‌ها، و هم‌زمان‌شهدا استفاده کنیم. این کار مستلزم ارتباط و مصاحبه‌های مکرر است. گاهی ممکن است سال‌ها طول بکشد تا یک کتاب کاملاً مستند درباره یک شهید به چاپ برسد، اما این روند برای نگارش اثری که حقیقت و عمق داستان را به‌خوبی منتقل کند، ضروری است.

♦ آیا فکر می‌کنید که در موقعیت فعلی، نویسندگان باید چه رویکردی در برابر فضای مجازی و تغییرات سریع آن اتخاذکنند؟

فضای مجازی به‌منزله یک ابزار قدرتمند، هم تهدید است و هم فرصت. نویسندگان باید از این فضا به‌درستی استفاده کنند. امروزه، بیشتر افراد از طریق فضای دیجیتال با دنیای کتاب و داستان آشنا می‌شوند. بنابراین باید در این فضا هم کتاب‌ها را معرفی کنیم و هم با تولید محتوایی که در ذهن مخاطب باقی بماند، داستان‌های مقاومت و ایثار را زنده نگه داریم. به همین دلیل، نویسندگان باید به تولید محتوای دیجیتال توجه کنند، به‌ویژه در زمینه‌هایی‌که با تاریخ، فرهنگ و هویت ملی مرتبط هستند. با این کار می‌توانیم فرهنگ کتابخوانی را حتی در فضای مجازی تقویت کنیم.

♦ به‌عنوان سؤال پایانی، آخرین کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات مقاومت نوشته‌اید و در دست نگارش دارید، کدام است؟

آخرین کتاب‌های من در حوزه ادبیات مقاومت عبارتند از: کتاب «پای درختان زیتون»، زندگینامه جانباز شهید مدافع حرم ابراهیم خلیلی، منتشر شده ازسوی انتشارات ۲۷ بعثت که سال ۱۴۰۳ نامزد کتاب سال دفاع مقدس شد و مورد تجلیل قرار گرفت. کتاب «عطر پیران تو» روایت همسر شهید سیدعلی زنجانی، شهید مدافع حرم با ملیت دوگانه ایرانی-لبنانی که در منطقه سراقب (ادلب) سوریه، در راه دفاع از حریم اهل بیت به شهادت رسید.

همچنین، در حال نگارش کتابی درباره زندگی شهید مقاومت دکتر «شاهد ور» هستم. ایشان نخبه ایرانی ساکن آمریکا بودند که با شروع حملات رژیم صهیونیستی، در قالب گروه‌های جهادی در بیروت، در یکی از موکب‌های ایرانی به فعالیت‌های انسان‌دوستانه مشغول شدند و دوم آذرماه سال ۱۴۰۳ در بمباران جنوب لبنان به شهادت رسیدند.

♦ موزه

گالری مقاومت

بخش تازه موزه ملی انقلاب و دفاع مقدس



گالری دیجیتال موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، راه‌اندازی شد. «سردار مهدی امیریان» در مراسم افتتاح این گالری گفت: «ایجاد گالری دیجیتال گامی مؤثر در مسیر روایتگری نوین و جهانی از تاریخ مقاومت ملت ایران است.» «حسن‌پور» معاون مهندسی و فناوری اطلاعات موزه، نیز گفت: «این گالری، با

۱۴ ویدیو پروژکتور حرفه‌ای، ۴ مدیا سرور، ۱۴ گیرنده و فرستنده تصویر، سیستم صوت هنری و وسامانه انتقال تصویر از طریق فیبر نوری و نرم‌افزار اختصاصی، بستری مدرن برای نمایش آثار هنری از سراسر ایران و جهان فراهم کرده است.»

♦ تلویزیون

حسینیه معلی

ویژه برنامه محرم رسانه ملی



در ترکیب فصل جدید برنامه «حسینیه معلی» که به‌مناسبت ایام محرم از تلویزیون پخش خواهد شد، چهره‌های شناخته‌شده‌ای از ذاکران اهل بیت(ع) حضور دارند. سعید حدادیان، نریمان پناهی، حسین سبب‌سرخی و حیدر البیاتی(ذاکر اهل بیت از کشور عراق) به‌عنوان اعضای میز داوران این برنامه انتخاب شده‌اند. همچنین برای نخستین بار، «سیدحسین آقامیری» به‌عنوان کارشناس مذهبی در این برنامه حضور خواهد یافت. مانند فصل گذشته، نجم‌الدین شریعتی اجرای این برنامه را برعهده خواهد داشت.

♦ یادداشت

تا کی می‌توان تنها ایستاد؟

مهدی امیدی

خبرنگار

تئاتر ایران در دهه‌های گذشته، فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته است. اما آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری به چشم می‌آید، انباشت بحران‌هایی است که نه‌از جنس خلافت‌هنرمندانه بلکه محصول تصمیمات اشتباه مدیریتی است. «ایوب آقاخانی» کارگردان و بازیگر باسابقه تئاتر و تلویزیون، در گفت‌وگویی صریح و بی‌پرده، پرده از عمق این آسیب‌ها برداشته است؛ سخنانی که انعکاس زخم‌های عمیق یک هنر شریف و مظلوم است.

آنچه امروز به‌وضوح قابل مشاهده است، گسست کامل میان نهادهای فرهنگی و بدنه واقعی تئاتر کشور است. ریل‌گذاری‌های غلط، بی‌توجهی مز‌من به نیازهای زیرساختی و حذف تدریجی حمایت‌های واقعی از تولید آثار نمایشی، تئاتر را به ورطه فلاکت کشانده‌اند. آقاخانی با صراحت اعلام می‌کند که مشکل از جایی آغاز شد که مدیران ناتوان، بی‌هویت و بی‌لیاقت، به‌جای تدبیر، تئاتر را رها کردند. نه‌تنها مسیر را اشتباه رفتند، بلکه وقتی از اشتباه بودن آن آگاه شدند، همچنان مصرا نه به حرکت در همان مسیر ادامه دادند.

در چنین موقعیتی، ورود سلب‌ریتی‌ها، اینفلوئنسرها، و افرادی خاراج از دایره حرفه‌ای تئاتر به صحنه، تنها یک علامت ظاهری از یک بیماری عمیق‌تر است. به‌گفته آقاخانی، این تقصیر آن چهره‌هایی که دعوت به بازی شده‌اند، نیست بلکه مسئولیت اصلی متوجه مدیرانی است که فضا را برای چنین ابتدالی مهیا کرده‌اند. این اتفاق، حاصل نبود حمایت واقعی و جایگزینی منطق گیشه‌محور به‌جای دغدغه‌های هنری است؛ جایی که هنرمند پیشکسوت، نه به‌خاطر شایستگی هنری، بلکه به‌خاطر بازگشت سرمایه به‌دنبال جذب چهره شناخته شده می‌شود.

اما این بحران تنها به عرصه اقتصاد یا چهره‌محوری محدود نمی‌شود. شاید عمیق‌ترین بحران امروز تئاتر، «تنهایی» آن باشد. هنری که در دهه هفتاد ساختار داشت، امید داشت و می‌توانست جوانان را جذب کند، امروز در انزوای کامل دست‌وپا می‌زند. دانشگاه‌ها دیگر موتور تولید نیروهای مشتاق نیستند، بلکه آینه‌ای از ناامیدی‌اند. نسلی که قرار بود فردای تئاتر را بسازد، حالا تنها به زنده ماندن فکر می‌کند، نه شکوفایی. و این ناامیدی، آن‌گونه که آقاخانی می‌گوید، از خشم هم سوزاننده‌تر است.

اگر در دهه هفتاد تئاتر معنا و آینده داشت، امروز حسی خاطره آن دوران هم در حال فراموشی است. مدیرانی که باید اصلاح‌گر باشند، ترجیح دادند سکوت کنند و رضایت مدیران بالادستی را به‌جای خواست جامعه هنری ترجیح دهند. تئاتر به حاشیه رانده شد، و برگزاری جشنواره‌ها و مراسم نمادین، نتوانست جای خالی حمایت عملی را پر کند. آقاخانی با صراحت ۹۰ درصد تقصیر وضعیت فعلی را متوجه سیاست‌گذاران فرهنگی می‌داند. او تأکید دارد که هنوز برای اصلاح دیر نشده، اما این اصلاح نیاز به درک عمیق ارزش تئاتر در جامعه‌ای متمدن دارد؛ فهمی که متأسفانه تاکنون در بدنه مدیریتی ما نهادینه نشده است.

در پایان باید گفت؛ تئاتر ایران هنوز زنده است، و این تنها به‌دلیل ایستادگی بدنه هنرمند آن است. اما تا کی می‌توان تنها ایستاد؟ آیا وقت آن نرسیده که به‌جای صرفاً برگزاری آیین‌ها و شعارهای تشریفاتی، نگاه ساختاری، عمیق و صادقانه‌ای به جایگاه این هنر انداخته شود؟ آینده تئاتر، بیش از هر چیز، در گرو بازگشت به مسیر خرده‌مندانه، شجاعانه و مسئولانه‌ای است که از دل آن، دوباره امید زاده شود.

سیل‌زدگان در اولویت

بسیج سازندگی و گروه‌های جهادی، امدادرسانی به سیل‌زدگان روستای «هزار دره» شهرستان سروستان را اولویت اصلی خود قرار دادند. «سرهنگ طحان» مسئول بسیج سازندگی استان فارس در همان ساعات ابتدایی با حضور در روستای هزار دره شهرستان سروستان ضمن کمک به خانواده‌ها برای بازسازی آسیب‌ها برنامهریزی و اقدام کردند.

خدمت به یاد شهید خدمت

با حضور بیش از ۳۰ دانشجوی جهادگر از قرارگاه جهادی انقلابیون، اردوی جهادی در عرصه‌های گوناگون در روستای «قلعه‌بیابان» بخش جنت شهرستان داراب، به نیابت از شهید خدمت، آیت‌الله‌سیدابراهیم رئیسی برگزار شد. محمدرضا غلامی، مدیر قرارگاه جهادی انقلابیون شهرستان داراب، اظهار داشت در عرصه عمرانی کارهایی کوچک، اما پراثر برای ارتقای کیفیت زندگی مردم انجام دادند.

آزادی زندانیان

مسئول گروه جهادی شهید ابراهیم هادی محله «حیدرآباد» البرز با اشاره به حضور همیشگی مردم در صحنه‌های خدمت رسانی، از آزادی زندانیان به‌دست مردم کم‌برخوردار محله حیدرآباد البرز خبرداد و اظهار داشت: «برای آزادی زندانیان نیازمند مبلغی پول داشتیم. همان شب بیش از ۲۰ میلیون تومان جمع‌آوری شد تا این عزیزان از زندان آزاد شوند. این اتفاق، گواهی بر بزرگ قلبی و ایثار مردم است.»

گفت‌وگوی صبح صادق با «سرهنگ غلامرضا ملک‌علی‌پور» رئیس کنگره ملی ۸۰۰۰ شهید استان گیلان درباره نمایش «ساعت به وقت بهشت»

روسیاهی دشمن با حضور مردم در بهشت



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه

نظر مردمی که برای تماشای نمایش میدانی و فرهنگی «ساعت به وقت بهشت» به پادگان حسین‌کوه فومن رفته بودند با آنچه مربوط به حواشی این نمایش بود، تفاوت داشت و این نمایش با بازسازی مفاهیم دینی و تاریخی در فضایی کاملاً تعاملی، تجربه‌ای متفاوت و تأثیرگذار را برای هزاران بازدیدکننده رقم زد. همین موضوع سبب شد تا برای درک بهتر این نمایش به گفت‌وگو با «سرهنگ غلامرضا ملک‌علی‌پور» رئیس کنگره ملی ۸۰۰۰ شهید استان گیلان به گفت‌وگو بنشینیم

چه ویژگی‌هایی موجب شد نمایشگاه و نمایش پادگان حسین‌کوه فومن از سایر شهرستان‌ها متمایز شود؟

برای برگزاری دومین کنگره ملی ۸۰۰۰ شهید استان گیلان، برنامه‌ریزی برای اجرای نمایشگاهی شاخص و فاخر در شهرستان فومن انجام شد. فرمانده سپاه فومن، با سابقه‌ای در خشان در حوزه هنر و رسانه و به‌منزله یکی از پاسداران هنرمند استان، سناریوهای متعددی را بررسی کرد. پس از ارزیابی روش‌های گوناگون، یک مدل متفاوت انتخاب شد که نمایشگاهی متمایز از سایر شهرستان‌ها و نمایشی با ویژگی‌های خاص ارائه کند.

در مرحله بعد، انتخاب مکان اجرا مطرح شد. با

توجه به استفاده از رزمایش و انفجار در نمایش، مکانی ایمن با کمترین آلودگی صوتی و روانی و بدون آسیب به مردم انتخاب شد. پیش‌بینی می‌شد هر شب ۳ تا ۴ هزار نفر در این رویداد حضور یابند. پس از بررسی مکان‌های پیشنهادی، پادگان حسین‌کوه فومن به‌دلیل دوری از شهر، ایمنی بالا، وسعت مناسب و امکان رفت‌وآمد آسان انتخاب شد. این مکان برای رزمندگان دفاع مقدس، دانش‌آموزان، دانشجویان و بسیجیان، به‌دلیل سابقه آموزشی و خاطره‌انگیز بودن، حس ویژه‌ای داشت.

هزینه‌های پیشنهادی اولیه برای برخی نهادها عادی بود، اما برای بسیج و سپاه مبلغی نجومی محسوب می‌شد. با مدیریت منابع موجود و استفاده از امکانات بلااستفاده مانند تیرهای برق شکسته یا چادرهای برزنتی، هزینه‌ها به‌شدت کاهش یافت. بخش عمده کار با تکیه بر سرمایه انسانی و تلاش جهادی انجام شد. فرمانده سپاه فومن، بسیجیان و هنرمندان طی ۳۰ روز با کار شبانه‌روزی، هزینه‌ها را به یک‌هشتم مبلغ پیشنهادی کاهش دادند، بدون اینکه کیفیتی فدا شود.

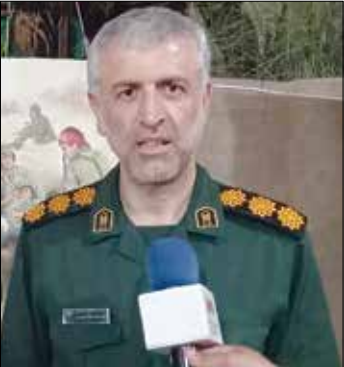
این پروژه تنها یک رویداد رزمی یا فرهنگی نبود، بلکه یک عملیات عمران فرهنگی بود. هدف، احیای ارزش‌های انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و فرهنگ بومی و ملی بود تا نشان دهد مردم همچنان به این ارزش‌ها پایبندند. در آستانه رونمایی، فرمانده سپاه فومن در یک نشست خبری چهارده و نیم دقیقه‌ای، نمایشگاه و نمایش را تبیین کرد. یک دقیقه از این زمان به ورودی نمایشگاه، یعنی مراحل هفتگانه جهنم، اختصاص یافت که موضوعی آشنا برای مردم ایران و حتی ادیان دیگر بود. این جلوه‌های عاشقی و نمایش میدانی در سایر شهرستان‌ها و در راستای دومین کنگره

ملی ۸۰۰۰ شهید استان گیلان نیز رقم خورده بود و تنها در فومن اتفاق نیفتاده بود.

واکنش مردم به بخش جهنم نمایشگاه چه بود و چگونه با تصورات رسانه‌ای تفاوت داشت؟

مردم ایران با مفهوم جهنم هفت‌گانه، که مبتنی بر آیات و روایات قرآنی است، آشنا هستند. این موضوع چیز جدیدی نبود و پیش‌تر در شهرهایی مانند شاهرود و کرج اجرا شده بود؛ بنابراین، نه جهنمی خلق شد و نه ایده‌ای نو مطرح شد. در نشست خبری، از چهارده و نیم دقیقه صحبت فرمانده سپاه فومن، سیزده و نیم دقیقه به موضوع بهشت، ورودی‌های نمایش، قله‌های حماسه و مقاومت مردم فومن در طول تاریخ، و فرهنگ انتظار اختصاص یافت. اما متأسفانه، رسانه‌ها با شیطنت، تنها یک دقیقه مربوط به جهنم را برجسته کردند و ارزش‌های مطرح‌شده را نادیده گرفتند.

چند روز مانده به اجرا، بحثی درباره تعطیلی برنامه به‌دلیل هجمه‌های رسانه‌ای دشمن مطرح شد. برخی موافق و برخی مخالف بودند. در نهایت تصمیم بر این شد که نمایشگاه و نمایش تعطیل نشود، اما اگر در شب‌های اول و دوم استقبال مردمی شکل نگرفت یا واکنش منفی نشان دادند، بخش نمایشگاه جهنم تعطیل شود و تمرکز بر نمایشگاه بهشت یا نمایش باشد. تجربه سایر شهرستان‌ها نشان می‌داد که شب اول معمولاً ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر حضور می‌یابند و در شب‌های بعد جمعیت به بیش از ۴۰۰۰ نفر می‌رسد. در فومن، برخلاف انتظار، شب اول حدود ۲۰۰۰ نفر شرکت کردند. رضایت و واکنش مثبت مردم، به‌ویژه جوانان، نشان‌دهنده موفقیت برنامه بود و هجمه‌های رسانه‌ای دشمن را بی‌اثر کرد.



شب دوم برای ارزیابی دقیق‌تر مینا قرار گرفت. با وجود افزایش تعداد صندلی‌ها به ۳۰۰۰، باز هم حدود ۱۰۰۰ نفر ایستاده نمایش را تماشا کردند. این استقبال تا ساعت ۱۰:۳۰ شب در هوای سرد منطقه ادامه یافت. در شب سوم، با افزودن ۱۰۰۰ صندلی دیگر، باز هم جمعیت سرپا بود، نشان‌دهنده همراهی مردم و تأثیر مثبت حرکت‌های رسانه‌ای به‌نفع جبهه انقلاب. در شب چهارم، با وجود بارندگی ۱۰ دقیقه‌ای در منطقه سرد حسین‌کوه، تنها حدود ۱۰ درصد جمعیت صحنه را ترک کردند. این استقامت مردم نشان داد که آنها به برنامه و خادمان خود علاقه‌مندند و کار با موفقیت ادامه یافت.

چه عواملی سبب شد چنین استقبال گسترده‌ای شکل بگیرد؟

بله! در ابتدا این را باید بگوییم که این رویداد در پادگانی خارج از شهر فومن، در فاصله ۱۰ کیلومتری، برگزار شد. استقبال مردمی از ۲۰۰۰ نفر در شب اول به حدود ۷۰۰۰ نفر در شب آخر رسید، نشان‌دهنده علاقه مردم

در مصاحبه با دبیر جشنواره فیلم مقاومت مطرح شد

روایت مقاومت پاسداران انقلاب اسلامی

نمی‌خورد، ذلیل نمی‌شود. فرهنگ مقاومت، فرهنگ بسط، ترویج و تعمیق این مفاهیم و معانی در پیکره روح یک ملت است. فرهنگ مقاومت، با روح انسان ارتباط می‌گیرد. این جسم مادی با عرض و طول محدود، به یک روح لایتناهی متکی است که تا عرش امتداد دارد و روح، چیزی است که ساحت هنر مقاومت به آن پیوند می‌خورد. این ارزش هنرمندان این عرصه را معین می‌کند.

با توجه به تضاد میان ادعاهای ظاهری قدرت‌های جهانی درباره دموکراسی و حقوق بشر و واقعیت‌های تلخی مانند رنج مردم فلسطین، چگونه می‌توان از هنر مقاومت برای به تصویر کشیدن این حقیقت‌های پنهان و بیدار کردن وجدان جهانی استفاده کرد؟

امروز شما صحنه جهان را می‌بینید، هجوم بی‌رحمانه همه شیاطین نماد و نشانه‌ای است از آنچه در دل آنها است وقتی که لباس‌های شیک می‌پوشند، کراوات می‌زنند، اکلن می‌زنند، اتوکشیده پیش شما ظاهر می‌شوند، از مفاهیم شیک سخن می‌گویند: «از دموکراسی، آزادی، حقوق بشر، رفاه، انسانیت و...» اما در عالم معنا کودکان این‌پناه را شبانه، به‌همراه مادرانشان (زیر آوارها) دفن می‌کنند. داستان آن پزشک فلسطینی را شنیده‌اید که وقتی از اتاق عمل به خانه برگشت، خانه‌ای در کار نبود و هفت تن از خانواده‌اش شهید شده بودند، یا آن برادر خردسال را دیدید که بر سر بدن نیمه‌جان خواهر کوچک‌ترش ایستاده بود و برای او شهادتین می‌خواند و جان دانش را تماشا می‌کرد. مقاومت، یعنی این. هنر مقاومت و سینمای مقاومت هم یعنی، کسی که بتواند اعماق احساس این پدر پزشک را مجسم کند. کار فیلم و سینمای مقاومت، تجسم بخشیدن به فضیلت‌هایی است که به‌خودی‌خود در عالم فیزیک قابل رؤیت نیستند، اما در حقیقت معنا، اصل وجود هستند. این یعنی، سینمای مقاومت.

در جشنواره امسال فیلم مقاومت چه کشورهایی حضور داشتند و چه تعداد فیلم به این جشنواره ارسال شد؟

در مجموع بیش از ۳۵۰۰ اثر در بخش فیلم در قالب‌های داستانی، مستند و انیمیشن از کشورهای گوناگونی چون تونس، آرژانتین، ایتالیا، روسیه، لبنان و عراق به دبیرخانه جشنواره ارسال شد. این آمار در مقایسه با دوره هفدهم بیش از سه برابر افزایش داشته که این امر نشان‌دهنده توجه جهانی به موضوع مقاومت است.



خالقان این حقیقت هستند. هنر والا و هنر متعالی، هنر متعهد و هنر برخاسته از قلب است که به روح انسان وسعت می‌دهد و ابعاد لایتناهی شخصیت انسان را می‌تواند توصیف کند. هنر مقاومت از این جنس است. هنری است که می‌خواهد از دفن ملت‌ها زیر آوار تهاجم فرهنگی دشمنان جلوگیری کند. این هنر افتخار، هنر جاودانگی، هنر بقا است. ما در میانه این میدان و در قلب این نبرد زندگی می‌کنیم. نبرد از نبرد سنگرها، به نبرد روایت‌ها تغییر مکان داده است. تهاجم در این عرصه از تهاجم عرصه سخت، خطرناک‌تر است. ما وقتی در میدانی جغرافیایی زیر آتش هستیم، آرام و مطمئن هستیم، دشمن را می‌بینیم، با او درگیریم؛ قاعده کار را هم می‌دانیم. اما وقتی در میدان غلبه روایت‌ها، تصاویر، اصوات و کلمات هستیم، کار بسیار دشوار می‌شود.

همان‌طور که اشاره کردید، نبرد امروز از سنگرهای فیزیکی به نبرد روایت‌ها و تصاویر تغییر کرده، نقش هنرمندان در این میدان چیست و چگونه می‌توانند از ابزارهایی مانند کلمات، تصاویر و روایت‌ها برای حفظ اصالت و کرامت ملت استفاده کنند؟

فرماندهان واقعی این جبهه، هنرمندان هستند. چون دشمن می‌خواهد با کلمات و اصوات، با تصاویر و با روایت‌ها ما را شکست بدهد. این شکست اگر اتفاق بیفتد، عدم تعادل بازگشت‌ناپذیر در شخصیت ما به‌وجود می‌آید و ما را واژگون می‌کند، دگرگون می‌کند، اصالت ما، کرامت ما و شرافت ما، همه را می‌گیرد. فرهنگ مقاومت، الهام‌بخش عزت است. «عزیز» کسی است که تحقیر نمی‌شود، نفوذ نمی‌پذیرد، شکست

اهمیت هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، که هم‌زمان با سالروز آزادسازی خرمشهر در تالار وحدت تهران برگزار شد، برای سپاه به اندازه‌ای بود که «سرلشکر حسین سلامی» فرمانده کل سپاه و دیگر فرماندهان سپاه در این مراسم حضور پیدا کردند. جشنواره فیلم مقاومت در این سال‌ها بستری را برای ترویج گفتمان مقاومت و پاسداشت ارزش‌های دفاع مقدس فراهم کرده است. سپاه، به‌عنوان یکی از حامیان اصلی این جشنواره، از آن به‌منزله ابزاری برای تقویت هویت ملی و نمایش دستاوردهای مقاومت بهره می‌برد. سرلشکر سلامی در مراسم اختتامیه تأکید کرد که هنرمندان با فعال‌سازی قلب انسان‌ها، اعتبار و هویت ملت را می‌سازند. امسال این جشنواره با دریافت بیش از ۳۵۰۰ اثر از ایران و کشورهای دیگر مانند تونس و آرژانتین، نقش مهمی در جهانی‌سازی پیام مقاومت و مقابله با استکبار ایفا کرد. از همین‌رو و با توجه به اینکه این جشنواره از دل سپاه و بسیج متولد شده است، بر این شدم تا با «جلال غفاری قدیر» دبیر جشنواره فیلم مقاومت به گفت‌وگو بپردازیم.

به نظر شما چگونه هنر می‌تواند به اعماق قلب انسان نفوذ کند و حقایقی را که با چشم و گوش ظاهری قابل درک نیستند، به تصویر بکشد؟ آیا نمونه‌ای از چنین تأثیری در آثار خود یا دیگران تجربه کرده‌اید؟

رسالت اصلی «هنر» فعال‌سازی «قلب انسان» است. هنر با قلب سروکار دارد و هنرمندان، انسان‌هایی هستند که با قلب خود به اعماق انسان‌های دیگر سفر می‌کنند و حقایقی را بازتاب می‌دهند که ما نمی‌توانیم با چشمان و گوش‌های ظاهری‌مان ببینیم و بشنویم. از طرفی هم در دنیای امروز رقابت بر سر تسخیر ذهن‌ها و قلب‌ها است. بنابراین هنرمندان را می‌توان سازندگان هویت حقیقی یک ملت دانست به‌ویژه هنگامی که در فضای مقاومت تلاش می‌کنند، زیرا مقاومت یک جغرافیای متفاوتی دارد، فراتر و متفاوت از مرزهای رسمی جغرافیایی یک کشور که هویت‌های سیاسی را مشخص می‌کند.

با توجه به نقش هنرمندان در ساخت هویت حقیقی یک ملت، به‌ویژه در فضای مقاومت، چگونه می‌توان از هنر برای تقویت هویت ملی و مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی بیگانه استفاده کرد؟

دشمنان تفکر مقاومت می‌گویند ما می‌خواهیم کاری کنیم که حرکات فیزیکی ملت‌ها، تابع فعل‌وانفعالات ذهنی آنها نباشد؛ این

نماینده ولی فقیه در سپاه عنوان کرد

اساتید بسیجی پرچم‌داران گفتمان مقاومت



نماینده ولی فقیه در سپاه افزود: «وظیفه اساتید و نخبگان دینی و فرهنگی، شناسایی این تهدیدات و ارائه نسخه‌های علاج برای مقابله با آن است. امروز اساتید بسیجی باید بی‌هراس و با جهاد علمی و فرهنگی در میدان باشند.»

حجت‌الاسلام حاجی صادقی در تشریح سه مأموریت کلیدی اساتید بسیجی خاطر نشان کرد: «پرچمداری و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی؛ شناخت آسیب‌ها و تهدیدهای فرهنگی، فکری و اجتماعی و ارائه راهکارهای علمی و دینی؛ حضور فعال و مؤثر در میدان عمل و جهاد بدون ترس از هجمه‌ها و سرزنش‌ها.»

الگوی عملی و فراگیر دانست که باید در همه سطوح جامعه نهادینه شود.

حجت‌الاسلام حاجی صادقی تأکید کرد: «گفتمان مقاومت، برگرفته از آموزه‌های قرآنی، سنت انبیا و اهل بیت(ع) و تجربه تاریخی ملت‌ها، تنها راه تضمین عزت، استقلال و پیروزی ملت‌ها در برابر سلطه‌گری است.»

وی دشمن را در حال اجرای پروژه‌ای خطرناک برای تغییر ذائقه فرهنگی، هویت‌زدایی از انقلاب و استحاله درونی دانست و گفت: «دشمن به دنبال تغییر نمادها، ایجاد اسلام‌های بدلی، و کاهش اقتدار معنوی و سیاسی ماست.»

حجت‌الاسلام والمسلمین «عبدالله حاجی صادقی» نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دوازدهمین اجلاس سراسری مسئولین کانون‌های بسیج اساتید دانشگاه آزاد با محوریت دانشگاهیان، مشارکت در سرمایه‌گذاری، موانع و راهکارها که در مشاهد در حال برگزاری است، بر اهمیت گفتمان مقاومت به‌منزله اصلی‌ترین راهکار مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی تأکید کرد و اظهار داشت: «امروز اساتید بسیجی، پرچم‌داران تبیین این گفتمان حیاتی هستند.»

نماینده ولی فقیه در سپاه در توضیح ضرورت تبیین گفتمان مقاومت، آن را بیش از یک شعار، یک

رزمایش مشترک ایران با آذربایجان



به‌ویژه عملیات «هلی‌برن» به پایان رسید. «سرهنگ پاسدار سیدهادی موسوی» فرمانده تیپ نیروی مخصوص میرزا کوچک‌خان نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در خصوص ویژگی‌های این رزمایش گفت: «تیپ میرزا کوچک‌خان برابر با ابلاغ فرمانده نیروی زمینی سپاه از مرز زمینی ییلمسوار به منطقه رزمایش اعزام شد.»

وی افزود: «در این رزمایش با هماهنگی‌های صورت گرفته بین دو کشور، برنامه‌هایی برای اجرا پیش‌بینی شده بود که همگی آنها با موفقیت

رزمایش مشترک نیروهای ویژه سپاه ایران و ارتش آذربایجان با نام «ارس ۲۰۲۵» در منطقه آزاد شده قره‌باغ در منطقه هادرود برگزار شد. یک گردان از تیپ نیروی مخصوص میرزا کوچک‌خان در این رزمایش حاضر بود که از یگان‌های قدرتمند نیروی زمینی سپاه است که پیش از این نیز در رزمایش‌های بزرگ و همچنین صحنه‌های واقعی نبرد، عملکردی موفق از خود به نمایش گذاشته است.

در این رزمایش نیروهای دو کشور در ابتدا از مقابل جایگاه فرماندهان و مقامات نظامی رژه رفتند و فرماندهان نیز از آنها سان دیدند، همچنین در ادامه نیز بازی جنگ و عملیات ترکیبی را در منطقه قره‌باغ با موفقیت اجرایی کردند. عملیات تهاجمی برای تصرف ارتفاعات هدف و عملیات تعقیب و انهدام گروه‌های مسلح سازمان‌یافته غیرقانونی نیز از دیگر مراحل این رزمایش بود که با موفقیت عملیاتی شد، به‌گونه‌ای که با لگدهای هجومی ارتش آذربایجان، نقش مؤثری در این عملیات ایفا کردند. اجرای عملیات ازسوی نیروهای مکانیزه، هوابرد و پیاده و همچنین تمرینات به‌صورت صامت و باهدف افزایش دقت در هماهنگی بین یگان‌های عمل‌کننده اجرایی شد و سطح بالای هماهنگی و آمادگی رزمی را به نمایش گذاشت. در نهایت این رزمایش ۶ روزه با بهره‌گیری از پهپادهای انتحاری، تک تیراندازهای ویژه و همچنین نفربرهای رزمی و نیروهای واکنش سریع برای تصرف و تأمین اهداف فرضی

انهدام یک تیم تروریستی توسط سپاه

روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه اعلام کرد که در ادامه رزمایش عملیاتی شهدای امنیت، یک تیم پنج نفره در «آسیج سروان» منهدم شد. در این عملیات که با مشارکت رزمندگان قرارگاه قدس و سربازان گمنام امام‌زمان (عج) انجام شد، یک نفر از اعضای گروهک به هلاکت رسید و چهار نفر دیگر دستگیر شدند.

اعضای دستگیر شده اعتراف کردند که عامل شهادت «شهید شهرکی و همسرش» در سروان و شهادت ۲ نفر از بسیجیان طرح امنیت قرارگاه شهید سجاد بوده‌اند.

اعضای این تیم همچنین در حال تدارک برای اجرای یک عملیات تروریستی بوده و در چندین عملیات تروریستی از جمله به شهادت رساندن چند تن از رزمندگان اسلام در منطقه سروان نقش داشتند.

شهید مدافع امنیت «علیرضا شهرکی» رئیس پلیس آگاهی شهرستان سروان مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۰ به‌همراه همسرش و با خودرو شخصی در حال تردد بودند که ازسوی اشرا مسلح مورد اصابت گلوله‌های پیاپی قرار گرفته و به شهادت رسیدند.

حضور افتخار آمیز در مالزی

«هفدهمین نمایشگاه بین‌المللی دریانوردی و هوافضای مالزی» موسوم به LIMA ۲۰۲۵ با فعالیت ۴۳۴ غرفه محلی و ۴۲۶ غرفه بین‌المللی و با حضور جمهوری اسلامی ایران برای مدت پنج روز در جزیره «لنکاو» در شمال مالزی برگزار شد. بیش از ۳۵۰ هزار نفر از جمله ۱۴۰ هیئت رسمی از ۴۶ کشور از این نمایشگاه بازدید کردند. تجهیزات هوایی و دریایی کشورمان از جمله انواع سامانه‌های موشکی، ضد موشکی، پدافندی، تجهیزات راداری، دریایی، ناوهای جنگی، زیردریایی، بمب‌های هوشمند و هدایت‌شونده در این نمایشگاه عرضه شده‌اند که مورد استقبال بسیار بازدیدکنندگان قرار گرفته است. مقامات دولتی و نظامی مالزیایی از جمله «خالد نوردین» وزیر دفاع، «محمد سبو» وزیر کشاورزی (وزیر اسبق دفاع) و «عدلی زهاری» معاون وزیر دفاع از پلویون کشورمان در این نمایشگاه بازدید کردند. «علی اصغر محمدی» سفیر کشورمان در مالزی در حاشیه این نمایشگاه با معاون وزیر دفاع مالزی نیز دیدار و درباره راه‌های توسعه همکاری‌های دفاعی دو جانبه گفت‌وگو کرد. سفیر کشورمان برگزاری موفق نمایشگاه را به مقام مالزیایی تبریک گفت و اظهار داشت: «با توجه به ظرفیت‌های موجود در دو کشور زمینه توسعه همکاری‌ها فراهم است.»

اخبار

ما می‌توانیم

مرکز تخصصی شناوری شهید محلاتی با حضور فعال در نمایشگاه «دستاوردهای جشنواره نشان اقتصاد مقاومتی» کشور، مورد بازدید مقامات کشوری و مردم قرار گرفتند و با تأکید بر شعار «ما می‌توانیم»، پیشرفت انقلاب اسلامی و تلاش جوانان ایرانی را به نمایش گذاشتند. این غرفه مرکز تخصصی شناوری شهید محلاتی در نمایشگاه جشنواره نشان اقتصادمقاومتی از تحقق منویات رهبر معظم انقلاب در زمینه امیدآفرینی و پیشرفت کشور به همت جوانان ایرانی بود که نشان‌دهنده عزم جدی برای توسعه و خودکفایی در عرصه‌های صنعتی و دفاعی کشور است که با استقبال گسترده مقامات کشوری و بازدیدکنندگان مردمی روبه‌رو شد.

اخبار

تقدیر از مرزداران

همایش بزرگ «تجدید بیعت با آرمان‌های والای انقلاب اسلامی» با حضور سران عشایر و بزرگان طوایف، معتمدین و متنفذین محلی، فرماندهان ناوگروه‌های بسیج دریایی و جمعی از فرماندهان منطقه سوم برگزار شد. دریادار «پاسدار مهدی هاشمی» فرمانده منطقه سوم اظهار داشت: «عشایر غیور و طوایف محلی، مرزداران بی‌ادعای ما خاکریز اول و خط مقدم جهاد در راه خدا و حراست و حفاظت از ناموس و آب و خاک این مملکت هستند و تاریخ هرگز رشادت‌های ایشان در همراهی و همدوشی با رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس را فراموش نخواهد کرد.»

اخبار

تعامل با دانشگاه

سردار «محمد مهدی فرحی» معاون امور صنعتی و تحقیقاتی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اظهار داشت: «در سالیان متمادی تحول در صنعت دفاعی در طی ۴۰ سال گذشته مسیر بلوغ خوبی را طی کردیم و یکی از مؤلفه‌هایی که در راستای این مسیر بود، ارتباط ساختار یافته و سیستم‌یافته میان صنایع دفاعی و دانشگاه‌ها بوده است؛ امسال برای پررنگ‌تر کردن این ارتباط با بیش از ۱۷۰ دانشگاه تفاهم‌نامه و قراردادهای و تراکشرهای بسیار جدی منعقد کرده‌ایم. سال گذشته یک همت برای ارتباط صنعت و دانشگاه هزینه کردیم و امسال بودجه ۳ همتی برای این تعامل تخصیص داده‌ایم.»

پذیرش دانشجو در دانشکده شهید محلاتی (ره)

با ضوابط و مقررات سپاه و نیروهای مسلح بهره‌مند خواهند شد. دانشجویانی که دوره تحصیلی را، برابر با ضوابط گزینش سپاه؛ با موفقیت سپری کنند به عضویت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درمی‌آیند. طول مدت تحصیل مقطع کارشناسی در این دانشکده همانند دیگر دانشگاه‌های دولتی است.

رابطین و عضوایان محترم می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی دانشکده به نشانی www.smc.ac.ir یا کانال اپتا مراجعه‌کنند.

داوطلبان ۱۵ تمام است. زمان شروع ثبت‌نام خرداد سال ۱۴۰۴ بوده و مدت زمان ثبت‌نام ۱ ماه است. دانشجوین پس از گذراندن سیر مراحل گزینش (مصاحبه، تحقیقات و معاینات پزشکی) و دوره آموزش نظامی (حدوداً ۱ ماه)، با عضویت افسر محصل بورسیه مشغول به تحصیل شده و در طول مدت تحصیل علاوه بر دریافت حقوق آموزشی از سپاه، از امکانات و خدمات فرهنگی، ورزشی و رفاهی (کمک هزینه تحصیلی، دفترچه بیمه خدمات درمانی نیروهای مسلح، خوابگاه مجردی، تغذیه و...) همزمان با شروع آموزش نظامی، مطابق

مرکز آموزش عالی تربیت مربی عقیدتی – سیاسی شهید محلاتی (ره) از میان بسیجیان حزب‌اللهی در مقطع کارشناسی پیوسته در رشته‌های تربیت مروج سیاسی، مربیگری عقیدتی و مدیریت فرهنگی هنری از طریق آزمون سراسری و اختصاصی (زمان برگزاری آزمون اختصاصی ۱۴۰۴/۵/۰۳) از بین رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی، ریاضی فیزیک، علوم و معارف اسلامی دانشجو جذب می‌کند.

حداکثر سن داوطلبان ۲۰ سال تمام بوده و حداقل معدل کل دیپلم

۱۵

پاسدار

شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

صداقی

روی خط

دزفول شهر ایستادگی

۰۹۱۲۰۰۰۶۵۳۳/ برخی از تحلیلگران می‌گویند که حرف‌های «ویتسکاف» در اتاق مذاکره را جلدی نگیرید چون در رسانه‌ها چیز دیگری می‌گوید، از طرفی «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه می‌گوید اصل حرف‌ها پشت میز مذاکره است. خواهشا بین این دو دیدگاه را به‌صورت تحلیلی در هفته‌نامه کار کنید.

۰۹۳۶۰۰۰۷۷۶۲/ متأسفانه می‌خواهند چنین القاء کنند که انرژی هسته‌ای هیچ آورده صنعتی برای کشور ندارد پس باید جمع شود، در حالی‌که انرژی هسته‌ای برای امروز ما اقتدار و نشانه پیشرفت است و برای آینده نزدیک پیشرفت‌های چشمگیر صنعتی! این را همه باید توجه داشته باشیم.

۰۹۱۴۰۰۰۶۵۱/ قیمت بعضی از اجناس سر به فلک کشیده است، انگار دیگر نظارتی بر محصولات و قیمت‌ها نیست! مردم کارگر و کارمند نقطه‌سیبل این گرانی‌ها هستند. خواهشاً صدای ما را به گوش مسئولان برسانید.

۰۹۱۷۰۰۰۴۴۳۱/ رهبر معظم انقلاب تأکید کردند که در چند بعد کار کنید تنها به مذاکره اکتفا نکنید! مسئولان عزیز و خدوم همه نگاه‌ها را به‌سمت مذاکره نکنانید با این کار تان بازار را مختل کرده‌اید. مواظب باشید در تله دشمن گیر نیفتید و سر تان کلاه نرود.

۰۹۱۵۰۰۰۵۱۵۲/ در این روزهای ذی‌الحجه که ماه فضیلت‌های امام علی(ع) است، لازم است عیدغدیر و فضیلت این روز را به مردم جهان بیش از پیش بشناسانیم و امام علی(ع) وار به فقرا و مستمندان رسیدگی کنیم. یا علی

۰۹۱۶۰۰۰۸۴۶۵/ دزفولی‌ها می‌دانند وقتی می‌گویند پایداری و مقاومت، یعنی چه! این پایداری و مقاومت امروز باید در نقطه نقطه کشور حفظ شود و مطمئناً در آینده نزدیک شیرینی این پایداری را خواهیم چشید. این وعده الهی است و ما در دوران هشت سال دفاع مقدس محقق شدن این وعده را به عینه دیدیم.

۰۹۱۸۰۰۰۹۲۹۹/ شهادت امام باقر(ع) را به تمام شیعیان جهان تسلیت می‌گویم. برای شادی شهدا صلوات.

۰۹۱۹۰۰۰۶۴۴۶/ جرابعضی از این نشریه‌های داخلی در زمین دشمن بازی می‌کنند. طوری تیتیر می‌زنند که انگار یک نفر از دفتر ترامپ آمده سر میز نشست و این تیتیر را زده است! برادران ما همه در یک کشتی هستیم در زمین دشمن بازی نکنید.

۰۹۲۱۰۰۰۸۷۴۸/ پروژه «ساعت به وقت بهشت» رشت بازخورد خوبی داشته است به این سیاه‌بازی رسانه‌های خارجی توجه نکنید. معلوم بود صدای این شیاطین بلند می‌شود چون استقبال این تعداد دهه هشتادی هیچ‌وقت به مذاق شیاطین رسانه‌ای غربی و غرب‌گدایان خوش نمی‌آید.

۰۹۳۷۰۰۰۱۸۲۲/ الحمدلله رأی‌هایی که به آقای قالیباف داده شد، نشان داد که در مجلس اتحاد وجود دارد. امیدواریم شیرینی این اتحاد را در عملکرد خوب مجلس شاهد باشیم. حالا که یک نفر با رأی بالا انتخاب شده است، خواهشاً دعوای سیاسی و جناحی را کنار بگذارید و برای مردم کار کنید! آنجا خانه ملت است نه خانه خودتان.

۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳
سامانه پیامکی هفته‌نامه صبح صادق
۰۲۱۷۷۴۶۱۰۰
هفته‌نامه صبح صادق

صداقت

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول:یدالله‌جوانی

سردبیر:علی حیدری

شورای‌سیاست‌گذاری:

سیامک‌باقری،سعدالله‌زارعی،

عزیز‌غضنفری،فرهاد‌مهروی،مه‌دی‌سعیدی،

فتح‌الله‌پرشان،علی‌قاسمی،حسین‌عبداللهی‌فر

دبیر‌تحریریه:سیدفخرالدین‌موسوی

مدیر‌فنی: محمد‌صالح‌نادری

نگارش‌و‌ویرایش: محبوبه‌حاجی‌آقایی

صفحه‌آرا:علی‌اکبر‌هدایتی

عکاس: حامد‌گودرزی

ناظر‌چاپ:سعيدقاسمی

چاپ: مرکز چاپ‌سپاه:۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن:۰۱۱۰و۰۱۰۰۷۷۴۶۰(۰۲۱)

basirat.ir

@ssweekly

نمابر:۷۷۴۸۸۴۲۶

سامانه پیامک:۰۲۳.۳۰۰۰۹۹۰

شماره ۱۱۹۰ | دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۴

کتابیه

بوی پدر

هنوز این کوچه‌ها این کوچه‌ها بوی پدر دارد

نگاه روشن ما ریشه در باغ سحر دارد

هنوز ای مهربان! در ماتمت هر تار جان من

نیستان در نیستان، زخمه‌های شعله‌ور دارد

نمی‌گویم تو پایان بهاری؛ بعد تو اما

بهار عیش ما لبخند از خون جگر دارد

اگر خورشید رفت، این آسمان خورشید می‌زاید

اگر خورشید رفت، این آسمان قرص قمر دارد

در این بازار، عاشق‌تر کسی کز خود نمی‌گوید

همیشه مرد کم‌گو دردهای بیشتر دارد

مخواه از ناب‌درها که یار و مونس باشند

عزیز مصر بودن، یوسف من! در‌درسر دارد

دو روزی مهربان! غربت ما را تحمل کن

می‌آید آن که از درد تمام ما خبر دارد

علیرضاقره

حسن ختام

آن مرد خدا

محبوب من! برای مردم ایران، چهاردهم

خرداد فقط یک روز از تقویم نیست!

بلکه تمام روزهای سال است چرا که

ما در این روز کسی را از دست دادیم

که انتظار حقیقی را به تاریخ درس داد.

او که با نفس‌های گرمش، نام تو را در

جان‌هایمان کاشت و راه انتظار را به ما

آموخت. پس جا دارد که قلب‌مان در

این غم سنگین، به‌سوی تو پر بکشد، با

صاحب‌زمان(عج).

مولا جان! آن مرد خدا، به ما یاد داد

که چگونه در هر نفس، نام تو را زمزمه

کنیم و در انتظار آمدنت، قلب‌هایمان

را از عشق و امید لبریز کنیم. در این

روزهای غم‌بار که یساذ آن مرد خدا در

سینه‌ام زنده است؛ با هر ضربان قلبم،

تو را می‌جویم، این درسی است که

امام(ره) به ما یاد داد.

مولا جان! تو که جان عالمی، بیا و

این دل‌های شکسته را آرامش ببخش.

در این روزها که یاد امام خمینی(ره)،

اشک در چشمانم می‌آورد، تنها به تو

پناه می‌برم. او ما را به عشق تو پیوند

داد و من امروز، در ایسن لحظه‌های

غم و انتظار، دست به‌سوی تو دراز

می‌کنم. بیا، ای امید دل‌ها، که جهان

در انتظار طلوع توست و قلب من، با

یاد تو، همچنان در سوز‌و‌گداز عشق

می‌تپد.

صبحانه

دقیق و با سلیقه

فرقی نمی‌کند کارتان چیست؟ این شما هستید که موفقیت‌ها را معنا می‌بخشید حتی اگر کارتان جارو کردن خیابان است باید چنان دقیق و با سلیقه این کارتان را انجام دهید که هر کس از آن خیابان عبور کرد بداند این کار شما بوده است.

منبر

حب امرِ تکلیفی نیست!

گفتاری از حجت‌الاسلام حامد کاشانی

می‌بیند، وقتی این‌طور باشد، خیلی طبیعی است که جمال بیشتر و تفوق بالاتر، حتما سبب رها کردن این شخص و به‌سراغ آن شخص رفتن، خواهد شد. این امر کاملاً طبیعی است، اصلاً نباید غیر از این باشد، مگر اینکه یک موضوع دیگری درمیان باشد. بنابراین یکی از کارهایی که اهل‌بیت(ع) خیلی انجام داده‌اند، این بود که امیرالمؤمنین(ع) را مدح کرده‌اند، مدح امیرالمؤمنین(ع) یعنی بیان جمال و تفوق او؛ اگر کسی این جمال و تفوق را بباید، او را دوست می‌دارد و چون مانند و رقیب ندارد و محدود به زمان و مکان و مرزی هم نیست، محدود به دنیا و برزخ نیست، هیچ کسی سکه طلایی که در دست دارد را با سکه نقره عوض نمی‌کند، چون می‌داند طلا بر نقره تفوق دارد، مگر با یک سکه با ارزش‌تری عوض کند. اینکه ما در روایات این همه مدح اهل‌بیت(ع) داریم و این‌قدر ما را به گفتن توصیه کرده‌اند، «مَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةَ مَنْ فَضَائِلِهِ مُقَرَّأً بِهَا؛» کسی‌که فضیلتی از فضائل او را بیان کند، در حالی‌که خودش باور دارد، «غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛» خدا گناهان گذشته او را می‌آمرزد و هم بعضی از آن گناهان گذشته که پیامد و امتداد دارد، از آن پیامدها و امتدادها نیز می‌گذرد، «وَلَوْ وَاقَى الْقِيَامَةَ بِذُنُوبِ الْآثَلَيْنِ؛»



آیه

ارزشمندی جهادگران راه خدا

سید مجتبی آتشی

کارشناس علوم دینی

«ارزش‌گذاری» فرآیندی است که طی آن انسان‌ها، پدیده‌ها، رفتارها یا اندیشه‌ها را با معیارهایی خاص مورد ارزیابی قرار می‌دهند و برای آنها درجه‌ای از اهمیت، فضیلت یا حقانیت قائل می‌شوند. این معیارها ممکن است از فرهنگ، عرف، عقل یا دین برگرفته شوند. در جهان‌بینی دینی، به‌ویژه در قرآن کریم، ارزش‌گذاری‌ها بر اساس معیارهای الهی، هدف خلقت، کمال انسان، و مسیر قرب به خداوند انجام می‌شود. در نگاه قرآنی، ارزش هر چیز به میزان انطباق آن با خواست و رضای خداوند بازمی‌گردد. بنابراین، ارزش‌گذاری در قرآن، گاهی معنوی و توحیدی دارد که تفاوتی اساسی با نگاه‌های مادی‌گرایانه و سودمحور دارد. قرآن کریم در آیات متعدد به انسان گوش‌زد می‌کند که چه چیزهایی نزد خداوند ارزشمند است و چه چیزهایی بی‌ارزش یا حتی زیان‌بار؛ این معیارها گاه در قالب فضایل اخلاقی چون ایمان، تقوا، صداقت، صبر، توکل، احسان، علم و عمل صالح معرفی می‌شوند و گاه در قالب هشدار نسبت به ضدا ارزش‌هایی چون کفر، ظلم، نفاق، فساد، تکبر، دنیاپرستی و غرور؛ از این‌رو، قرآن نه‌تنها به تبیین ارزش‌ها می‌پردازد، بلکه انسان را به تفکر در مورد حقیقت ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها فرا می‌خواند. در قرآن، «تقوا» از جایگاهی بسیار والا برخوردار است و معیار اصلی برتری انسان‌ها بر یکدیگر شمرده می‌شود: «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ؛» بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترین شماست. (حجرات/۱۳) این آیه آشکارا معیار ارزش‌گذاری الهی را از سطح نژاد، قوم، زبان، ثروت و ظاهر به عمق شخصیت معنوی انسان می‌برد. در نظام ارزشی قرآن، آنچه انسان را شریف و والا می‌کند، نه وابستگی‌های ظاهری بلکه اتصال او به خدا از راه پرهیزگاری و پاکی درون است. همچنین، در سوره بقره، پس از ذکر ماجرای تغییر قبله، خداوند می‌فرماید: «و بدين سنان، شما را امت میانه قرار دادیم تا گواه بر مردم باشید.»(بقره/۱۴۳) این «امت میانه» بودن، خود ارزش و شانی است که با اعتدال، عدالت و بصیرت حاصل می‌شود. قرآن با این تعبیر، یک معیار دیگر برای ارزیابی شخصیت جمعی انسان‌ها ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که جامعه‌ای متعادل، حقیقت‌طلب و عادل، در نزد خداوند ارزشمند است. در حوزه عمل، قرآن بارها تأکید می‌کند که عمل نیک، معیار پذیرش و نزدیکی به خداوند است، نه صرف ادعا یا ظواهر: «پس کسی که امید دیدار پروردگارش را دارد، باید عمل صالح انجام دهد.»(کهف/۱۱۰) از این منظر، ایمان بدون عمل و سخن بدون صداقت، فاقد ارزش واقعی است. در نتیجه، قرآن ارزش‌گذاری رفتار انسان را به باطن نیت و صدق عمل او گره می‌زند، نه‌تنها نمود ظاهری یا تأیید اجتماعی. در نظام ارزشی قرآن، علم نیز جایگاه خاصی دارد. در آیات متعدد، علم و آگاهی مایه‌رفعت انسان دانسته شده است: «خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و آنان را که علم یافته‌اند، درجاتی بسالا می‌برد.»(مجادله/۱۱) یکی دیگر از معیارهای ارزش‌گذاری در قرآن، ایستادگی در برابر ظلم و یاری مظلومان است. قرآن در سوره نساء می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» (نساء/۷۵)، چرا در راه خدا و از راهی! مستضعفان نمی‌جنگید؟ این آیه نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی در برابر ظلم، نه‌تنها بی‌ارزش، بلکه نکوهیده است و ارزش حقیقی از آن کسانی است که در راه عدالت و نجات محرومان تلاش می‌کنند. چنین روحیه‌ای نشانه ایمان زنده و تعهد به ارزش‌های الهی است.

صادقانه

جایگاه روز عرفه

امام سجّاد(ع) در روز عرفه صدای نیازمندی را شنید که گدایی می‌کرد. به او فرمودند «وای بر تو، آیا در مثل چنین روزی از غیر خدا درخواست می‌کنی، در حالی که در این روز برای بچه‌هایی که در شکم مادران هستند، امید سعادت و خوشبختی می‌رود».

بهارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۱

سلوک

دستور العمل پنجگانه



ملا احمد بن محمد نراقی: از برای طالب پاکسی نفس از اوصاف رذیله و آرایش آن به صفات جمیله، اجتناب از چند چیز است: اول: اجتناب از مصاحبت بدان و اشرار را لازم داند... و با نیکان و صاحبان اوصاف حسنه مجالست کند. دوم: همیشه مواظب اعمالی باشد که از آثار صفات حسنه است. سوم: پیوسته مراقب احوال و متوجه اعمال و افعال خود باشد. چهارم: احتراز از کند از آنچه سبب تحریک قوه شهویه یا غضبیه می‌شود و چشم را محافظت کند. پنجم: فریب نفس خود را نخورد و اعمال و افعال خود را حمل بر صحت نکند و در طلب عیوب خود تلاش و سعی کند.

احکام

نجاست مرتد



پرسش: متأسفانه برادر همسر من به دلایل گوناگون فاسد شده و از دین به‌طور کامل برگشته است، همچنین به بعضی از مقدسات دینی اهانت می‌کند. در حال حاضر بعد از گذشت چند سال از ارتداد او از اسلام، طی نامه‌ای اظهار کرده که به اسلام ایمان دارد، ولی نه نماز می‌خواند و نه روزه می‌گیرد. رابطه پدر و مادرش و بقیه افراد خانواده با وی چگونه باید باشد؟ آیا عنوان «کافر» بر او صدق می‌کند؟ آیا باید او را نجس محسوب کرد؟

پاسخ: بر فرض ثبوت ارتداد قبلی وی، اگر بعد از آن توبه کرده باشد، محکوم به طهارت است و ارتباط پدر و مادر و سایر خانواده با وی اشکال ندارد.

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای،
اجوبه‌الاستفتائات، سؤال ۳۳۵

تاریخ نگار

نگذاشتند صدای پیامبر(ص) شنیده شود!



در سال ۱۰ هجری، پیامبر اسلام(ص) در «حجة‌الوداع» خطبه‌هایی ایراد فرمودند که در آنها به موضوع امامت و جانشینی پس از خود اشاره کردند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این خطبه‌ها، ذکر تعداد امامان و ویژگی‌های آنان بود. پیامبر اسلام(ص) در این خطبه‌ها فرمودند که پس از ایشان، دوازده اسام از قریش به‌عنوان جانشینان ایشان خواهند آمد. این موضوع در دو مکان ، یعنی عرفات و منی، بیان شد. ایشان در این خطبه‌ها فرمودند: «الائمة بعدی اثنا عشر، کلهم من قریش»؛ هر چند در هر دوبار برخی از حاضران، به‌ویژه افراد قریش، با شنیدن این سخن، سر و صدا و آشوب کردند و نگذاشتند بخشی از سخنان پیامبر(ص) به‌درستی شنیده شود.

(الصحيح من سيرة النبي الأعظم، جلد ۳۱، صفحه ۷۸)